

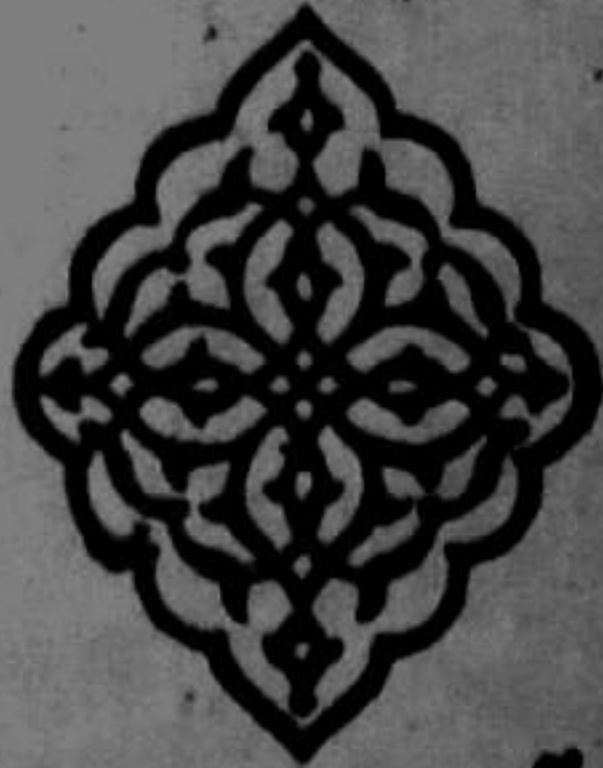
مقدمہ

جوہر اللغات

از

آلٹاؤد وکٹر غلام سرور

نیس سہ سابق بخش فارسی دانشگاہ کراچی



انٹرنیشنل مرکز تحقیقات فارسی لہذا زو پاکستا

اسلام آباد پاکستان

۱۳۹۶ ہجری قمر

۲۵۳۵ شاہنشاہر

۱۹۷۶ میلادی

مقدمہ

جامعہ اسلامیہ

استاد و مکتبہ غلام سرور

رئیس سابق بخش فارسی وانشکاء کراچی

مدینتہ العلم دار العلوم مجددیہ
نور آباد - فتح گڑھ - سیالکوٹ



وزارت مشاورت مرکز تحقیقات فارسی لٹریچر و پیکر نشا

اسلام آباد - پاکستان

۱۳۹۶ ہجری قمریہ

۲۵۳۵ شاہنشاہی

۱۹۷۷ میلادی

پریمیٹ فتران السعدین

پنجاہین سال شایبناہی پسرلی

۲۴۸۴ تا ۲۵۲۵ شایبناہر

و

صدین سال تولد قائد اعظم محمد علی جناح بنیانگذار پاکستان

۱۸۷۶ تا ۱۹۷۶ میلادی

مکتبہ المدینہ
نور آباد - فتح گڑھ سیالکوٹ



سخن پدید

به نام خدای بخشاینده مهربان

فکر تائیس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با اراده دانش پرور و فرهنگ گستر
اعلی حضرت شاهنشاه آدیا مہرا ایران و حضرت رئیس جہود پاکستان بہ صورت اعلامیہ
مشترک ۱۳ آبان ۲۵۲۸ شاپہنشاہی برابر ۷ نوامبر ۱۹۴۹ میلادی پدیدار گردید و تہیہ و تنظیم و اجرای طرح آن
بر وزارت فرہنگ و ہنر ایران و وزارت آموزش و تحقیقات علمی پاکستان سپردہ شد. حسن نیت و
جس تعاون مسئولان دو وزارتخانہ ملی مذاکرات بہ اندازہ نی بود کہ با مشخص گردیدن حدود طرح، مقدمات
اجرای برنامہ نیز فراہم شد و ہستہ مرکز بہ صورت ادارہ مرکزی در راولپنڈی بہ وجود آمد و آغاز بہ کار کرد و در
تاریخ یکم آبان ۲۵۳۰ برابر ۲۳ اکتوبر ۱۹۷۱ موافقتنامہ مربوط با پیوست اسانامہ در میان دو دولت
ایران و پاکستان امضاء شد و مرکز تحقیق یافت.

موافقتنامہ چین شروع می شود :

”بمنظور تشہید و ادامہ ہمکاری فرہنگی و آموزشی و زبانی بین ایران و پاکستان و برای
رسیدن بہ حد اعلائی تفاہم بین دو کشور از طریق تعاون صادقانہ و ہمیشگی دوستانہ
در این زمینہ ها، دولت شاپہنشاہی ایران و دولت جہوری اسلامی پاکستان
تصمیم گرفتہ اند کہ این موافقتنامہ را برای ہمکاری در زمینہ های فرہنگی و آموزشی
منعقد سازند“

و ہدف تاسیس مرکز در آغاز اسانامہ این گونہ آمدہ است:

”پاکستان افتخار دارد کہ دارای یک میراث فرہنگی است کہ در طی قرون از زبان
و ادب و ہنر فارسی ما بہ گرفتہ است. اینک بہ منظور حفظ و توسعہ و نشر و ترویج این
میراث فرہنگی، مؤسسی بہ نام موکوز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان
با اشتراک مساعی وزارت فرہنگ و ہنر دولت شاہنشاهی و وزارت آموزش
و تحقیقات علی پاکستان بہ مدت نامحدودی در کشور پاکستان تاسیس می شود.“
برای رسیدن بہ این ہدف یکی از گامہا چاپ کمن متون فارسی است کہ در پاکستان نوشتہ
و نگاشته شدہ است. اینک متنی دلچسب با تصحیح دقیق و مقدمہ استادانہ از استاد استادان و کتر غلام سرور
تقدیم است.

امید دارم کہ این پیشکش ناچیز روشنگر گوشہ نشینی از جہان پناور و غنی فرہنگ پاکستان باشد
و وحدت و یگانگی میراث فرہنگی ایران و پاکستان را بیش از پیش آشکار گرداند.

مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

علی اکبر جعفری

اسلام آباد (پاکستان)، ۱۵ ابر ۲۵۳۵ شاہنشاهی

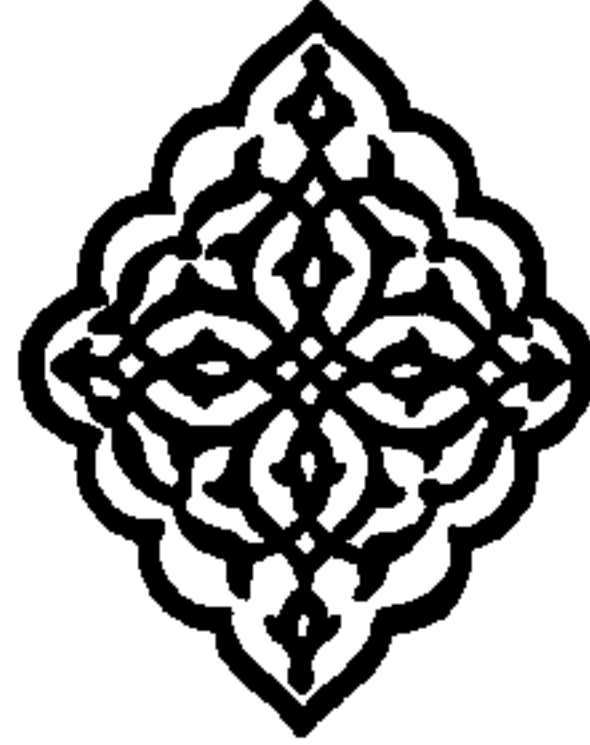
مقدمہ

جواہرِ الاولیاء

از

استاد و کٹر غلام سرور

رئیس سابق بخش فارسی دانشگاہ کراچی



از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

اسلام آباد - پاکستان

۱۳۹۶ ہجری قمری

۲۵۳۵ شاہنشاہی

۱۹۷۶ میلادی

انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان



شماره ۱۵

مکتبہ تصوف و عرفان

شماره ۳

مختصات این کتاب

نام کتاب	: مقدمه جواهر الاولیا.
مؤلف	: استاد دکتر غلام سرور، رئیس سابق بخش فارسی دانشگاه کراچی.
سخن مدیر	: دکتر علی اکبر جعفری، مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد پاکستان.
چاپ	: ایس تی پرنٹرز، گوالمندی، راولپنڈی. تلفن: ۶۶۸۱۸
ناشر	: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، پاکستان. تلفن: ۲۳۳۴۰
تعداد	: ۱۰۰۰ مجلد.
قطع	: ۱۷ x ۲۴ سانتی متر.
کاغذ	: ۷۰ گرمی، ساخت پاکستان.
خطاط	: مولوی عبد العزیز، راولپنڈی.

مدت کتابت و چاپ: ۶ ماه.

تاریخ چاپ و نشر }
 ۱۳۹۶ هجری قمری }
 ۲۵۳۵ شایبناہی }
 ۱۹۷۶ میلادی }

محل انتشار : مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، تلفن: ۲۳۳۴۰.

بہا : ۲۵ روپیہ پاکستان.

حق چاپ برای مؤلف و مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان محفوظ است.

فہرست مطالب

	سخن مدیر
	دیباچہ بہ زبان فارسی
۱۴۰—۳	مقدمہ بہ زبان فارسی
۴—۳	آغاز
۷۸—۵	بخش اول
۶۹—۲۹	بخش دوم
۱۰۳—۷۱	بخش سوم
۱۵۳—۱۰۵	بخش چہارم
۱۵۷—۱۵۵	بخش پنجم
۱۶۰—۱۵۹	خاتمہ
۱۶۶—۱۶۱	ضمیمہ مقدمہ
۱۸۵—۱۶۷	فہرست حا
	مقدمہ بہ زبان انگلیسی
	دیباچہ بہ زبان انگلیسی
	سخن مدیر بہ زبان انگلیسی

دیسپاچہ

در ماہ آوریل سال ۱۹۷۲ میلادی بنا بر پیشنهاد جناب آقای دکتر علی اکبر جعفری، مدیر محترم مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در راولپنڈی، تصحیح و تخریج کتاب جواهر الاولیا تالیف سید باقر بن سید عثمان بخاری، ساکن اُچ بخاری (دکتون در بخش بہاولپور، اُتان پنجاب) و مقدمہ انتہادی بر آن کتاب ما بہ عمدہ خود گرفتیم، و در همان آوان بہ کار محولہ مشغول گردیدیم.

در آغاز کار تنها یک نسخہ خطی جواهر الاولیا در کتابخانہ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی در راولپنڈی موجود بود. این جانب نسخہ خطی مزبورہ را بہ نظر دقیق مطالعہ کردم، و دربارہ ارزش و اہمیت آن کتاب گذارش مفصل تہیہ کردم کہ از جانب مدیر محترم مرکز تحقیقات فارسی بہ تصویب رسید، و با موافقت ایشان کار خود را ادامہ دادم.

نسخہ خطی جواهر الاولیا، کہ در دست بود، افتادہ حالی داشت کہ مشتمل بر چندین برگ بود، و متن آن اغلاط زیادہ داشت، حتی در استنساخ آیات قرآن حکیم نیز غلط حا موجود بود.

بنا بر این قبل از این کہ متن صحیح و کامل جواهر الاولیا تہیہ شود، لازم گردید کہ بہ جستجوی نسخہ خطی کامل این کتاب پردازم، چنانچہ بہ شرعای پشاور و گجرات (پنجاب)، ملتان و بہاول پور رفتم، و در آخر بہ قریہ اُچ بخاری کہ مرکز سادات بخاری می باشد، مسافرت نمودم. سہ مرتبہ بہ اُچ بخاری رفتم، ولی متأسفانہ کوششهای من بہ جای نرسید، و نسخہ خطی جواهر الاولیا بہ دست نیامد.

چندی بعد نسخہ خطی این کتاب در کتابخانہ دانشگاہ پنجاب لاہور پیدا شد. دو مرتبہ بہ لاہور رفتم،

و به لطف و مهربانی معاون مدیر کتابخانه دانشگاه عکس نسخه خطی لاهور به دست آمد.

نسخه خطی لاهور به خط خوب نوشته شده بود، و متن آن اطلاعات کم داشت، ولی به نماندن این نسخه نسبت به نسخه مرکز تحقیقات فارسی افتاده های زیاد داشت. علاوه بر این صحافت بی سواد در مواقع صحافی برگ های جواهر چهارم و پنجم را از جای بی جا کرده بود.

باز هم به سبب افتاده های آن که در دو نسخه خطی فوق موجود بود، تصحیح متن کامل جواهر الاولیا ممکن نبود، و مجبور شدم به جستجوی نسخه خطی کامل این کتاب بپردازم، گویی یک سال تمام در سعی و تلاش گذشت.

در ماه مه سال ۱۹۷۳ میلادی از جانب آقای احمد حسین قریشی، استاد زبان فارسی، زمیندار کالج گجرات

(پنجاب) اطلاعی رسید که نسخه خطی کامل جواهر الاولیا در دست است. چنانچه به گجرات رفتم، و نسخه مزبور

به لطف و مهربانی جناب آقای سید شریف احمد شرافت نوشاهی، که از اخلاف دانشمند سادات ده

ساحن پال نزدیک گجرات می باشند، به دست آمد. نسخه سوم از لحاظ متن کامل بود، تنها یک برگ از

آن افتاده بود که متن آن را از دو نسخه خطی فوق فراهم آوردم.

تصحیح متن کتاب جواهر الاولیا در ماه ژوئن سال ۱۹۷۳ میلادی آغاز گردید. لازم است بگویم که

جواهر الاولیا کتابی است ضخیم و قطور، بدین سبب تصحیح متن کامل آن با مقابله متون سه نسخه فوق

در مدت چند ماه به خاتمه رسید، و مطالعه و بررسی دقیق تمام مطالب کتاب و تهیه مواد لازم برای مقدمه

انتقادی باز در چند ماه انجام یافت، و برای تهیه و ترتیب مقدمه نیز وقت زیاد لازم بود.

در ضمن محتویات مقدمه باید بگویم که تمام مطالبی که درباره کتاب جواهر الاولیا، شرح حال و وقایع

دوره زندگانی مؤلف و بزرگان اسلاف او و مختصات زبان کتاب، که در مقدمه انتقادی فراهم آمده است،

مبنی بر شواهد داخلی می باشد.

لازم نیست شرح و هم که تصحیح و تهیه یک کتاب ضخیم و قدیم فارسی و تهیه مقدمه انتقادی بر آن

تا چه اندازه مقتضی زحمت و پشتکاری باشد، و تنها دانشمندی که کتاب حاضر را مطالعه فرمایند، تفاوت

قضاوت نمایند که این جانب تا چه حد از عمده این کار مشکل برآمده ام.

اکنون لازم است به انجام وظیفه اظهار تشکر و سپاس گذاری به بزرگان و دوستان آن که در تهیه

کتاب جواهر الاولیا به بنده معاونت فرمودند، بپردازم.

۱- آقای دکتر علی اکبر جعفری، مدیر محترم مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در راولپنڈی، کہ در دورہ اقامت بندہ در مرکز تحقیقات فارسی تمام وسائل آرام را فراهم آوردند، و می توان گفت کہ تصحیح و تکمیل و طبع و نشر کتاب جواهر الاولیا مرصون صحت آن بزرگوار در خدمت بہ زبان فارسی در پاکستان می باشد.

۲- خانم دکتر جعفری کہ بانوی شریف و از خانوادہ نجیب می باشند، در دورہ اقامت بندہ در رفع احتیاجات هموارہ سعی بوده، و فرصتی را فراهم آوردند تا من با خاطر آرام کار خود را ادامہ دم.

۳- آقای محمد حسین تقیسی، کتابدار محترم کتابخانہ گنج بخش در مرکز تحقیقات فارسی، کہ نویسنده زبردست و در انجام وظایف خود دارای قوت خستگی ناپذیری می باشند، ہر نوع مواد لازم را، کہ مربوط با منابع جواهر الاولیا بود، برای بندہ فراهم آوردند.

و در آخر دو نفر از شاگردان عزیز خود:

یکی آقای ساجد اللہ تقیسی، رئیس فعلی بخش فارسی در دانشگاه کراچی، و
دومی آقای سید منصور علی سہروردی، دانشجوی درجہ دکتری در ادبیات فارسی در دانشگاه کراچی، و
دوست عزیز آقای عبدالصمد صدیقی، دانشمند فاضل زبان عربی، کہ در مقابلہ متن کتاب حاضر با متون سہ نسخہ خطی جواهر الاولیا بہ بندہ کمک نمودند.

غلام سرور
استاد و رئیس سابق بخش فارسی،
دانشگاه کراچی

۹۶۸ پیر الہی بخش کالونی، کراچی ۵
۲۸ اکتوبر ۱۹۷۵ میلادی

مقدمہ

جو احمد الاولیا



مقدمه

آغاز: بنام خدائی که جان آفرید
خداوند بخشنده دست گیر
سخن گفتن اند زبان آفرید
کریم عطا بخش پوزش پذیر^۱

کتاب جواهر الاولیا چنان که از شواهد داخل آن به اثبات رسیده است، در نیمه دوم قرن یازدهم هجری / نیمه قرن هفدهم میلادی در قریه دور دست اُچ بخاری (در بخش بهاول پور استان پنجاب پاکستان کنونی) تالیف یافته است.

ارزش و اهمیت این کتاب تنها به تصحیح و طبع آن و بدون معرفی مفصل آن و توضیح محتویات آن در صورت مقدمه تحقیقی متعین نمی گردد.

پنا بر این لازم دانستیم مقدمه مفصل بنویسیم، و در آن مقدمه امور ذیل را توضیح بدیم:

۱- معرفی نسخه های خطی جواهر الاولیا که در دست است، و چگونگی به وجود آمدن این کتاب و شرح حال کاتب اصلی این کتاب در اُچ بخاری.

۲- معرفی مؤلف جواهر الاولیا (سید باقر بن سید عثمان بخاری) و اسلاف او به عنوان سلسله سادات بخاری و وظایف بزرگان این سلسله در باره ارشاد و هدایت مردم به دین اسلام و چاره گری دردهای انفرادی و اجتماعی افراد دوره های آنان.

۳- معرفی مفصل کتاب جواهر الاولیا و بیان محتویات، و اسباب و علل به وجود آمدن آن، و

۱- بوستان سعدی به تصحیح استاد عبدالعظیم قریب، مطبوعه تهران ۱۳۲۸ شمسی، ص ۷.

و توضیح مطالب ظاهری و معنوی، و شرح احوال و کیفیات اجتماعی دوره تالیف و تفصیل چاره
ورد های انفرادی و اجتماعی مردم آن دوره.

۴- زبان جواهر الاولیا و مختصات آن، و به خصوص بیان استعمال فارسی سره در این کتاب از جانب
مؤلف در دوره ای که استعمال فارسی سره در نشر فارسی معمول نه بوده است؛ و

۵- اهمیت این کتاب در دوره حاضر:

از لحاظ ظاهری نزد صوفیان و مُرشدان، و

از لحاظ معنوی نزد محققین زبان و ادبیات فارسی.

اکنون به تفصیل این اجمال می پردازیم.

چنان که در آغاز مقدمه جواهر الاولیا به موضوعات مقدمه اشاره کردیم، مقدمه مفصل و تحقیق این
کتاب مشتمل است بر پنج بخش ذیل:

۱- بخش اول: نسخه های خطی جواهر الاولیا،

۲- بخش دوم: مؤلف جواهر الاولیا،

۳- بخش سوم: کتاب جواهر الاولیا،

۴- بخش چهارم: زبان جواهر الاولیا؛ و

۵- بخش پنجم: اهمیت جواهر الاولیا در عصر حاضر.

توضیح و شرح مفصل بخش های فوق در صفحات مابعد از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.



بخش اول

نسخہ های خطی جواهر الاولیا

نسخہ های خطی جواهر الاولیا در این روزها بسیار کم یاب است، و فقط سه نسخہ خطی از اطراف مختلفہ پاکستان بہ دست رسید، و کوشش ہائی را کہ در جستجوی نسخہ های خطی این کتاب بہ عمل آورده ایم، در دیباچہ کتاب حاضر شرح داده ایم. اکنون سے نسخہ خطی مزبورہ را معرفی می نمایم:

نسخہ خطی اول جواهر الاولیا

نسخہ خطی اول جواهر الاولیا در کتابخانہ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، راولپنڈی شماره ۷۹۰، کہ توسط آقای احمد حسین احمد قریشی، استاد زبان فارسی، زمیندار کالج، گجرات پنجاب و آقای سید شریف احمد شرافت نوشاہی ساہن پالی از وہ کوٹھ تکان (در بخش گجرانوالہ استان پنجاب) و

۱- نسخہ و در کتاب حاضر.

بہ کوششِ حای آقای محمد حسین تبسبی، کتابدارِ کتابخانہ گنج بخش راولپنڈی، بہ دست آمد.

۱۔ تعداد برگِ حای :

(د) فہرستِ سادات و علماء اولیا ۱۱

(ب) متن جواہر الاولیا ۱۹۳

۲۰۴

۲۔ خط —: نستعلیق و شکستہ و ریز.

۳۔ سطور در یک صفحہ = ۱۷

۴۔ مؤلف —: سید باقر بن سید عثمان بخاری^۱.

۵۔ کاتب —: نام صحیح کاتب محو شدہ و بہ جای آن "محمد علی" نوشتہ شدہ است^۲.

۶۔ تاریخ ختم کتابت = بعد از نماز صبح روز پنج شنبہ ہفتم ماہ صفر ۱۱۹۳ (جری قری).

۷۔ محل کتابت = جہوں^۳.

فہرست سادات و علماء اولیا

(د) آغاز فہرست :

پہنستین

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله الطيبين

الطاهرين اجمعين

بدان کہ این فہرست نام حای مشائخان کہ در کتاب جواہر الاولیا تصنیف حضرت

۱۔ مؤلف جواہر الاولیا در متن کتاب در چندین نام خود را بہ همین طریق آورده است.

۲۔ رکن سادہ ۲۰۴ میں مذکور ہے کہ کاتب محو شدہ ہے۔

۳۔ شہری است در امارت جہوں و کشمیر کہ اکنون زیر تسلط حکومت بھارت ہے.

سیدہ السادات میران سید باقر بن سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، کہ در مجلس حضرت رسالت پناہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، دیدہ و شنیدہ جمع کردہ مذکور است، و آن این است.

(ازین بہ بعد فرست سادات و علما و اولیا شروع می شود).

(ب) انجام فرست:

فرست جواہر الاولیا تمام شد

فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، عدد اسماء شریفہ سادات و علما و اولیا، کہ در مجلس حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، ملاقات شدہ، درین کتاب جواہر الاولیا از ایشان منقولہ شنیدہ جمع کردم،

و آن این است:

جلد ۱۱۶۷ یک ہزار و یک صد و شصت و ہفت است.

واللہ اعلم بالصواب.

متن جواہر الاولیا

(۱) آغاز متن:

بیتین

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی اعطی کل شیء قسطہ ہدی، والصلوة والسلام علی رسولہ محمد وآلہ و

اصحابہ اجمعین.

فیقول الفقیر الحقیر اضعف عباد اللہ فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری، غفر اللہ ذنوبہما بلطفہ و ستر عیبہما بکمال عفوہ :

چون فقیر شنیدم از استاد کامل و عامل، سلطان المشائخ و الاولیا، قُدوة الزہاد و الاتقیاء، کاشف الحقائق، منظر اللہ فائق، بَحْتِ الحق علی الخلق، قطب الاقطاب فی الارضین، مُلک المشائخ فی العالمین، وارث علوم الانبیاء و المرسلین، ختم الواصلین و العارفين، سید عثمان بن سید داؤد بخاری، رضی اللہ تعالیٰ عنہما و ارضاه و جعل الجنة الفردوس مثواه.....

(ب) انجام متن:

و فقیر سید باقر از پدر خود، کہ مہبط انوار اللہ، منظر اسرار اللہ، خلیفہ رسول اللہ، مجلسی حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و علیٰ آلہ و سلم، صاحب العلم و الحلم و الشجاع (الشجاعة) سید عثمان بن سید داؤد بخاری، قدس اللہ تعالیٰ ترہ، شنیدم، و پدر من از جد خود سید شکر اللہ، کہ عرف شیخ بھنوشمی گویند، و او از پدر خود سید حاجی حمید نظام الدین بخاری شنید:

ھر کہ بہ وقت صبح پیش از نماز صبح این الفاظ بگویند:

وقت محذوم سید جلال جہانیاں جہانگشت بخاری کند و پنج نمکن مابیان، نعمت جاودانی یابد.

انشاء اللہ تعالیٰ.

(ج) نوشتہ کاتب در بارہ کتابت جواهر الاولیا.

تمام شد کتاب بدست و ملک فقیر حقیر محمد علی بن عفی اللہ عنہ و عن والدیہ بعد از نماز صبح روز پنجشنبہ ہفتم ماہ صفر در جموں مطابق ۱۱۹۳ (ہجری قمری) بہ اتمام رسید، بمتہ و کرمہ.

اکنون بہ بیان افتادہ حالی کہ نسخہ خطی حاضر دارد، می پردازیم:

- ۱- در بارہ اشتباہ کاتب اصلی جواهر الاولیا در لُحِ بخاری، رک حاشیہ ۱ ص ۵۶۱ کتاب حاضر.
- ۲- خوانندہ نااہل نسخہ خطی حاضر، کہ بہ اہمیت، ہم کاتب اصلی نسخہ حاضر اشتناز بودہ، ہم او را محذوم، و بہ جای آن نام محمد علی د کاتب اصلی نسخہ خطی جواهر الاولیا در لُحِ بخاری، در متن نسخہ حاضر خوانندہ، و در این جا آورده است، و بہ سبب نام کاتب اصلی نسخہ خطی حاضر معلوم شد.

خوشنمازه نسخه خطی حاضر از لحاظ متن کامل است، فقط یک برگ و در چند جا لغات

یا جملات افتاده است.

البته در فهرست سادات و علما و اولیا چندین نام افتاده است.

اینک تفصیل افتاده ها.

(۱) افتاده ها در متن:

- ۱- فضیلت آیه (۳، ۱۳۷) قرآن حکیم (ص ۳۶ کتاب حاضر).
- ۲- یک سطر از متن (ص ۸۳).
- ۳- فضیلت خواندن اسم یا هُو با مؤکلات و نوشتن عدد اسم یا هُو در شکل مربع (ص ۱۱۲).
- ۴- فضیلت نوشتن عدد اسم یا حَمْن در شکل مربع (ص ۱۱۳).
- ۵- فضیلت خواندن اسم یا سَلام (ص ۱۱۵).
- ۶- فضیلت نوشتن عدد اسم یا مِیْمِن و یا بُدُوح و یا حَکَم در شکل مربع (ص ۱۱۴ و ۱۳۵).
- ۷- فضیلت خواندن اسم یا حَکِیم و یا مَلِک المَلِک (ص ۱۳۶ و ۱۷۰).
- ۸- نام های باری تعالی النجیر و البدیع در فهرست نام ها (ص ۱۸۴ و ۱۸۵).
- ۹- یک جمله (در ص ۲۰۳) و یک جمله (در ص ۲۱۰).
- ۱۰- شجره منطوم بخاریان در دائره (ص ۲۹۸).
- ۱۱- صورت قدیم راست مبارک (ص ۲۹۹).
- ۱۲- دعا (ص ۳۲۴)، سه جمله دعائیه (ص ۳۸۴)، عبارت (ص ۳۹۹)، و یک جمله (ص ۳۰۱).
- ۱۳- یک برگ (ص ۳۲۹) بعد از برگ ۱۴۹، و
- ۱۴- صورت مندره (ص ۳۵۷).

۱- حواله های افتاده ها از صفحات کتاب حاضر آوریم، و در باره افتاده ها در حاشیه های صفحات مزبوره نیز اشاره کردیم.

شماره های برگ های نسخه خطی که در متن کتاب حاضر موجود است.

(ب) نام های افاده در فهرست و موجود در متن :

سلطان سید احمد کبیر.	مخدوم سید جلال همانیان جماعتگشت.
سید عبدالرحمن بخاری.	شیخ ولی الدین.
شیخ قطب الدین قوقانی.	سید یعقوب بن سید علی.
یونس نخوی.	کعب بن زهیر صحابی.
شیخ ابوبکر نتاج.	شیخ حسن سنائی.
شیخ حاکم ابو عبداللہ نیسابوری.	خطیب خوارزم.
سید مرتضی حلی.	ابن ابی الجہید.
خواجہ نصیرالدین طوسی.	خواجہ بہاء الدین عاملی.
شیخ محمد بن بابویہ قمی.	شیخ حسن بن محمد.
شیخ احمد بن حسن.	شیخ نورالدین بلخی.
سلطان محمد خدا بندہ.	امیر ابو اسحق شیرازی.
	امام ابو عمرو.
	ابو عبداللہ محمد.
	شیخ علی بن عیسی الایلی.
	ابن المطهر حلی.
	ابو المنذر ہشام.
	سید تاج الدین ادجی.
	شیخ ابو الحسن علی.
	قاضی یعقوب.
	سلطان ناصرالدین محمود.

(ج) نام های افاده در متن و موجود در فهرست :

خواجہ نصیرالدین طوسی (برگ ۳ ب)، زجاج نخوی (برگ ۴ ا).

سلطان خواجہ احمد یسوی و شیخ نظام الدین اوپا (برگ ۵ و ب).

(د) نام های ذیل (در فهرست و در متن) بایک دیگر اختلاف دارد :

۱- در فهرست (برگ ۳ ب) میر ابوالبقا. و در متن میر ابو القاسم (ص ۵۶).

۲- در فهرست (برگ ۱۴ ا) ابوبکر. و در متن امام ابو عمرو (ص ۷۲)

نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا^۱

نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا در کتابخانہ دانش گاہ پنجاب لاہور موجود است (شمارہ ۶۳۰۸)۔ ما بہ لطف و مہربانی سید غلام رسول شاہ، معاون کتاب دار کتابخانہ مزبورہ بہ دست آوردن عکس نسخہ خطی موفق شدیم۔

۱۔ تعداد برگ ها :

(ا) فہرست سادات و علماء اولیا = ۹

(ب) متن جواہر الاولیا ————— = ۲۸۰
۲۸۹

۲۔ خط : نستعلیق و شکستہ خوب و استادانہ۔

۳۔ سطور در یک صفحہ = ۱۹

۴۔ مؤلف — سید باقر بن سید عثمان بخاری۔

۵۔ کاتب — عبدالرسول تتوی۔

۶۔ تاریخ ختم کتابت = بعد از نماز صبح روز یک شنبہ ماہ ذی الحجہ ۱۱۴۰ یک ہزار و یک صد

و چل ہجری، مطابق ۲۲ جلوس محمد شاہ بادشاہ۔

۷۔ محل کتابت = شاہ جان آباد۔

فہرست سادات و علماء اولیا

(۱) آغاز فہرست :

۱۔ نسخہ ب در کتاب حاضر "۱۲ جلوس محمد شاہ" غلط است۔ صحیح "۱۰ جلوس محمد شاہ"۔

آغاز فرست سادات و علما و اولیا در نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا مطابق بہ آغاز فرست سادات و علما و اولیا در نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

(ب) انجام فرست :

انجام فرست سادات و علما و اولیا در نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا مطابق بہ انجام فرست سادات و علما و اولیا در نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

متن جواہر الاولیا

(ا) آغاز متن :

آغاز متن در نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا مطابق بہ آغاز متن نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

(ب) انجام متن :

انجام متن در نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا مطابق بہ انجام متن نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

(ج) نوشته کاتب در بارہ کتابت جواہر الاولیا :

تمام شد کتاب مذکور بدست فقیر حقیر عبد الرسول تتوی عنی اللہ عنہ و عن والدیہ و بعد از نماز صبح روز یک شنبہ ماہ ذی الحجہ ۱۱۳۰ھ یک ہزار و یک صد و چہل ہجری، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم در بلدہ فاخرہ شاہ جهان آباد، مطابق سالہ جلوس محمد شاہ پادشاہ خلد اللہ ملکہ و سلطنتہ است، تمام شد.

ماتفانہ نسخہ خطی دوم جواہر الاولیا کامل نیست، و افتادہ های زیادہ دارد کہ تفصیل آن را

در ذیل آوردیم :

۱- ۱۲، جلوس محمد شاہ غلط است، صحیح "۱۰، جلوس محمد شاہ".

(ا) افتاده ها در متن :

- ۱- بعد از برگ ۱۶ ب چند برگ (در حدود ۱۳ صفحه از ص ۲۸ تا ۴۰ در کتاب حاضر).
 - ۲- یک سطر از متن (ص ۸۳).
 - ۳- از آخر جواهر اول بعد از برگ ۵۶ ب یک برگ (در حدود دو صفحه از ص ۱۰۱ تا ۱۰۲).
 - ۴- از اول جواهر دوم چند برگ (در حدود ۱۳ صفحه از ص ۱۰۵ تا ۱۱۸).
 - ۵- فضیلت نوشتن عدد اسم یا حکم در شکل مربع (ص ۱۳۵).
 - ۶- فضیلت اسم یا حکیم (ص ۱۴۶).
 - ۷- نام های باری تعالی النجیر و البدیع در فهرست نام ها (۱۸۴ و ۱۸۵).
 - ۸- بعد از برگ ۱۳۸ ب چند برگ (در حدود ۱۰ صفحه از ص ۲۶۷ تا ۲۷۶).
 - ۹- شجره منظوم بخاریان در دائره (ص ۲۹۸).
 - ۱۰- صورت قدم راست مبارک (ص ۲۹۹).
 - ۱۱- بعد از برگ ۱۵۶ ب چند برگ (در حدود ۳۴ صفحه از ص ۳۱۰ تا ۳۴۳).
 - ۱۲- عبارت (ص ۳۹۹).
 - ۱۳- صورت مندر (ص ۴۵۷).
 - ۱۴- بعد از برگ ۲۸۷ ب چند برگ (در حدود ۵ صفحه از ص ۵۵۴ تا ۵۵۸).
- (ب) افتاده در فهرست سادات و علماء اولیا :

(در حدود ۲۶ صفحه از ص ۵۸۲ تا ۶۰۷ فهرست کتاب حاضر)
متأسفانه صحاف نادانی که با ترتیب برگ های نسخه های خطی به واسطه کلمه های پاورقی آشنا

۱- جواله های افتاده ها از صفحات کتاب حاضر آوردیم، و در باره افتاده ها در حاشیه های صفحات مزبوره نیز
اشاره کردیم.

نه بود، بسیاری از برگ های نسخه خطی دوم جواهر الاولیا (محموظاً در کتابخانه دانش گاه پنجاب، لاهور) را از جای بی جا کرده، و نسخه خطی را صحتانی کرده بود، ما ترتیب برگ های عکسی نسخه خطی مزبور را با زحمت فراوان با مقابله با متون دو نسخه خطی دیگر جواهر الاولیا درست کردیم.

نسخه خطی سوم جواهر الاولیا

نسخه خطی سوم جواهر الاولیا، موجود در کتاب خانہ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان راولپنڈی، شماره ۲۹۰ / ۲۷۶ از دہ بہکری نزد قرینہ چکوال بخش جہلم (استان پنجاب) بہ دست آمد.

۱- تعداد برگ ها:

(ا) فهرست سادات و علما و اولیا = ۹

(ب) متن جواهر الاولیا = ۲۸۸
۲۹۷

۲- خط: نستعلیق و شکستہ خوب.

۳- سطور در یک صفحہ = ۱۹

۴- مؤلف: سید باقر بن سید عثمان بخاری.

۵- کاتب: محمد دین (۹)

۶- تاریخ ختم کتابت = ندارد.

۷- محل کتابت = ندارد.

۱- درباره نام کاتب و نوشتہ او در موضوع کتابت نسخه خطی سوم جواهر الاولیا رک توضیح نگارندہ مقدمہ ص ۱۵ و ۱۴ مقدمہ.

فہرست سادات و علماء و اولیا

(۱) آغاز فہرست :

آغاز فہرست سادات و علماء و اولیا در نسخہ خطی سوم جواہر الاولیا مطابق بہ آغاز فہرست سادات و علماء و اولیا در نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

(ب) انجام فہرست :

انجام فہرست سادات و علماء و اولیا در نسخہ خطی سوم جواہر الاولیا مطابق بہ انجام فہرست سادات و علماء و اولیا در نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

متن جواہر الاولیا

(۱) آغاز متن :

آغاز متن جواہر الاولیا در نسخہ خطی سوم جواہر الاولیا مطابق بہ آغاز متن نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

(ب) انجام متن :

انجام متن جواہر الاولیا در نسخہ خطی سوم جواہر الاولیا مطابق بہ انجام متن نسخہ خطی اول جواہر الاولیا (نسخہ اول) می باشد.

(ج) نوشتہ کاتب در بارہ کتابت جواہر الاولیا.

”مقت کتاب جواہر الاولیا برای پاسب خاطر جناب فیض مآب واعظ بی نظیر مولوی صاحب مولود مولوی احمد الدین ساکن پادشہانی ضلع جہلم از دست خط مسکین الدارین محمدین (محمد دین) از مقام (۹) ضلع کجوالہ تحریر یافت . فقط .“

(د) توضیح نگارنده مقدمه درباره کاتب و نوشته او در موضوع کتابت نسخه خطی سوم جواهر الاولیا.
 اگر خط متن نسخه خطی سوم جواهر الاولیا و خط نوشته کاتب را در موضوع کتابت نسخه خطی مزبور
 به نظر دقیق بینیم، معلوم می گردد که این دو خط از دو کاتب مختلف بوده است.
 خط متن جواهر الاولیا خوب و خوانا است، ولی خط کاتب خام و از قلم شخصی است که در کتابت
 تجربه ای ندارد.

علاوه برین در چند سطر نوشته کاتب اغلاط ذیل به نظری رسد:

۱- مولود که در اصل "مولوی" است.

۲- پادشاهی، که در اصل "پادشاهان" است، و "پادشاهان" نام ویسی است به فاصله پانزده
 میل از قریه چکوال (بخش جلم استان پنجاب) به جانب مشرق و به فاصله ده میل از ده
 کاس (موبله نگارنده مقدمه) به جانب مغرب.

و ده "پادشاهان" موبله و مسکن مولوی احمد الدین می باشد.

و این جانب (نگارنده مقدمه) خود به ده "پادشاهان" رفته با آقای عبداللطیف نبیره مولوی
 احمد الدین ملاقات کردم. معلوم شد که مولوی احمد الدین در سال ۱۳۴۴ هجری قمری/ ۱۹۲۵ میلادی
 به رحمت حق پیوسته است.

مولوی احمد الدین صاحب علم و فضل بوده، و کتاب خانه بزرگی می داشت که بعد از وفات
 او در نتیجه بی توجهی اخلاف او بیشتری از کتاب های کتاب خانه او تلفت یا گم شده است.

۳- "احمد الدین" در ده پادشاهان و در اطراف آن به تلفظ "احمد دین" معروف است.

۴- کاتب نام خود را "محمدین" نوشته که در اصل "محمد دین" است.

۵- کاتب بعد از کلمه "مقام" نام مقام را نه نوشته است.

۶- کاتب تاریخ کتابت و محل کتابت را نیز نه نوشته است.

از توضیح حقایق فوق بدین نتیجه می رسیم که محمد دین کاتب اصلی نسخه خطی سوم جواهر الاولیا نه بوده

است، و نسخه خطی مزبور تصادفاً به دست او افتاده، و او چند سطر از خود به عنوان کاتب نسخه خطی جواهر
 الاولیا نوشته است.

متناسقہ نسخہ خطی سوم جواہر الاولیا نیز کامل نیست، و در چند جا افتادہ دارد کہ تفصیل آن را

در ذیل آوردیم:

(۱) افتادہ حاد در متن؛

۱- بعد از برگ ۱۶ ب چند برگ (در حدود ۱۳ صفحہ از ص ۲۸ تا ۴۰ در کتاب حاضر).

۲- یک سطر از متن (ص ۸۴).

۳- از آخر جواہر اول بعد از برگ ۵۴ ب یک برگ (در حدود دو صفحہ از ص ۱۰۱ تا ۱۰۲).

۴- از اول جواہر دوم چند برگ (در حدود ۱۴ صفحہ از ص ۱۰۵ تا ۱۱۸).

۵- فضیلت نوشتن عدد اسم یا حکم در شکل مربع (ص ۱۳۵).

۶- فضیلت اسم یا حکیم و یا مالک الملک (ص ۱۴۶ و ۱۷۰).

۷- نام های باری تعالیٰ الخیر و البدیع در فهرست نام ها (ص ۱۸۴ و ۱۸۵).

۸- شجرہ منظوم بخاریان در دائرہ (ص ۲۹۸).

۹- صورت قدم راست مبارک (ص ۲۹۹).

۱۰- دما (ص ۳۲۴) و سه جملہ دعائیہ (ص ۳۸۴) و عبارت (ص ۳۹۹).

۱۱- صورت مندر (ص ۴۵۷).

۱۲- بعد از برگ ۲۸۷ ب چند برگ (در حدود ۵ صفحہ از ص ۵۵۴ تا ۵۵۸).

(ب) افتادہ در فهرست سادات و علما و اولیا.

(در حدود ۲۶ صفحہ از ص ۵۸۲ تا ۶۰۷ کتاب حاضر).

نسخہ خطی اول جواہر الاولیا کہ از بخش گجرانوالہ استان پنجاب بدست رسید، و تفصیل محتویات

آن را در صفحات گذشتہ آوردیم، نسبت بہ دو نسخہ خطی دیگر جواہر الاولیا، کہ یکی از کتاب خانہ دانشگاه

پنجاب لاهور و دومی از بخش جلم بہ دست رسید، کامل تر و صحیح تر می باشد، بدین سبب ما نسخہ خطی اول

۱- حوالہ های افتادہ حا از صفحات کتاب حاضر آوردیم، و در بارہ افتادہ حاد در حاشیہ های صفحات مزبورہ نیز اشارہ

کردیم.

جواهر الاولیا را برای تصحیح متن جواهر الاولیا نسخه اساسی قرار دادیم، و افتاده حاتی را که در متن آن بوده است، با مقابله با متون دو نسخه خطی دیگر در متن کتاب حاضر آوردیم.

علامات سه نسخه خطی جواهر الاولیا در متن کتاب حاضر

۱. نسخه خطی اول جواهر الاولیا - ا
۲. نسخه خطی دوم جواهر الاولیا - ب
۳. نسخه خطی سوم جواهر الاولیا - ج

نسخ خطی اصلی جواهر الاولیا در آتش بخاری

از شواهد داخلی معلوم گردیده است که سید باقر بن سید عثمان بخاری، مؤلف جواهر الاولیا در قریه آتش بخاری تولد یافته، و عمر خود را در همان قریه بسر برده است، و کتاب جواهر الاولیا در همان قریه تألیف یافته است.

اکنون به تفصیل تألیف جواهر الاولیا می پردازیم:

چنانکه از حاشیه نسخه ۱ برگ ۱۰۴ ب و نسخه ب برگ ۱۵۱ ب، که از کاتب اصلی جواهر الاولیا (محمد علی) می باشد، معلوم می گردد که طبق نقشه ای که در آغاز کار برای تألیف کتاب جواهر الاولیا در آتش بخاری کشیده شده بود، قرار بر این بود که این کتاب در سه نسخه مختلف تألیف یابد، و ذکر آن را در ذیل می آوریم:

- اول: نسخه کبیر جواهر الاولیا،
- دوم: نسخه وسیط جواهر الاولیا، و

سوم : نسخہ صغیر جواہر الاولیا .

و ایک حاشیہ ای کہ ذکر آن در سطور فوق آمده است :

”در میان قادر مشہور است قصیدہ :

شہدت بان اللہ والی ولایتی

و قد من بالتصریف فی کل حالتی

الی آخر از شیخ (محمی الدین) عبدالقادر (جیلانی) است .

و من (یعنی محمد علی) کاتب اصلی نسخہ خطی جواہر الاولیا در ایتح بخاری از سید محمد باقر

(بن سید عثمان بخاری) پرسیدم، و خاصیت آن را سوال کردم .

چندین خاصیت فرمودند .

بعدہ چون نظر ایشان بر این بیت افتاد کہ

.....
کل ملوک العالمین رعیتی

فرمودند کہ ما را تحقیق شد از ایشان کہ این قصیدہ از شیخ (محمی الدین عبدالقادر جیلانی)

نیست . دیگری تصنیف کردہ بہ نام او انداختہ .

شیخ (محمی الدین عبدالقادر جیلانی) گفت کہ : من گفتہ بودم کہ :

قدی علی رقبۃ کل ولی اللہ غیر اهل بیت رسول اللہ .

بعد از این بہ جای این قصیدہ دعای دیگر در نسخہ و سیط جواہر الاولیا نوشتند .

و ما و سیط و کبیر نوشتیم ، و نوشتن صغیر شد ، زیرا کہ او در این دو مندرج است .

و باعث بر وسیط و کبیر این صغیر فقیر بودہ ” واللہ اعلم . مکاتبہ .

از بیانات فوق معلوم می شود کہ دو نسخہ جواہر الاولیا یعنی وسیط و کبیر بہ پیش نهاد و گوش

و قلم کاتب اصلی جواہر الاولیا (محمد علی بن شیخ عبد الواسع صوفی) بہ تکمیل رسیدہ ، و در کتاب خانہ شخصی

۱- حاشیہ مزبورہ مصراع اول این بیت ندارد .

سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُتج بخاری موجود بوده است، ولی نسخه صغیر جواهر الاولیا، چنان که کاتب اصلی جواهر الاولیا در سطور بالا گفته است، نوشته نه شده، و به وجود نیامد.

البته در باره سه نسخه خطی جواهر الاولیا، که به دست ما رسیده است، نمی توانیم به طور قطعی بگوییم که از نسخه وسیط جواهر الاولیا استنساخ شده است یا از نسخه کبیر آن، زیرا آن دو نسخه جواهر الاولیا یعنی وسیط و کبیر، با وجود کوشش های زیاده، که تا امروز جاری است، از هیچ جای به دست ما نرسیده، و کاتب اصلی دو نسخه فوق جواهر الاولیا نیز شرح موضوعاتی را که در دو نسخه مزبوره آمده، و از یک دیگر متفاوت بوده است، در حاشیه فوق نیاورده است.

اکنون به ذکر بیاناتی که کاتب اصلی جواهر الاولیا در باره خود در جواهر الاولیا آورده است، می پردازیم.

کاتب اصلی کتاب جواهر الاولیا در اُتج بخاری

از شواهد داخلی به طور قطعی به اثبات رسیده است که کاتب اصلی کتاب جواهر الاولیا در اُتج بخاری محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی بوده است، او اصل شهرتته در اُستان سند، و شاگرد و مرید سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُتج بخاری می باشد.

تفصیل شواهد داخلی در باره کاتب اصلی کتاب جواهر الاولیا در اُتج بخاری در ذیل می آوریم.

۱- و از حضرت شیخ اسحاق بن شیخ موسی، رحمه الله علیه، جد کاتب محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی بن شیخ ابوطالب بن شیخ اسحاق، رفع الله شان اولاده، منقول است

۲- و از حضرت سید باقر بن سید عثمان بخاری، قدس الله مرقده، منقول است که یک شاگرد و مرید میان محمد علی طالب علم بن شیخ عبدالواسع صوفی بن شیخ ابوطالب بن شیخ اسحاق بن شیخ موسی سندی تنوی حنفی، قدس الله سره، سوال پرسید از دعای جنت تمسیر قطع عقبات سبب طریق عبادت

کہ در کتاب مناج العابدین تصنیف امام دایو حامد محمد غزالی، قدس اللہ روحہ، مذکور است۔
فقیر جواب آن را از پدر خود سید عثمان بن سید داؤد بخاری، قدس اللہ تعالیٰ سرہ، شنیدم.....
۳۔ چنان چہ استاد کامل از استاد کامل و عامل کہ صاحب مجلس حضرت محمد مصطفیٰ است، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، و اولاد قطب العالم، کاشف اللوح و القلم، مخدوم سید جلال جانیان جاگشت، قدس اللہ سرہ، سایر زمین و آسمان، سید باقر بن سید عثمان بخاری، سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زاد فی عمرہ، از کتابهای معتبر و از اخبار مصطفوی، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، دیدہ و شنیدہ، و خون بہ تجریہ آورده، قلمی نمودم، کہ حاجت مند برای کاری و همی کہ کند، حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ۔

از کلمات "قلمی نمودم" کہ در عبارت فوق آمده است، ظاهر است کہ عبارت فوق نوشته خود کاتب (یعنی محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی) می باشد۔

۴۔ و خاصیت های درود حاضری در کتاب اکبر جلالی تصنیف سید باقر (بن سید عثمان) بخاری،

سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زید عمرہ، هفتاد و دیم با شرح۔

من برای آسانی اندک نوشتم تا خواننده ملول نشود۔

از جمله "من برای آسانی اندک نوشتم تا خواننده ملول نشود" ظاهر است کہ عبارت فوق نوشته خود کاتب (یعنی محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی) می باشد۔

خود کاتب (یعنی محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی) می باشد۔

۵۔ کاتب اصل کتاب جواہر الاولیا شجرہ سادات بخاری را نظم کرده، و در آخر شجرہ منظوم چند بیت

در بارہ خود گفته، و در آن ابیات نام خود را بہ صراحت آورده است:

چنان چہ در آن ابیات اشارہ بہ سید باقر بن سید عثمان بخاری می کند، و می گوید:

خدا بقاش وهد در جهان سنین بسیار

پناه پیران میران محمد باقر

بر این کینہ مریدان عنایت و اظہار

نمودہ سید مسطور جلد نعمت ها

سپاس و شکر خدا را کنم فزون ز شمار

کہ نام دوست محمد علی ز فیض خدا

ز نور معرفت اندر دلم فلک انوار

بہ حق و حُمت احمد بہ حق اهل البیت

مراذ جمله ایمانیان بکن یا رب
همه مراد رواکن به حق آن مختار^۱
۶- کاتب در ضمن خاتمه کتاب جواهر الاولیا در باره نوشتن این کتاب به خط خود اشاره می کند
ومی گوید:

"تمت تمام شد کتاب مبارک جواهر الاولیا، تصنیف سیادت و نقابت پناه، شرافت و نجابت
دستگاه، هدایت و ولایت مآب، کرامت و نبوت انتساب، مختار حضرت رب الارباب، جامع العلوم و
الکلمات، مجلسی حضرت سرور کائنات، خلاصه آل ظل و نیر، صلی الله علیه و آله وسلم، میران سید محمد باقر تارک
بن سید عثمان بخاری، سلمه الله تعالی و ابقاه و زید عمره، اولاد قطب العالم، کاشف اللوح و القلم، مخدوم
سید جلال جهانیان جهانگشت، قدس الله سره العزیز.

ابیات:

این نوشته بماند به خط فقیر
بنام شد مومن در جنتم سعیر
شنیدم ز استاد بخاری باقر
دهد مومنان را نعیم و ملکا کبیر

نوشتم مقالات بخاری باقر
نوشتم مقالات باقر بخاری
نوشتم مقالات پسر شاه عثمان
اللهم ارحم علیه و علی مادر و پدر
خدایش نگبان، اولاد علی
خدایش رساند بدار الاولان،^۲

۷- نسخه خطی دوم جواهر الاولیا (نسخه خطی ب) عبارت ذیل در حاشیه برگ ۱۶۹ و دارد:
در متن نوشته مصنف (سید باقر بن سید عثمان بخاری) است، سلمه الله تعالی و ابقاه
و زید عمره،

و در حاشیه نوشته شاگرد است از شاگردان (یعنی محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی).
"اگر شاگرد و غیره برای هر ممتی و کاری بخواند، و یا در گور دهند، خرقه خلافت بنویسد،
و بخواند:

۱- ص ۵۵۴ کتاب ماثر. ۲- ص ۵۵۵ کتاب حاضر. این ابیات از وزن خارج است.

اللی به حرمت خرقه خلافت حضرت سید استادان، منبع البرکات، جامع العلوم و الکلمات، مجلسی حضرت آل ظه و لیس، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، اجمعین، سید باقر -----
 ----- از پدر خود سید عثمان بخاری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، گرفت.^۳
 عبارت فوق از کتاب اصلی جواهر الادب محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی، شاگرد و مرید سید باقر بن سید عثمان بخاری می باشد.

نوشته مصنف (سید باقر بن سید عثمان بخاری) را که در متن آمده، و محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی، کتاب اصلی جواهر الادب بدان اشاره کرده است، در ذیل می آوریم، تا تفاوت لفظی و معنوی، که بین نوشته های مصنف و کتاب موجود است، بر خوانندگان ظاهر گردد،
 "اللی به حرمت خرقه خلافت فقیر الحقیر، تراب اقدام طالبان، اضعف عباد اللہ، المعتمد به جل اللہ، فقیر سید باقر، جعل اللہ فی دارین مع الایمان الی یوم الدین، که از پدر خود سید عثمان بخاری تقدس اللہ ستره، گرفت.^۳

مصنف سید باقر بن سید عثمان بخاری، که خرقه خلافت را از پدر بزرگوار خود سید عثمان بخاری گرفته، و در آن آیات جانشین پدر خود و مرشد و راضی بزرگ دینی به شمار می رفت، در عبارت فوق اظهار کبر نفس کرده، و خود را "فقیر الحقیر، تراب اقدام طالبان و اضعف عباد اللہ" گفته است.
 و محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی که شاگرد و مرید سید باقر بن سید عثمان بخاری و کتاب جواهر الادب بوده، به مناسبت مرتبه روحانی مرشد بزرگوار خود او را به صفات:
 سید استادان، منبع البرکات، جامع العلوم و الکلمات، مجلسی حضرت (سرور کائنات) و خلاصه آل ظه و لیس "قرار داده است.

۱ و ۲ - در این ده جا چند کلمه از عبارت افتاده است.

۳ - رک حاشیه ۱ ص ۲۹۷ کتاب حاضر.

۴ - ص ۲۹۴ کتاب حاضر برای کلمات "سرور کائنات و خلاصه" رک شهادت داخلی شماره ۶ صفحہ ۲۷ مقدمه

مختصری از شرح حال محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی

کاتب اصلی کتاب جواهر الاولیا در ایچ بخاری

از شواهد داخلی معلوم می گردد که محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی در شهرتته در استان سند ولادت یافت. او در خانواده ای به دنیا آمد که اعضای آن در زمره صوفیان به شمار رفته، و با سادات بخاری ایچ بخاری ارادت می داشتند، و جد او ابوطالب مرید سید جلال بن سید داؤد بخاری (عموی سید باقر بن سید عثمان بخاری) بوده است، و پدرش شیخ عبدالواسع به لقب "صوفی" ملقب بوده است.

محمد علی در اوایل حال در شهرتته در استان سند بوده، و در راهنائی پدر خود شیخ عبدالواسع صوفی تربیت و پرورش یافته است.

او تحصیلات ابتدائی را در شهرتته به تکمیل رسانیده به خواہش پدر خود به ایچ بخاری رفت، و بر دست سید باقر بن سید عثمان بخاری بیعت نموده، در راهنائی مرشد بزرگوار خود تحصیلات خود را در ایچ بخاری ادامه داد.

او در زبان فارسی و عربی دست رسی پیدا کرد، و زیرا که در محیط صوفیان و عرفانی می زیست، طبع او به مطالعه آثار عرفانی مایل گردید، و به واسطه این که در منزل سید باقر بن سید عثمان بخاری کتابخانه بزرگی موجود، و هر نوع کتاب در آن محفوظ بوده، محمد علی کتب تصوف و عرفان را به عموم و کتب سادات بخاری را به خصوص مطالعه کرد، و در معلومات خود در مباحث تصوف و عرفان امانت نمود.

سید باقر بن سید عثمان بخاری توجه خاصی به تعلیم و تربیت محمد علی نمود، و بعد از آن که او فارغ التحصیل گردید، او را منشی خاص و معاون شخصی خود مقرر فرمود.

در ضمن خدماتی که محمد علی کاتب جواهر الاولیا به مرشد خود سید باقر بن سید عثمان بخاری نمود، می توان گفت که سید باقر بن عثمان بخاری صاحب علم و فضل بود، و علاوه بر اوقاتی که به راهنائی مریدان خود در

۱- تحفه اکرام تالیف میر علی شیر قانع توی (ترجمه اردو) مطبوعه کراچی، ۱۹۵۹ میلادی، ص ۳۷۵.

دین اسلام می کرد، وقت خود را، چنان کہ از تالیفات او ظاهر است، در کار تصنیف و تالیف کتب صرف می کرد، و محمد علی کہ منشی خاص و معاون شخصی او بود، در کار تصنیف و تالیف کتب بر او کمک می نمود، و بہ خصوص و نلیفہ کتابت تالیفات او را بہ انجام می رسانید، و شاهد بیان ما کتابت کتاب جواہر الاولیا می باشد و در موضوع تالیف کتاب جواہر الاولیا می توان گفت کہ در حقیقت شخصی کہ در طرح ریزی تالیف کتاب جواہر الاولیا بہ مرشد خود سید باقر بن سید عثمان بخاری پیش نهاد کرد، کہ کتاب جواہر الاولیا باید در سہ نسخہ کبیر و وسیط و صغیر تالیف یابد، محمد علی بودہ است، چنانکہ در حاشیہ ای کہ در ضمن ذکر نسخہ های اصل کتاب جواہر الاولیا در صفحات گذشتہ آمدہ است، می گوید:

"و ما وسیط و کبیر نوشتیم، و نوشتن صغیر نشد!"

و در ضمن آن اضافہ می نماید کہ

"و باعث بر وسیط و کبیر این صغیر فقیر بودہ"

و در ازای خدماتی کہ محمد علی بہ مرشد خود سید باقر بن سید عثمان بخاری کردہ است، مورد عنایت خاص مرشد خود گردیدہ است.^۳

هم چنان کہ سید باقر بخاری و پدر او سید عثمان بخاری در حالت خواب حضور در مجلس مبارک حضرت رسول اکرم، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مشرف می شدند، و ذکر آن در صفحات مابعد مقدمہ آورده ایم، محمد علی نیز در بیماری خود در حالت خواب بہ زیارت حضرت محمد مصطفی، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، مشرف شدہ بود، چنانکہ خود می گوید:

"این فقیر پُر تفسیر محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی، رحمۃ اللہ علیہ، یک بار بہ وساوس بسیار و غموم بی شمار مبتلا شدہ بود. شبی آن حضرت را، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، در خواب دیدم کہ دست حق پرست خود بر نبض این کمینہ نہادہ فرمودند:

نکتہ شذوہ بر اذن حق بر طرف خواہد شد.

و جهت دوا فرمودند:

۳۰۱- رک حاشیہ نسخہ خلی و برگ ۱۰۴ اب و نسخہ خلی ب برگ ۱۰۱ اب، نسخہ خلی ج حاشیہ مذکورہ ندارد.
۳۰۲- رک ابیات ص ۵۵۴ کتاب حاضر.

”همین دعا که از ابن عباس نوشته شده - با درود اول و آخر مع اخلاص دل می خوانده باش که حق تعالی شفا خواهد داد!“

از اشاراتی که در باره محمد علی در کتاب جواهر الاولیا آمده است، معلوم نشد که خود او صاحب تصنیف هم بوده است یا نه.

البته از ابیاتی که به نام او در جواهر الاولیا آمده است، ظاهر است که او شاعر نیز بوده، و شجره سادات بخاری را نظم کرده است، چنان که می گوید:

”بعده فقیر این شجره بخاریان پشت به پشت نظم کردم“

ابیات شجره سادات بخاری از لحاظ الفاظ و معانی و وزن خوب است، ولی جای تعجب است که بعضی از ابیاتی که او در خاتمه کتاب جواهر الاولیا گفته است، از لحاظ الفاظ و معانی سست و از وزن خارج است.

محمد علی ذکر سال ۱۰۹۸ هجری / (۱۶۸۷ میلادی) در جواهر الاولیا آورده، و ظاهر است که تا سال مزبوره بعد از آن تا ختم جواهر الاولیا زنده بوده است، تاریخ وفات او معلوم نیست.

میر علی شیر قانع تتوی مؤلف تحفه الکرام در باره مرتبه محمد علی در میان صوفیان معاصر او می گوید:

”او نیز یک صوفی با کمال بود، شجره سادات بخاری آنچه نظم کرده است“

نسخه های خطی جواهر الاولیا در جاهای دیگر

ما در سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ در جاهای مختلفه مسافرت کردیم، و در جستجوی نسخه های خطی

- ۱- رک حاشیه ص ۳۳۳ کتاب حاضر. ۲- رک ص ۵۵۳ و ۵۵۴ کتاب حاضر.
- ۳- رک ص ۵۵۳ و ۵۵۵ کتاب حاضر. ۴- رک ص ۳۳۳ کتاب حاضر. ۵- ترجمه فارسی عبارت اردو. رک تحفه الکرام تألیف میر علی شیر قانع تتوی و ترجمه اردو مطبوعه کراچی ۱۹۵۹ میلادی ص ۳۸۰.

تمام کوشش های خود را به عمل آوردیم، ولی بدون سه نسخه خطی که ذکر آنها گذشت، نسخه دیگری به دست ما نرسید.

در ضمن جستجوی نسخه خطی جواهر الاولیا ما سه بار در سال ۱۹۷۲ و دو بار سال ۱۹۷۳، به آپج بخاری رفیقیم، و گمان داشتیم که نسخه خطی اصلی جواهر الاولیا در کتابخانه شخصی اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری موجود است، ولی متأسفانه به مقصود خود نایل نگردیدیم.

و تا آن وقت نمی دانستیم که اسلاف خانواده سید باقر بن سید عثمان بخاری در نتیجه نزاعاتی که در میان اخلاف سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بزرگ مؤسس سلسله روحانی سادات بخاری در آپج بخاری به وقوع پیوسته از خانواده ای که اخلاف او جانشین و سرپرست خانقاه سید جلال بخاری شدند، و تا امروز به همان سمت مسا در آپج بخاری می باشند نژاد از خانواده های دیگر جدا شدند، و سلسله جداگانه ای را در آپج بخاری تأسیس نموده، از آن به بعد تنها وظیفه راهنمایی مردم را به دین اسلام به عهده خودی داشتند، و یا اوقات خود را در تصنیف و تالیف کتب می گذرانیدند.

و کتاب خانه سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او در منزل جانشین و سرپرست کنونی خانقاه سید جلال بخاری بزرگ نیست، بلکه به احتمال غالب در منزل جانشین کنونی اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در همان آپج بخاری موجود است. و به ما گفتند: "سید باقر بن سید عثمان بخاری اصل آپج بخاری نه بوده، و شاید در جای دیگر زیسته است."

و بدینحوزه ما حرف مزبور را قبول نموده بی نیل مرام و باتاسف تمام از آپج بخاری مراجعت نمودیم.

اگر معلوم می شد که اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری به عنوان سلسله جداگانه سادات بخاری در همین قریه آپج بخاری موجود اند، ما بطور قطعی خدمت سجاده نشین موجود می رسیدیم، و یقین داریم که: اول این که احوال تاریخی سلسله اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری را به دست می آوردیم، و دوم این که اطلاعاتی درباره نسخه خطی اصلی جواهر الاولیا، که احتمال می رود در کتابخانه شخصی آنان موجود باشد، نیز حاصل می شد، و

سوم این کہ شاید ما را در بارہ نسخہ خطی جواہر الاولیا در جای دیگر نشانی دادہ .

حیف است کہ بہ هیچ یک از مطلوب های فوق نہ رسیدیم .

نسخہ های خطی جواہر الاولیا بہ احتمال قوی در کتاب خانہ های شخص در اُستان سند یا در اُستان پنجاب موجود باشد، و یکی از آنها در دست میر علی شیر قانع تتوی موجود بودہ، و او در ضمن شرح حابل سادات بخاری نام جواہر الاولیا را در کتاب تحفۃ الکرام خود آورده است .



۱- تحفۃ الکرام تألیف میر علی شیر قانع تتوی (ترجمہ اردو)، مطبوعہ کراچی ۱۹۵۹ میلادی، ص ۳۶۶، ۳۷۵ و ۳۷۷.

بخش دوم

مؤلف جواهر الاولیا

۱- اسلاف مؤلف جواهر الاولیا در دورہ قبل از ورود بہ شبه قارہ پاکستان و ہند.

قبل ازین کہ بہ بیان شرح حال سید باقر بن سید عثمان بخاری بہ پردازیم. لازم می دانیم مختصری از احوال اسلاف او بیان نماییم:

پہن کہ در کتاب جواهر الاولیا آمدہ است، اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در دورہ قبل از ورود آنان در شبه قارہ پاکستان و ہند

مشتمل اند بر دو دستہ ذیل:

دستہ اول: از حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، تا امام سید حسن عسکری بن امام سید علی نقی.

دستہ دوم: از سید جعفر ثانی بن امام سید علی نقی تا سید علی ابوالمؤید، و

در دستہ اول نام های ذیل و دعا ہائی کہ از آنان منقول است، در جواهر الاولیا آمدہ است:

۱- حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم،

۲- حضرت امیر المؤمنین علی، اسد اللہ، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ،

- ۲۔ حضرت امام سید حسن، رضوان اللہ تعالیٰ علیہ،
- ۳۔ حضرت امام سید حسین، شہید دشت کربلا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۴۔ حضرت امام سید (علی) زین العابدین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۵۔ حضرت امام سید محمد باقر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۶۔ حضرت امام سید جعفر صادق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۷۔ حضرت امام سید موسیٰ کاظم، امین اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۸۔ حضرت امام سید ابو الحسن علی بن موسیٰ رضا، رضوان اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۹۔ حضرت امام سید محمد تقی، جواد اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۱۰۔ حضرت امام سید علی نقی، حادی، مجتہد اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۱۱۔ حضرت امام سید حسن عسکری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ۔

در دستہ دوم نام حای ذیل و دعا حای کہ از آنان منقول است، در جواهر الاولیا آمدہ

است :

- ۱۔ سید جعفر ثانی بن امام سید علی نقی، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۲۔ سید نظام الدین علی اصغر، عبید اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۳۔ سید عبداللہ، اسلام اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۴۔ سید احمد، مقبول اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۵۔ سید محمود، مختار اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۶۔ سید محمد، سیف اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۷۔ سید جعفر، مشتاق اللہ، قدس اللہ سرہ،
- ۸۔ سید علی ابوالمؤید، قدس اللہ سرہ۔

۱۔ ما تمام این نام حارا همان طور آوردیم کہ در جواهر الاولیا آمدہ است.

۲۔ ما این تمام این نام حارا همان طور آوردیم کہ در جواهر الاولیا آمدہ است.

۲- اسلاب مؤلف جواهر الاولیا در دوره بعد از ورود در شبه قاره پاکستان و هند،

در این دسته نام های ذیل و معانی که از آنان منقول است، در جواهر الاولیا آمده است :

و علاوه بر نام ها و معانی که از آنان منقول است، در باره بعضی از افراد این دسته اشارات مختصری از شرح حال آنان نیز در جواهر الاولیا آمده است :

۱- سید جلال بخاری (بزرگ)، اسد اللہ، قدس اللہ مرقدہ،

۲- سید احمد کبیر، موحد حقیقی، قدس اللہ سرہ،

۳- مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت، قدس اللہ سرہ،

۴- سید محمود ناصر الدین، قدس اللہ سرہ،

۵- سید فیض اللہ، محبوب سبحانی، سهم اللہ، قدس اللہ سرہ،

۶- سید اسمعیل، سخی اللہ، قدس اللہ سرہ العزیز،

۷- سید راجو، کشف المعانی، قدس اللہ سرہ،

۸- سید ابراهیم، قدس اللہ سرہ،

۹- سید قطب الدین، قطب عالم، قدس اللہ سرہ،

۱۰- سید فضل اللہ، قدس اللہ سرہ،

۱۱- سید نظام الدین بخاری، قدس اللہ سرہ،

۱۲- سید راجو، غوث صمدانی، کنز اللہ، قدس اللہ سرہ،

۱۳- سید حاجی حمید نظام الدین، بخاری، قدس اللہ سرہ،

۱۴- سید شکر اللہ بخاری، قدس اللہ سرہ،

۱۵- سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ، و

۱۶- سید عثمان بخاری، ولی اللہ، قدس اللہ سرہ،

(پدر سید باقر بخاری).

از شانزده نفر از اسلاب سید باقر بخاری اول کسی که از بخارا به شبه قاره پاکستان و هند

آمده، و سلسله روحانی سادات بخاری را در ایچ تائیس نموده، سید جلال بخاری بزرگ بوده است.

از اسلاف سید باقر بخاری کہ در ایچ بخاری زیست، و آیام زندگانی خود را در هدایت و راهنمایی مردم بہ دین اسلام گذرانیدہ، سہ نفر ذیل شہرت زیادہ اند و ختمند، و در بارہٴ این سہ نفر اشاراتی در بارہٴ وقایح زندگانی آنان در کتاب جواہر الاولیا آمدہ است:

- ۱- سید جلال بخاری بزرگ،
 - ۲- مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت، و
 - ۳- سید عثمان بخاری (پدر سید باقر بخاری)۔
- اکنون بہ شرح مختصری از زندگانی سہ نفر مزبورہ می پروا نازیم:

۱- سید جلال بخاری (بزرگ)

سید جلال بخاری بن سید علی ابو المؤید (در سال ۵۹۵ ہجری/ ۱۱۹۹ میلادی) در بخارا بہ دنیا آمد، وزیر نظر پدر بزرگوار در همان شہر تربیت و پرورش یافت۔

اسلاف سید جلال بخاری، چنان کہ در جواہر الاولیا آمدہ است، ہمہ صاحبان ارشاد و ہدایت بودہ، و آیام زندگانی خود را در راهنمایی مردم بہ دین اسلام گذرانیدہ بودند۔

سید جلال بخاری در همان محیط علم و فضل و زہد و تقدس بزرگ شد۔ طبع او مانند بزرگان خود بہ عبادت و ریاضت مایل بود، و او، بعد از آن کہ از تحصیلات متداولہ فارغ گردید، طبق مسلک روحانی اسلاف خود دست ارادت خود را بہ دست پدر بزرگوار خود سید علی ابو المؤید داد، و در مسلک مریدان پدر خود منسلک گردید۔

سید جلال بخاری مدتی از پدر خود را در شہر بخارا گذرانید، و چنان اتفاق افتاد کہ داعیہ مسافرت بہ شہر قارہٴ پاکستان و ہند در باطن او پدید آمد، و او رخت مسافرت بستہ از بخارا حرکت نمود۔ او در سال ۶۳۵ ہجری/ ۱۲۳۷ میلادی، کہ عمر او بہ چهل سالگی رسیدہ بود، بہ شہر قارہٴ پاکستان و ہند (و بہ اصطلاح

۱- خطہٴ پاک اویچ تالیف مسعود حسن شہاب، مطبوعہ لاہور، ۱۹۷۷ میلادی، ص ۲۰۳۔ ۲- مخدوم جہانیاں جہانگشت، تالیف محمد اویچ قاری، مطبوعہ

کراچی، ۱۹۶۳ میلادی، ص ۷۸ و "خطہٴ پاک اویچ" تالیف مسعود حسن شہاب، مطبوعہ لاہور، ۱۹۷۶ میلادی، ص ۲۰۳۔

کونوی بہ نواحی شمال غربی پاکستان، وارد گردید، و از راہ ملتان بہ قریہ بھکر رفت۔
اشارہ ای بہ اسباب و علل قطعی سید جلال بخاری در بارہ مسافرت او از بخارا بہ سرزمین شیبہ قارہ
پاکستان و ہند و رسیدن او بہ قریہ بھکر در جواہر الاولیا نیامدہ است، و مدت اقامت او در بھکر نیز معلوم
نیست۔

سید جلال بخاری چندی در بھکر ساکن بودہ، و در آن جا دختر سید بدر الدین را، کہ صاحب علم و فضل
و دیانت بود، بہ جلال نکاح خود در آورد۔
سید جلال بخاری شہرت بزرگی و روحانیت شیخ بہاء الدین زکریای سہروردی ملتانی راشنیدہ از بھکر بہ ملتان
رفت، و دست بیعت را بہ دست او داد، و خرقہ خلافت سلسلہ سہروردیہ را از وی یافت۔
سید جلال الدین بخاری مدت سی سال در خانقاہ شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی بسر برد، و چند
سال بعد از وفات مُرشد خود کہ در سال ۶۶۱ ہجری / ۱۲۶۳ میلادی اتفاق افتاد، بہ اجازہ شیخ صد الدین
عارف بن شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی بہ قریہ اُپچ رفت، و بقیہ عمر خود را در آن جا گذرانید۔
البتہ بیان سید باقر بن سید عثمان بخاری مؤلف جواہر الاولیا در بارہ مسافرت سید جلال بخاری از
بخارا با بیان فوق اختلاف دارد۔

سید باقر بخاری از پدر خود سید عثمان بخاری و سید عثمان بخاری بہ حوالہ کتاب بحر الانوار تألیف
سید جلال بن سید داؤد بخاری در جواہر الاولیا روایت می کند کہ
"سید جلال بخاری چون پادشاهی بلخ و بخارا را گذاشتہ برای زیارت شریفہ کعبۃ اللہ و برای زیارت
مدینہ منورہ برآمد، و در روضہ مبارک معظم و مکرم حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم، در آمد، و
گفت:

اسلام علیک یا جدی !
از روضہ پاک مبارک جواب بر آمد :
و علیک اسلام یا ولدی !

۱- مخدوم جہانپان جہانگشت ص ۸۰، و بزم صوفیہ تألیف سید صباح الدین عبدالرحمن، مطبوعہ اعظم گڑھ ۱۹۴۹ء میلادی، ص ۱۰۴۔
۲- مراد از "پادشاهی بلخ و بخارا" "پادشاهی روحانی" است۔

چنانچہ حمزہ یاران و مریدان و مجاوران شنیدند۔

بعدہ ہفت سال در مدینہ مبارک بود^۱۔

از بیان فوق سید باقر بن سید عثمان بخاری ظاہر می شود کہ سید جلال بخاری بعد از حرکت از بخارا بہ عربستان رفت، و بہ زیارت کعبہ شریفہ در مکہ معظمہ، و بہ زیارت روضہ مبارک حضرت رسول اکرم، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، در مدینہ منورہ مشرف گردید، و مدت ہفت سال در مدینہ منورہ بود۔

سید باقر بن سید عثمان بخاری بعد از بیان فوق در بارہ مسافرت سید جلال بخاری از بخارا، در ضمن شرح حال مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت اضافہ می نماید، و می گوید:

"اول بار کسی کہ از بخارا بہ ہندوستان آمدہ، جد ایشان است کہ او را سید جلال بخاری شرح می گفتند^۲۔"

از بیانات فوق سید باقر بن سید عثمان بخاری چنان استنباط می گردد کہ سید جلال بخاری بعد از حرکت از بخارا۔

اول بہ عربستان رفت، بہ زیارت کعبہ اللہ و روضہ حضرت رسول اکرم، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مشرف گردید و مدت ہفت سال در مدینہ منورہ بود۔

دوم این کہ او در مراجعت از عربستان بہ بخارا رفت، و

سوم این کہ او بار دیگر از بخارا حرکت نموده بہ شہر قارہ پاکستان و ہند آمد، و بہ قریہ بکتر رفت۔

مختصر این کہ سید جلال بخاری:

۱- از قریہ بکتر بہ ملتان رفت،

۲- در حلقہ مریدان شیخ بہاء الدین زکریای سہروردی ملتانی در آمد، و از مرشد خود خرقہ خلافت

در سلسلہ سہروردیہ یافت،

۳- مدت سی سال را در ملتان در خدمت مرشد بسر کرد،

۱- ص ۸ و کتاب حاضر۔ ۲- ص ۱۰ کتاب حاضر۔

۴۔ چند سال بعد از وفات مرشد، کہ در ۶۶۱ ہجری / ۱۲۶۳ میلادی اتفاق افتاد، از ملتان

به قرینہ اُچ آمد۔

سید باقر بن سید عثمان بخاری ذکر ارادت سید جلال بخاری و حصول خرقہ خلافت را در جواہر الاولیا بدین

طریق آورده است :

(سید جلال بخاری) چون از بخارا آمدند، مرید پدر خود سید علی ابوالمؤید بودند، اما نعمت خلافت از

شیخ بہاء الدین زکریای ملتانی یافتند۔^۱

سید باقر بن سید عثمان بخاری دربارہ مرتبہ سید جلال بخاری در علوم ظاہری و باطنی می گوید :

(سید جلال بخاری) از بزرگان و سادات صحیح النسب جلیل القدر و جامع علوم ظاہر و باطن

بوده اند۔^۲

سید باقر بن سید عثمان بخاری دربارہ اولاد سید جلال بخاری می گوید :

"ایشان را در اُچ سه فرزند بوده اند :

۱۔ سید احمد کبیر،

۲۔ سید بہاء الدین، و

۳۔ سید محمد غوث۔

و سید احمد کبیر را دو فرزند رشید قابل و سعادت مند بوده اند :

یکی قطب و غوث وقت، شیخ المشائخ، و مشرف اہل زمانہ، و در روزگار یگانہ، مفرد اندر

بیان و عیان حضرت مخدوم جہانیان (مخدوم سید جلال جہانگشت) و

دوم سید راجو قتال کہ ایشان نیز از اولیای کبار بوده اند۔

چنان کہ در سطور بالا گذشت سید جلال بخاری چند سال بعد از سال ۶۶۱ ہجری / ۱۲۶۳ میلادی

از ملتان به قرینہ اُچ رفت۔

او بقیہ عمر خود را در راهنمایی و ہدایت مردم در دین اسلام گذرانیہ، و بسیاری از کفار بہ مسلمان

۱۔ ص ۹ کتاب حاضر۔ ۲۔ ص ۱۰ کتاب حاضر۔ ۳۔ ص ۱۰ و ۱۱ کتاب حاضر۔

او اسلام آوردند، و قریہ اُحّ بہ مناسبت نام سید جلال بخاری بہ "اُحّ بخاری" موسوم و معروف گردید۔
سید جلال بخاری در سال ۴۹۰ ہجری / ۱۲۹۱ میلادی وفات یافت، آرام گاہ او در اُحّ بخاری زیارت گاہ خاص و عام است۔

۲- مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت

سید جلال الدین بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بزرگ معروف بہ مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت در سلسلہ سادات بخاری اُحّ بخاری شخصی بوده است کہ شہرت بزرگی او، چہ در علوم دینیہ و چہ در روحانیت، در دورہ حیات او در اطراف شبہ قارہ پاکستان و ہند رسید، و شاہ و گدای دورہ او در حلقہ مریدان او بوده اند۔

مخدوم سید جلال جہانیاں دو سال ۷۰۷ ہجری / ۱۳۰۷ میلادی در اُحّ بخاری ولادت یافت۔
از اشاراتی کہ دربارہ وقایع زندگانی مخدوم سید جلال جہانیاں در کتاب جواہر الاولیا آمدہ است معلوم می گردد، کہ دورہ زندگانی او منقسم بودہ است در سہ بخش ذیل:

بخش اول: تحصیلات علوم متداولہ دینیہ و طی منازل وادی تصوف و عرفان۔

بخش دوم: مسافرت بہ ممالک اسلامی، و

بخش سوم: حدیث و راہنمائی مردم در دین اسلام۔

اکنون بہ تفصیل وقایع بخش حامی فوق می پردازیم:

بخش اول:

مخدوم سید جلال جہانیاں در ایام کودکی زیر نظر پدر بزرگوار خود پرورش و تربیت یافت۔

او تحصیلات مقدماتی را در اُحّ بخاری بہ پایان رسانید و بعد ازاں بہ خواہش پدر بزرگوار خود بہ ملتان

رفت، و تحصیلات عالیہ را در محضر استادان علوم دینیہ و زیر نظر شیخ رکن الدین ابوالفتح بن شیخ

۱- مخدوم جہانیاں جہانگشت "تالیف محمد ایوب قادری ص ۸۱، و خطہ پاک اوج" تالیف مسعود حسن شہاب، ص ۲۱۲۔

۲- ص ۱۱ کتاب حاضر۔

صدر الدین عارف بن شیخ بہاء الدین زکریای ملتانى بہ تکمیل رسانید،
و بعد از آن کہ او فارغ التحصیل گردید، بہ ایچ بخاری مراجعت نمود.
خانوادہ سادات بخاری ایچ بخاری خانوادہ اسی بودہ است کہ اعضای آن مردم روحانی بودند، و
و وظیفہ آنان راهنمایی مردم در دین اسلام بود، و مخدوم سید جلال جہانیاں در این نوع محیط عرفانی بزرگ
شده بود.

چنانچہ در اوایل حال، او دست ارادت را در دست پدر بزرگوار خود سید احمد کبیر بن سید جلال
بخاری بزرگ داد، وزیر نظر او تربیت باطنی یافت.
بعدها او بہ ملتان رفت، و بر دست شیخ رکن الدین ابو الفتح بن شیخ صدر الدین عارف بن شیخ
بہاء الدین زکریای ملتانى بیعت نمود، و خرقہ خلافت در سلسلہ سہروردیہ ازو گرفت.

ناگفتہ نماند کہ سید احمد کبیر (پدر مخدوم سید جلال جہانیاں) مرید شیخ صدر الدین عارف بن شیخ
بہاء الدین زکریای ملتانى بود، و خرقہ خلافت در سلسلہ سہروردیہ ازو گرفته بود؛
سید باقر بن سید عثمان بخاری ذکر ارادت و خلافت مخدوم سید جلال جہانیاں را بدین طریق در
جواہر الاولیا می آورد:

"اگرچہ مخدوم جہانیاں را تربیت ظاہر و باطن پدر ایشان نموده اند، و مرید از پدر خود سلطان
سید احمد کبیر بودند، اما نعمت خلافت از شیخ رکن الدین بن شیخ صدر الدین بن شیخ بہاء الدین زکریای
ملتانى یافتند، و در ہر وادی از برکت ایشان بہ کمال رسیدند، و یگانہ روزگار گشتند"^۲
و در جای دیگر می گوید:

"و مخدوم جہانیاں مرید پدر خود سلطان سید احمد کبیر بود، اما نعمت خلافت از شاہ رکن عالم
(شیخ رکن الدین ابو الفتح بن شیخ صدر الدین عارف بن شیخ بہاء الدین زکریای ملتانى) یافت."^۳

۱- مخدوم جہانیاں جہانگشت "تالیف محمد ایوب قادری، مطبوعہ کراچی ۱۹۴۳ میلادی، ص ۱۸۲، و "خطہ پاک اوج" تالیف مسعود حسن
شہاب، مطبوعہ لاہور ۱۹۴۷ میلادی، ص ۲۲۳.
۲- ص ۱۱ و ۱۳ کتاب حاضر.

بخش دوم دورہ زندگانی او مشتمل بر وقایع مسافرت او بہ ممالک اسلامی می باشد.
متاسفانہ تفصیلاتی در بارہ مسافرت مخدوم سید جلال جانیان در ممالک اسلامیہ در جواہر الاولیا
نیامده است، و فقط در دو جا اشاراتی آمده است کہ مربوط است بہ موضوع فوق؛
سید باقر بن سید عثمان بخاری می گوید:

و مخدوم جانیان تمام عالم از مشرق تا بہ مغرب بہ اذن حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہ
وسلم، سیر کردی؛
و در جای دیگر می گوید:

"و مخدوم سید جلال جانیان، قدس اللہ سترہ، تمام عالم از مشرق تا بہ مغرب سیر کردی؛
الکون می پردازیم بہ ذکر مسافرت او بہ عربستان، و اقامت او در مکہ معظمہ و مدینہ منورہ؛
در موضوع مسافرت مخدوم سید جلال جانیان بہ مکہ معظمہ سید باقر بن سید عثمان بخاری می گوید:
و در مکہ معظمہ کہ رفتند، با امام عبداللہ یافعی ملاقات کردند، و میان این دو عزیز اتحاد و محبت
بہ مرتبہ رسید کہ بالاتر از ان نباشد؛"

مخدوم سید جلال جانیان ہفت مرتبہ بہ حج بیت اللہ مشرف گردیدہ است، چنان کہ در
جواہر الاولیا آمده:

۱- در رسالہ سید شرف الدین مشہدی آورده است کہ حضرت مخدوم سید جلال بخاری معروف
بہ مخدوم جانیان ہفت حج کردہ بود؛

۲- در کتاب انوار الاولیا مذکور است کہ حضرت شیخ شمس الدین و شیخ عبداللہ (المطری) جاور
مکہ (مکہ معظمہ) و مدینہ مبارک، قدس اللہ سترہما، نقل ہا نوشتہ است کہ حضرت مخدوم سید جلال جانیان
جہانگشت، قدس اللہ سترہ، ہفت حج کردہ بود،

و ہر بار کہ بہ زیارت مبارک مدینہ و روضہ مطہرہ مقدسہ حضرت تہجد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ
و آلہ وسلم، در آمدی، و گفتی کہ:

۱ و ۲ - ص ۴۱ و ۲۳۴ کتاب حاضر . ۳ - ص ۱۱ کتاب حاضر .

۴ - ص ۲۲۲ و ۲۹۰ کتاب حاضر .

اسلام علیک یا جدی !

از درونِ روضہ مبارک آواز بر آمدی :

و علیک اسلام یا ولدی !

چنانچہ ہمہ مجاوران و دیگر خلق زیارتی کشیدند !

از بیاناتِ مذکورہ ظاہر است کہ مخدوم سید جلال جہانیاں ہفت سال در مکہ معظمہ و مدینہ

منورہ (یعنی در عربستان) بودہ است .

مخدوم سید جلال جہانیاں در این ہفت سال کہ در مکہ معظمہ و در مدینہ منورہ اقامت داشتہ

بہ تکمیل تحصیلات عالیہ پرداختہ است ؛ او در مکہ معظمہ در محضر شیخ (امام) عبداللہ یافعی، شیخ مکہ مکرمہ

بودہ ، و اورا استاد خود گفته است ^۱ .

ہم چنان اور مدینہ منورہ در محضر شیخ عبداللہ المطری، شیخ مدینہ منورہ بودہ ، و اورا نیز استاد

خود گفته است ^۲ .

در خاتمہ اقامتِ ہفت سالہ خود مخدوم سید جلال جہانیاں اشارہ ای بہ حکم حضرت رسالت

پناہ ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، برای مسافرت بہ بیت المقدس می کند ، و می گوید :

"بعده حکم حضرت رسالت پناہ ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، بہ طرف بیت المقدس شد کہ در آن جا

یک لک و بیست و چار ہزار پیغمبران بودند ، سر ایشان حضرت مہتر ابراہیم، خلیل الرحمن،

علیہ السلام .

و در سیرنامہ مخدوم سید جلال جہانیاں جانگشت ، در مرتبہ سید فیض اللہ بخاری بن سید

محمود ناصر الدین بخاری، قدس اللہ سرہ نیز مذکور است ^۳ .

ولی در جواہر الاولیا ذکر مسافرتِ واقعی او بہ بیت المقدس طبق حکم حضرت رسالت پناہ ،

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، نیامدہ است .

۳۰۲- ص ۳۶۷ و ۳۶۸ کتاب حاضر .

۱- ص ۲۲۲ و ۲۹۰ کتاب حاضر

۲- ص ۲۲۳ کتاب حاضر .

و نیز در کتاب "مخدوم جهانیاں جہانگشت" ذکر نام شہر حالی کہ مخدوم سید جلال جهانیاں در دورہ مسافرت خود دیدہ، نام بیت المقدس نیامدہ است.^۱

در جواہر الاولیا در چند جا نام سیرنامہ مخدوم جهانیاں تالیف سید فیض اللہ بخاری بن سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جهانیاں جہانگشت آمدہ است، و معلوم می شود کہ کتاب مزبورہ در موقع تالیف جواہر الاولیا در دست سید باقر بن سید عثمان بخاری بودہ، و او بعضی از وقایع حیات مخدوم سید جلال جهانیاں جہانگشت و کرامات او را از ان کتاب در جواہر الاولیا آورده است.

اگر سیرنامہ مزبورہ بہ دست مامی رسید، حقائق بیشتری در بارہ مسافرت مخدوم سید جلال جهانیاں جہانگشت معلوم می شد.

در ضمن این باید بگویم کہ مؤلف "مخدوم جهانیاں جہانگشت" "سفرنامہ های" مخدوم سید جلال جهانیاں جہانگشت را دیدہ، و بنا بر شواہد داخل آن حا را بی اصل و جعلی قرار دادہ است؛ ولی مرتب چچ یک از سفرنامہ حا را نام نبرده.

و معلوم می شود کہ "سیرنامہ مخدوم جهانیاں" تالیف سید فیض اللہ بخاری، کہ در موقع تالیف جواہر الاولیا در دست سید باقر بن سید عثمان بخاری بودہ، غیر از "سفرنامہ های جعلی" مذکورہ می باشد.

مخدوم سید جلال جهانیاں بہ بناسبت مسافرت های طولانی در ممالک مختلفہ بہ لقب "جہانگشت" ملقب گردیدہ است.

در آخر بیان مسافرت های مخدوم سید جلال جهانیاں جہانگشت باید بگویم کہ در جواہر الاولیا در بعضی جا حا ذکر خوارق عادات و کراماتی آمدہ است کہ از مخدوم سید جلال جهانیاں جہانگشت در اثنای مسافرت بہ ظہور پیوستہ است، و ما در این مقدمہ بنا بر تطویل کلام از ذکر آن حا صرف نظر نمودیم.

۱- مخدوم جهانیاں جہانگشت" تالیف محمد ایوب قادری مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۱۰۹ تا ۱۲۶.

۲- ص ۱۱۴، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۳۲ کتاب حاضر.

۳- "مخدوم جهانیاں جہانگشت" تالیف محمد ایوب قادری، مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۱۱۴ تا ۱۱۷.

اکنون به بیان بخش سوم دوره زندگانی مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت می پردازیم.
بخش سوم دوره زندگانی مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت مشتمل است بر وقایع مراجعت
از عربستان، و اقامت او در اُتج بخاری و آغاز سلسله هدایت و راهنمایی مردم به دین اسلام و تصنیف
و تالیف کتب.

در جواہر الاولیا آمده است که مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت در مراجعت از مدینه منوره
قدیم مبارک حضرت رسول اکرم، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، و کچکول حضرت علی، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ، را به دہلی
آورده است.

سید باقر بن سید عثمان بخاری می گوید:

"مخدوم سید جلال جهانیان قدیم حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم،
و کچکول امیر علی، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ، را به اذن حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم،
از مدینه در شهر دہلی آورد، و مسجد جامع کلان و حجره مخدوم در دہلی بنا ساخت، به اذن حضرت
پیغمبر، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، و قدیم و کچکول تا این زمان ہم هست."

و سید باقر بن سید عثمان بخاری در جای دیگر نیز می گوید:

"و ایشان (یعنی مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت) قدیم مبارک حضرت رسول، صلی اللہ

علیہ و آلہ وسلم، را از مدینه به دہلی آوردند."

مخدوم سید جلال جهانیان جهانگشت شهرت بزرگی و روحانیت شیخ نصیر الدین محمود
چراغ دہلی (متوفی در ۷۵۷ هجری / ۱۳۵۶ میلادی) را شنیده بود، چنان چه به خواہش استفاده
از روحانیت او به بارگاہ او رفت، و دست ارادت را به دست او داد، خرقه خلافت "سلسله
چشتیہ" را از او گرفت.

چنان کہ در جواہر الاولیا آمده است:

"و از مکر به ہندوستان باز آمدند، و در دہلی با حضرت شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی ملاقات

نمودہ خرقہ مبرکہ سلسلہ چشت را از ایشان پوشیدند^۱

متأسفانه در باره مدت مسافرت مخدوم سید جلال جهانیاں جهانگشت هیچ اشارہ قطعی در جواہر الاولیا نیامده است، الا این کہ او در دورہ اقامت خود در مکہ معظمہ در محضر شیخ امام عبداللہ یافعی، شیخ مکہ مکرمہ (متوفی در ۷۴۸ ہجری / ۱۳۴۶ میلادی) و در مدینہ منورہ در محضر شیخ عبداللہ المطری، شیخ مدینہ منورہ (متوفی در ۷۴۵ ہجری / ۱۳۴۳ میلادی) تحصیلات عالیہ را تکمیل نمود، و او در دورہ حیات شیخ نصیرالدین محمود چراغ دہلی (متوفی در ۷۵۷ ہجری / ۱۳۵۶ میلادی) بہ بارگاہ شیخ آمدہ خرقہ خلافت ازو گرفت.

مؤلف "مخدوم جهانیاں جهانگشت" می گوید:

"مخدوم جهانیاں بعد از وفات مرشد خود شیخ رکن الدین ابو الفتح ملتانی، کہ در سال ۷۳۵ ہجری / ۱۳۳۵ میلادی اتفاق افتاد، بہ مسافرت رفت و قبل از ۷۵۱ ہجری / ۱۳۵۰ میلادی بہ شہر قارہ پاکستان و ہند مراجعت نمود^۲."

مخدوم سید جلال جهانیاں جهانگشت بعد از مراجعت از عربستان در ایچ بخاری اقامت گرفت، و اوقات زندگانی خود را:

۱- در عبادت و ریاضت،

۲- در راهنمایی مردم بہ دین اسلام، و

۳- در تصنیف و تالیف کتب

گذرانید.

سلطان فیروز شاہ تغلق (۷۵۲-۷۹۰ ہجری / ۱۳۵۱-۱۳۸۸ میلادی)، شاگرد و مرید او بود،

چنان کہ در جواہر الاولیا آمدہ است:

"و از حضرت سلطان فیروز شاہ تغلق، پادشاہ دہلی، کہ کتاب فتوحات فیروز شاہی ازوست،

۱- ص ۱۱ کتاب حاضر.

۲- مخدوم جهانیاں جهانگشت، تالیف محمد آلب قادری، مطبوعہ کرلی، ۱۹۳۳ میلادی، ص ۱۱۱.

و شاگرد و مرید مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت است، قدس اللہ سرہ، منقول است ۱۔
 و در جواہر الاولیا در جای دیگر آمده است :
 (ا) "و در زمانہ پادشاہ ابوالمظفر فیروز شاہ (تغلق) مرید و شاگرد قطب العالم مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت بود؛"

(ب) "و از حضرت سلطان فیروز شاہ (تغلق) پادشاہ دہلی، مرید مخدوم (سید جلال) جہانیان جہانگشت، قدس اللہ سرہ، منقول است ۲۔
مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت در زہد و تقویٰ و در روحانیت و پارسائی شہرت زیادی در اطراف شہ قارہ پاکستان و ہند یافت، و خلافت خود را بہ عنوان جانشین پدیر بزرگوار خود و سرپرست خانقاہ سید جلال بخاری در راہنمائی مریدان اسلام بہ انجام می رسانید، و زیادتی از خدمت اطراف بہ بارگاہ او رسیدہ دست ارادت خود را بہ دست او می دادند۔

سید باقر بن سید عثمان بخاری در بارہ عدہ مریدان او می گوید :
 "و تمام خلق شہر سہلی و خلق شہر ہای دیگر ہمہ مرید مخدوم جہانیان بودند ۳۔
 و در جواہر الاولیا در بارہ عدہ مریدان او در جای دیگر آمده است :
 "و در کتاب کنز الانوار، تصنیف سید یوسف بن سید احمد ماوراء النہر، قدس اللہ سرہ، لوحثہ است کہ از حضرت مخدوم جہانیان جہانگشت دوازده کور و چہارده لک و سیزده ہزار مریدان و شاگردان بودند کہ بہ نظر شفقت مخدوم جہانیان عالم و زاہد و عابد و قطب شدند، و دیگر مریدان و شاگردان نیز بسیار بودند کہ عالم و خدا شناس شدند، و راہ نمونی بہ دیگران کردند؛
 نام حای مریدان خاص مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت در جواہر الاولیا بدین طریق آمده است :

۱۹۱ ص ۶۱ و ۶۲ کتاب حاضر . ۳ - ص ۲۱۲ کتاب حاضر . ۴ - ص ۶۱ کتاب حاضر . این بیان سید باقر بن سید عثمان بخاری یعنی برہانغمی باشد، زیرا خود مخدوم جہانیان جہانگشت بہ دہلی رفتہ، و بر دست شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی بیعت نموده، و فرقہ خلافت ازہ یافتہ بود، (دک ص ۱۱ کتاب حاضر) . ۵ - ص ۶۲ کتاب حاضر .

- ۱۔ سلطان فیروز شاہ تغلق ،
- ۲۔ سید ابو عبد اللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی ،
- ۳۔ سید شرف الدین مشہدی ،
- ۴۔ سید یوسف بن سید احمد ماوراء النہر ،
- ۵۔ سید یوسف محمد ،
- ۶۔ شاہ قطب الدین نصیر جون پوری ،
- ۷۔ شیخ جمال درویش کوچی ،
- ۸۔ شیخ حماد بن شیخ رشید الدین جمالی ،
- ۹۔ شیخ حماد چشتی ،
- ۱۰۔ شیخ سلیم ساوار ،
- ۱۱۔ شیخ شمس الدین عمر زاوی دولت آبادی ،
- ۱۲۔ شیخ صفی الدین ،
- ۱۳۔ شیخ ضیا شہاب نصیر کمال ،
- ۱۴۔ شیخ فضل اللہ بن ضیا الدین العباسی ،
- ۱۵۔ شیخ محمود قطب ،
- ۱۶۔ قاضی یعقوب ،
- ۱۷۔ میر سید اشرف جہانگیر سمنانی ۔

اکنون بہ ذکر آخرین ایام زندگانی مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت و وفات او در اُپچ بخاری

می پردازیم :

مخدوم سید جلال جہانیان جہانگشت مرد روحانی و متدینی بودہ ، و از معروف ترین بزرگان سلسلہ سادات بخاری بہ شمار رفتہ است . او آخرین ایام زندگانی خود را در اُپچ بخاری بسر بردہ است . او در سال ۷۸۵ ہجری / ۱۳۸۳ میلادی بہ رحمت حق پیوستہ ، و در همان قریہ اُپچ بخاری مدفون گردیدہ است .

ذکر وفات او در جواهر الاولیا بدین طریق آمده است :

(ا) "و وفات وقت غروب آفتاب روز چارشنبه عید الاضحی سال هفصد و ہشتاد و پنج (ہجری) واقع شدہ . و مدت عمر شریف ہفتاد و ہشت سال و سہ ماہ و بیست و شش روز و قبر ایشان در اُچچہ نلتان است . نقل من کتاب سفینۃ الاولیا تصنیف سلطان محمد دارا شکوہ برادر اورنگ زیب پادشاہ"۔^۱

(ب) "و روز عید بعد از نماز عید اضحی سنہ خمس و ثمانین و سہمائیہ (۷۸۵ ہجری) در اُچچہ بخاریان از دار الفنا بہ دارالبقا رحلت فرمود ، قدس اللہ تعالیٰ و سترہ ، و روح رُوح اسلاف و اخلاف نزدیک روضہ جد خود سلطان سید جلال بخاری ، قدس اللہ سترہ آسودہ"۔^۲

(ج) "و در اُچچہ دہم ماہ ذی الحجہ بعد از نماز عید قربانی از دار الفنا بہ دارالبقا رحلت فرمودند ، سنہ ہفصد و ہشتاد و پنج از ہجرت حضرت رسالت پناہ ، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و آلہ وسلم"۔^۳

(د) کہ در اُچچہ بخاریان نزدیک روضہ جد بزرگوار خود آسودہ است"۔^۴

ناگفتہ نماند کہ آرام گاہ مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت در آیام حیات سید باقر بن سید عثمان بخاری (یعنی در نیمہ دوم قرن یازدہم ہجری / نیمہ دوم قرن ہفدہم میلادی) نزدیک آرام گاہ جد بزرگوار او (یعنی سید جلال بخاری) بودہ ، ولی در حال حاضر کہ نگارندہ مقدمہ در اُچچہ بخاری بہ چشم خود دیدہ است ، آرام گاہ سید جلال بخاری از آرام گاہ مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت دور است .

مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت صاحب علم و فضل بودہ ، و آثار مہتمی از خود باقی گذاشتہ است .

البتہ در جواهر الاولیا فقط ذکر چہار کتاب ذیل ازو آمدہ است :

۱- جامع العلوم (ملفوظات) مرتبہ بیابو عبداللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی القریشی الحسینی .

۲- خزائنہ الجلالیہ (ملفوظات) نام مرتب : سید احمد المدعو بہ بہا بن حسن بن محمود بن سلیمان تلمیسی^۵

۳- ص ۱۱ و ۱۲ کتاب حاضر . ص ۳ و ۴ - ص ۲۳۴ و ۳۱۴ کتاب حاضر . ۵- "مخدوم جہانیاں جہانگشت" تالیف محمد اویس قاسمی ، مطبوعہ کراچی ۱۹۴۳ میلادی ، ص ۲۳۹ .

۲۔ راحة العالی، (ملفوظات) مرتبہ ۹۔

۳۔ رسالہ کنز الاربعین۔

بقیہ تالیفات مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت را از کتاب "مخدوم جہانیاں جہانگشت"

می آوریم :

۱۔ سراج الہدایہ (ملفوظات) مرتبہ احمد برنی۔

۲۔ مقررنامہ (مکتوبات و ہدایات) مرتبہ ؟

۳۔ جواہر جلالی (ملفوظات) مرتبہ فضل اللہ بن ضیا العباسی۔

۴۔ منظر جلالی (ملفوظات) مرتبہ ؟

۵۔ مناقب مخدوم جہانیاں (ملفوظات) مرتبہ ؟

۶۔ ترجمہ فارسی رسالہ مکیہ تالیف شیخ قطب الدین دمشقی، و

۷۔ اربعین صوفیاً۔

۳۔ سید عثمان بخاری

(پدر سید ہاشم بخاری)

سید عثمان بن سید داؤد بخاری نیز از بزرگان معروف سادات بخاری بوده، و در زُحد و تقویٰ و روحانیت شہرت زیادہ اندوختہ است۔

در بارہ تربیت و پرورش و تحصیلات ظاہری و باطنی او اشارت واضحی در جواہر الاولیا نیامده است۔

ولی ظاہر است کہ او در خانوادہ روحانی متولد شدہ، و در محیط روحانی تربیت و پرورش یافتہ است۔

۱۔ "مخدوم جہانیاں جہانگشت" تالیف محمد ایوب قادری، مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۷ تا ۲۷ و اعلیٰ ان کتاب از سید عثمان صوفیہ ص ۱۰۰ رسالہ کنز الاربعین " است۔

از آثاری کہ ازو باقی مانده است ، ظاهر است کہ او تحصیلاتِ ظاہری را نیز بہ تکمیل رسانیدہ است .

بزرگان و اسلافِ سید عثمان بخاری ہمہ وظایفِ راہنمائی مردم را بہ دین اسلام بہ انجام می رسانیدند . پدر او سید داؤد بخاری بر دستِ پدرِ خود سید شکر اللہ بخاری بیعت کردہ ، و خرقہٴ خلافت ازو یافتہ است .

چنانچہ سید عثمان بخاری بعد از وفاتِ پدرِ خود جانشین او گردیدہ ، و چنان کہ در خانوادہٴ او مرسوم بودہ است ، وظایفِ بزرگانِ خود را بہ دست گرفتہ است .

سید باقر بخاری در بارہٴ خرقہٴ خلافت کہ سید عثمان بخاری از پدرِ خود گرفتہ بود ، می گوید :

"اللی بہ حرمتِ خرقہٴ خلافتِ حضرت سید اسادات ، مہبط النوار اللہ ، منظر اسرار اللہ ، خلیفہ رسول اللہ ، مجلسی حضرت محمد مصطفیٰ ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم ، صاحب العلم والحلم والشجاعت ، سید عثمان بخاری ، ولی اللہ ، قدس اللہ سرہ ، کہ از پدرِ خود سید داؤد بخاری ، جلیل اللہ ، قدس اللہ سرہ ، گرفتہ ؛ و سید باقر بخاری در جای دیگر در بارہٴ تحصیلاتِ ظاہری و باطنی پدرِ خود سید عثمان بخاری می گوید :

"و در اعتکاف از پدرِ خود ، کہ مہبط النوار اللہ ، منظر اسرار اللہ ، خلیفہ رسول اللہ ، مجلسی حضرت محمد مصطفیٰ ، صلی اللہ علیہ وسلم ، صاحب العلم والحلم والشجاعت ، سید عثمان بن سید داؤد بخاری ، جلیل اللہ ، قدس اللہ سرہ ، شنیدم کہ حضرت رسالت پناہ ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مرا علمِ ظاہری و باطنی و علمِ اولین و آخرین در اعتکاف آموخت ؛"

سید باقر بخاری در بارہٴ پدرِ خود نہایت احترام را قایل بودہ ، و اوصافِ ظاہری و باطنی او را بدین طریق در جوار الاولیا بیان کردہ است :

۱- "آشاد کامل و عامل ، سلطان المشائخ والاولیا ، قدوة الزہاد والأتقیاء کاشف الحقائق ، منظر الدقائق ، تجر الحق علی النحل ، قطب الاقطاب فی الارضین ، ملک المشائخ فی العالمین ، وارث علوم

الانبياء والمرسلين، ختم الواصلين والعارفين^۱۔

۲۔ "سید السادات، مہبط انوار اللہ، منظر اسرار اللہ، خلیفہ رسول اللہ، مجلسی حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، صاحب العلم والحلم والشجاعت^۲۔"
 ۳۔ "سید السادات، رفیع الدرجات، منبع البرکات، جامع العلوم والکمالات^۳۔"
 ۴۔ "سیادت، نقابت پناہ، شرافت و نجابت دست گاہ^۴۔"

سید عثمان بخاری بیشتری از اوقات خود را در عبادت و ریاضت می گذرانید. او در هر ماه رمضان به اعتکاف می نشست، و در حالت اعتکاف از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، در بارہ وظایف روحانی خود هدایت و راهنمایی می یافت، چنان کہ سید باقر بخاری در جواهر الاولیا می آورد:

۱۔ "و از پدر خود..... سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ، شنیدہ ام، و او در اعتکاف از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، شنید کہ ہر کہ مستجاب الدعاء باشد، و او بہ وقت تہجد "یا معطی السائلین" بسیار گوید دعای او مستجاب شود، و ہر چہ از خدای تعالی خواہد، یابد. انشاء اللہ تعالی^۵۔"

۲۔ و نقل است از سید راجہ شاگرد (سید علی اکبر) بن سید حامد (قتال) بخاری کہ استاد من سیادت و نقابت پناہ، شرافت پناہ، شرافت و نجابت دست گاہ، صاحب العلم والحلم والشجاعت. سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، گامی چہل روز و گامی دہ روز آخر ہر ماہ رمضان بہ اعتکاف نشستن عادت داشت، و در رمضان سنہ ۱۰۵۱ ہجری بنا بر ضعف بیماری اعتکاف از دست سید مذکور فوت شد.

عوض آن دہ روز اول ماہ ذوالحجہ سنہ ۱۰۵۱ (ہجری) بہ خواندن دعوت سنیف اللہ و بہ خواندن اسم مذکور در مقام (کنہ - گورستان) شہرتہ پیش قبر برادر خود سید یوسف بن سید داؤد بخاری کہ

۱۔ ۲۰۱۔ ص ۳۰۲ کتاب حاضر. ۲۔ ۳۰۳۔ ص ۱۰۵ و ۱۰۶ کتاب حاضر. ۳۔ ۳۰۴۔ ص ۱۰۵ و ۱۰۶ کتاب حاضر.

در مقام مخدوم آدم و محمود راضوی است، یہ اعتکاف نشست۔
 شب جمعہ کہ بہ تاریخ نهم ماہ مذکور بود، در واقعہ جانب سر قبر سید مذکور این مشاہدہ شد کہ
 حضرت شفیح المذنبین و خاتم النبیین، حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، جانب سر قبر سید
 یوسف بن سید داؤد بخاری استادہ۔

و در این حالت خواب حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، سید عثمان بخاری را
 برای دعا حدیث فرمود:

علاوہ بر این کہ سید عثمان بخاری در ہر ماہ رمضان بہ اعتکاف می نشست و عبادت می کرد،
 گاہ گاہی چلہ نیز می کشید، و ریاضت می کرد، چنان کہ سید باقر بخاری در جواہر الاولیا آورده:
 ۱- از پدر خود سید عثمان بن سید داؤد بخاری، جلیل اللہ، قدس اللہ
 سرہ، شنیدم کہ چون فقیر در آج در مسجد جدہ خود (مخدوم) سید جلال جہانپان (جہانگشت) کہ بہ طرف
 مدینہ سر مخدوم (سید جلال) جہانپان (جہانگشت)، قدس اللہ سرہ، چلہ کشیدم، و بہ دعوی عظمتہ ان اللہ
 و ملائکتہ تا آخر مشغول شدم۔

چون شب چار و عم ماہ رمضان (سال ؟) بود، در مجلس حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ
 وسلم، مشرف شدم، و با جملہ اولیای اللہ تعالی ملاقات شد:

۲- و در کتاب مجموع البخاری، تصنیف حضرت سید عثمان بن سید داؤد بخاری، قدس اللہ سرہ،
 منقول است، کہ چون فقیر در آج در مسجد جدہ خود قطب العالم شاہ سید فیض اللہ بن سلطان سید
 محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جہانپان (جہانگشت) چلہ نشستم، و در چلہ بہ صحبت حضرت رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، مشرف شدم:

ناگفتہ نماند کہ مشرف شدن سید عثمان بن سید داؤد بخاری در مجلس حضرت رسالت پناہ،
 صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، و ملاقات او با جملہ اولیای اللہ تعالی در حالت خواب بودہ است۔

۱- ص ۲۱۸ و ۲۱۹ کتاب حاضر، ۲- القرآن الیکم، ۳۳، ۵۹۔

۳ و ۳۳۔ ص ۲۷۳ و ۲۷۲، و ص ۵۱۷ کتاب حاضر۔

مختصر این که سید عثمان بن داؤد بخاری علم خود را در خدمت به دین اسلام گذرانیده، و در اُچ بخاری به رحمت حق پیوسته است، و جای بسیار تعجب است که سید باقر بخاری سال وفات پدر خود را در جواهر الاولیا نیاورده است، و فقط همین قدر متیقن است که سید عثمان بخاری در سال ۱۰۵۱ هجری / ۱۶۳۱ میلادی زنده بوده و بعد از آن وفات یافته است.

سید عثمان بخاری به تألیف کتب نیز علاقه داشته، و کتاب های ذیل از او باقی مانده

است :

۱- مونس البخاری کلان ،

۲- مونس البخاری خرد ،

۳- مجموع البخاری ، و

۴- بحر العجائب .

سید باقر بن سید عثمان بخاری

(مؤلف جواهر الاولیا)

سید باقر بن سید عثمان بخاری مؤلف کتاب جواهر الاولیا از علما و دانش مندان و صوفیان و مرشدان عصر خود بوده، و آثاری که او از خود به یادگار گذاشته است، بر علم و دانش او شاهد است.

البته جای بسیار تأسف است که تفصیل وقایح زندگانی او در کتاب جواهر الاولیا نیامده است، و ما در سال ۱۹۷۲ و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ در اُچ بخاری هر چه جستجو کردیم، در باره سید باقر بن سید عثمان بخاری اطلاعاتی بدست بیاریم، در مطلوب خود موفق نه شدیم.

۱- ص ۲۱۸ کتاب حاضر . ۲- نگارنده مقدمه در سال ۱۹۷۲ و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ در اُچ بخاری با وجود کوشش بسیار نتوانستم آرامگاه سید

عثمان بخاری را زیارت کنم، و زینها این که مراب آرامگاه او را بهمانی زکونند، بگفته که شخصی بدین نام در اُچ بخاری زنده بوده، و شاید در جای دیگر زیسته است.

و ستم بالای ستم این بوده است که ما نہ توانستیم با خانوادهٔ اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری تماس بگیریم، زیرا گفته :

سید باقر بن سید عثمان بخاری اهل اُپچ بخاری نہ بوده، و شاید در جای دیگر زیستہ است، و حال آن کہ خانوادهٔ اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در همان قریہ اُپچ بخاری موجود بوده، و در عصر حاضر نیز در همان قریہ موجود است، و ما تفصیل امور مزبورہ را در صفحات ما بعد در وقایع آوریم کہ مربوط بہ خانواده های سادت بخاری در اُپچ بخاری می باشد.

در کتاب جواہر الاولیا در بعضی جاها اشاراتی آمدہ است کہ مربوط است بہ وقایع زندگانی سید باقر بن سید عثمان بخاری، و ما تفصیل وقایع زندگانی او را کہ مبنی بر اشارات مذکورہ است، در ذیل می آوریم :

سید باقر بن سید عثمان بخاری در خانوادهٔ سادت و بزرگان بخاری تولد یافت، ولی در جواہر الاولیا در بارہ تاریخ ولادت او اشارہ ای نیست.

هم چنان کہ در خانواده های بزرگان و صوفیان مرسوم است، سید باقر بخاری زیر نظر پدر بزرگوار خود تربیت و پرورش یافت، و چنان کہ از آثار عالمانہ او ظاہر است، او تحصیلات علوم متداولہ را در محضر استادان فاضل عصر خود در اُپچ بخاری بہ تکمیل رسانید.

او از استادان خود علاوہ بر پدر بزرگوار خود نام سید شمس الدین مخدوم امام بخاری گجراتی را در جواہر الاولیا آورده است.

سید باقر بن سید عثمان بخاری بعد از تکمیل تحصیلات علوم ظاہری قدم در وادی تصوف و عرفان نهاد، و در راضیاتی پدر خود در عبادت و ریاضت مشغول گردید.

چنان چہ او دست ارادت خود را در دست پدر خود سید عثمان بخاری داد، و بعد از تکمیل علوم باطنی و روحانی خرقہ خلافت را از او گرفت، چنان کہ او خود می گوید :

"الہی بہ حرمت خرقہ خلافت فقیر الحقیر تراپ اقام طالبان، اضعت عباد اللہ، المعصم جبل اللہ"

فقیر سید باقر، جعل اللہ فی الدارین مع الایمان الی یوم الدین، کہ از پدر خود سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، گرفت؛^۱

در ضمن حصول خرقہ خلافت در حاشیہ برگ ۹ و ۱۴ نسخہ خطی دوم جواهر الاولیا (نسخہ خطی ب) عبارت ذیل از جانب محمد علی کاتب اصلی جواهر الاولیا در اُپچ بخاری آمده است:

”در متن نوشتہ مصنف (سید باقر بن سید عثمان بخاری) است، سلمہ اللہ تعالیٰ ابتعاہ و زید عمرہ، و در حاشیہ نوشتہ شاگرد است از شاگردان؛

اگر شاگرد وغیرہ برای مرمتی و کاری بخواند، و یاد رگور (مند) بخرقہ بنویسد، بدین روش بنویسد،

و بخواند:

”الہی بہ حرمت خرقہ خلافت حضرت سید استادات، منبع البرکات، جامع العلوم و الکلمات،

مجلسی حضرت ----- آل طہ و لیس، صل اللہ علیہ و آلہ وسلم، اجمعین، سید باقر -----

از پدر خود سید عثمان بخاری، رضی اللہ تعالیٰ عنہ، گرفت؛^۲

اکنون بہ شرح وقایع دیگر از زندگانی سید باقر بن سید عثمان بخاری می پردازیم:

۱- اعتکاف های سید باقر بن سید عثمان بخاری

در بارہ اعتکاف های سید باقر بن سید عثمان بخاری اشارت ذیل در جواهر الاولیا آمده است:

(۱) و نیز فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُپچ بخاریان در روحنہ مجتہ خود سلطان العارفین

سلطان سید جلال بخاری، قدس اللہ سرہ، بہ تاریخ بیست و پنجم شہر رمضان المبارک سنہ یک ہزار و ہفتاد

(۱۰۷۰) ہجری در اعتکاف بعد از نماز تہجد از حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنیدم کہ:

ای فرزند من! ہر کرامتی و مشکلی پیش آمده باشد.....“

۱- ص ۲۹۶ کتاب حاضر. ۲- ص ۲۹۷ کتاب حاضر. در این جملہ درودہ جاچندکہ افتادہ است. ۳- ص ۲۹۷ کتاب حاضر.

(ب) فقیر سید باقر بن مرحوم و معذور میران سید عثمان بخاری، قدس اللہ سرہ، گاہی چہل روز و گاہی وہ روز آخر در ہر ماہ رمضان بہ اعتکاف نشستن عادت داشتیم، و در ماہ رمضان سنہ ۱۰۹۲ ہجری بود پنا بر آن کہ خالوی فقیر ازین عالم رحیل شد، اعتکاف مذکور از دست من فوت شد. عوض آن در آخر ماہ ربیع الثانی سنہ ۱۰۹۳ ہجری بہ خواندن دعوت سیف اللہ در مسجد خود در محلہ تند سر نزدیک کارپوشان دف نواز بہ مین مسجد بہ اعتکاف نشستیم^۳

۲- چلہ های سید باقر بن سید عثمان بخاری

در بارہ چلہ های سید باقر بن سید عثمان بخاری اشارت ذیل در جواہر الاولیا آمدہ

است:

(۱) "در رسالہ باقر الانوار تصنیف حضرت سید علی اکبر بن سید حامد قتال (بخاری) قدس اللہ

سرہ، مذکور است:

(قول سید باقر بخاری)

کہ من در چلہ از حضرت رسالت پناہ، صل اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنیدہ بودم؛
 هر کہ روی سید باقر ببیند گویا کہ روی من دیدہ باشد، و هر کہ بہ گوید پدران او زیارت کند،
 جملہ کارهای دینی و دنیوی او حاصل شود^۴؛

(ب) چون فقیر سید باقر در اُچ از پدر خود فضیلت این آیت ۵ شنیدم، و بہ اذن پدر خود

- ۱- رمضان ۱۰۹۲ = سپتامبر ۱۶۸۱ میلادی ۲- آخر ماہ ربیع الثانی ۱۰۹۳ = آخر آوریل ۱۶۸۲ میلادی .
 ۳- ص ۲۳۹ کتاب حاضر، نگانہ مقدمہ در سال ۱۹۷۲ میلادی و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ میلادی در اُچ بخاری در جستجوی مسجد
 سید باقر بخاری در محلہ تند سر نزدیک کارپوشان دف نواز افادم ممتاز کسی بہ من نشان نداد.
 ۴- ص ۱۷۷ کتاب حاضر، ۵- القرآن الحکیم، ۱۸۶۰۲.

در آیت چہ نشستم، و بہ دعوتِ این آیت ان اللہ و ملائکتہ تا آخر (مشتول شدم)، چون شب بیست و هفتم رمضان (سال ۹) شد، در واقعہ سیر از مشرق تا بہ مغرب کردم، و بہ دیدار حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، مشرف شدم؛

۳- خطاب های حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

بہ سید باقر بن سید عثمان بخاری

در بارہ خطاب های حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، اشارت ذیل در جواهر الاولیا آمده است:

(ا) و از حضرت محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، شنیدیم: یا ولدی! من قرء الفاتحہ مع الاخلاص مرۃ لم یبق من ذنوبہ ذرہ. یعنی ای فرزند من سید باقر! هر کہ سورۃ الفاتحہ مع الاخلاص یک بار بگوید، هرگز ذرہ گناہ در وجود وی نماند.

(ب) "فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری در وقت بیماری و قحطی از حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، شنیدیم:

اگر قبر شما در شهری باشد، در آن شهر قحط سخت نیفتد، و هر کہ زیارت بہ گور شما کند، دوزخ بزرگی حرام شود، و گناہان او محو گردد.

۱- القرآن الیکم ۳۳-۵۶. ۲- ص ۷۷۲ کتاب حاضر. ۳- ص ۵ کتاب حاضر.

۴- ص ۱۲۴ و ۱۲۷ کتاب حاضر. نگارندہ مقدمہ در سال ۱۹۷۷ میلادی و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ میلادی در آیت بخاری بہ جستجوی آدام

سید باقر بن سید عثمان بخاری افتادم، نہ تنها این کہ مرابہ آدام گاہ او را ضامنی نہ کردند، بلکہ گفتہ کہ شخصی بہین نام در آیت بخاری نہ بودہ

و شاید دعای دیگر زیستہ است.

(ج) رجوع شود بہ اولیٰ در ذکر چہ های سید باقر بن سید عثمان بخاری۔

(د) و بعد وفات سید عثمان بخاری از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنبہ موافق آن این شعر فقیر گفتہ :

ہر کہ زیارت کند بہ گورِ شاہ عثمان امید بر این است کہ شود جملہ حاجات روان

ہر کہ بخواہد کہ مرا علم شود، برود سوی مقامی، زیارت شاہ عثمان بکند

این حمد گفتار شنیدم از رسول با یقین دل بدان تا شوی مقبول!

(۵) "و نیز نقل است از سادات بخاری (سید باقر بن سید عثمان بخاری) سلمہ اللہ تعالیٰ و البقاہ

و زید عمرہ، کہ در شب دوشنبہ ہشتم جمادی الثانی سنہ ۱۰۹۸ (ہجری) از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنیدم :

ہر کہ این دعا بہ اعتقاد درست بعد از نماز خفتن یازدہ بار بخواند، ہر مقصودی کہ در دل داشتہ باشد، حاصل شود. انشاء اللہ تعالیٰ!

(۶) "و نیز نقل است از سادات بخاری (سید باقر بن سید عثمان بخاری) سلمہ اللہ تعالیٰ و البقاہ

و زید فی عمرہ، کہ در سنہ مذکورہ (یعنی ۱۰۹۸ ہجری = ۱۶۸۷ میلادی) من شنیدم از مجلس حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم :

ہر کہ دعای مسطور بہ اعتقاد درست و بہ اخلاص دل بعد از نماز خفتن ہفت بار بخواند، حمد مراد است دینی و دنیوی او حاصل شود، و آن چہ نیت کند، نیز میسر گردد. انشاء اللہ تعالیٰ!

(من) "خاصیت اسم چل و یکم :

از فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری، ولی اللہ، قدس اللہ سرہ، کہ من شنیدم در شب آدینہ

بعد از نماز تہجد از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم :

ہر کہ اسم چل و یکم را در شب چہار شنبہ و (شب) پنج شنبہ و شرب آدینہ ہر شب بہ اعتقاد

۱- ص ۲۶ کتاب حاضر۔ این آیات از وزن خارج است۔ ۲- ۸- جمادی الثانی ۱۰۹۸ ہجری = ۱۱- آوریل ۱۶۸۷ میلادی۔

۳- ۳- ص ۳۳ کتاب حاضر۔

درست و به اخلاص دل هزار مرتبه بخواند، دل او پاک شود از نخل و غش، و همیشه با مجلس حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، باشد، و آن چه در دنیا و آخرت است، همه معلوم گردد. انشاء اللہ تعالیٰ (ح) و نیز فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری، از حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم شنیدیم:

یا ولدی! من قرأ اللہم انک تعلم ذنوبنا تا آخر بعد کل صلوة احد عشر مرآة، قضی اللہ تعالیٰ کل حاجتہ من الدنیا و الآخرة.

البته خطاب های حضرت رسالت پناه، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، با سید باقر بن سید عثمان بخاری در حالت خواب بوده است.

۴- مسافرت های سید باقر بن سید عثمان بخاری از اُپج بخاری به جا های دیگر

در باره مسافرت های سید باقر بن سید عثمان بخاری از اُپج بخاری به جا های دیگر اشارات ذیل در جواهر الادب آمده است:

(ا) روزی فقیر با شاگرد خود سید علی اکبر بن سید حامد (قال) بخاری در سیر عالم بودم، و در میان راه سید علی اکبر از رفتن راه باز ماند، و گفت: ای استاد من سید باقر بن سید عثمان بخاری! چیزی مرا بیاموزانید، تا تویت مرا بسپارد شو.

(ب) روزی فقیر در بیابان با سید علی اکبر بن سید حامد (قال) بخاری، قدمی اللہ ستره، همراه بودم فقیر را طلب نوسیدین شیر شد، سید علی اکبر تظهن بسیار کرد، شیر نیافت؟

۱- ص ۷۰ کتاب حاضر،

۲- ص ۵۰ کتاب حاضر،

۳- ص ۲۷۷ کتاب حاضر، ص ۱۳۸ و ۱۳۹ کتاب حاضر

(ج) چون فقیر سید باقر در اُپچ از پدر خود فضیلتِ این آیت شنیدم، و بہ اذن پدر خود در اُپچ بہ چہ نشستیم، و بہ دعوتِ این آیت ان اللہ و ملائکتہ تا آخرت (مشغول) شدم؛ چون شب بیست و ہفتم ماہ رمضان (سال ۶) شد، در واقعہ (یعنی در حالت خواب) سیر از مشرق تا بہ مغرب کردم۔

(د) چنان چہ فقیر (سید باقر بن سید عثمان بخاری) را در سیر عالم جایی بیماری سخت رسیدہ بود، و در میان آن بیماری بسیار دارو ہا کردم، هیچ سودی نشد۔ پس فقیر این مناجات چند روز خواند، شفا یافت۔

(ه) از ابیات منقولہ ای کہ در جواہر الاولیا آمدہ است، معلوم می شود کہ سید باقر بن سید سید عثمان بخاری در اثنای مسافرت بہ شہر تبت در اُستانِ سند رفتہ، و در مراجعت آرزوی دیدار مولدِ خود (یعنی اُپچ بخاری) و مزاراتِ اسلاف و بزرگانِ خود را در دل می پرورد، وی گوید:

بہ شوقِ شاہِ شاہان فتادم در سفر راہان
 بجا خواہم از بلاہان، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!
 منم اولادِ جلالیم، پیر شاہِ عثمان بخاریم،
 باقرِ مشتاقِ درگاہِ تو ام، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!
 باقری دُور از تبت آمد بہ شوقِ اُپچ اجدادِ خود،
 جملہ کنی تو مقصد، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!
 منم مسکین گنہ گارم، تمامی عمر بی کارم،
 دری عصیان گرفتارم، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!
 بنما، ببینم شہرِ اُپچی، بہ درگاہت کنم وادی،
 کنم جان از غم آزادی، مدد یا شاہِ مخدومِ جہانی!

وز آن جا تبرک خاک گیرم، در دروازه جد چشم بوسم،
قبول کریم، یارب! حاجتم، مدد یا شاه مخدوم جهانی!

۵- شاگردان و مریدان خاص سید باقر بن سید عثمان بخاری

نام دو نفر ذیل کہ از شاگردان و مریدان خاص سید باقر بن سید عثمان بخاری بودند، در جواہر الاولیا
آمدہ است:

۱- سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری کہ در مسافرت حائز ہمراہ سید باقر بن سید عثمان بخاری
بودہ است.

۲- محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی کہ کاتب اصل نسخہ خطی جواہر الاولیا در اُچ بخاری
بودہ است.

۶- تالیفات سید باقر بن سید عثمان بخاری

سید باقر بن سید عثمان بخاری صاحب علم و دانش بودہ و کتاب حائز را تالیف نمودہ است کہ نام حائز
آن ما در جواہر الاولیا آمدہ است:

۱- خمس الانوار،

۲- اکبر جلالی،

۳- باقر المرادات، و

۴- جواہر الاولیا.

۱- ص ۵۵۲ کتاب حاضر۔ تمام ابیات این منظوم از وزن خارج است

میر علی شیر قانع تنوی مؤلف "تحفۃ الکریم" و مسعود حسن شہاب مؤلف "خطہ پاک اوچ" کتاب باقر

الانوار یا اشتباہاً تالیف سید باقر بن سید عثمان بخاری وار دادہ اند،
ولی کتاب مزبورہ طبق شہادت جواہر الاولیا تالیف سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری می باشد۔^۳

۷۔ اشعار سید باقر بن سید عثمان بخاری

سید باقر بن سید عثمان بخاری در دورہ تالیف کتاب جواہر الاولیا کوشش زیادہ کردہ است کہ شعر بگوید، و در چند جا در جواہر الاولیا اشعار خود را آورده است۔
زیرا کہ او قریحہ سخن سرانی نہ داشتہ، کوشش او در شعر گفتن بہ جای نہ رسیدہ است۔ گوی
اشعاری را کہ در جواہر الاولیا آورده است، بہ زور گفتہ، و بیشتری از اشعار او از وزن خارج است۔
ایک چند بیت از وہ بہ عنوان نمونہ می آوریم:

- ۱۔ ہر کہ بیند بہ روی شاہ باقر
ہر کہ زیارت کند بہ گور شاہ عثمان
این ہمہ گفتار شنیدم از رسول
بالیقین دل بدان، تا شوی مقبول^۴
- ۲۔ یقین برین است کہ دیدہ پیغمبر
امید بر این است کہ شود جملہ حاجات روان
بہ حرمت چہارده معصوم آن کار جملہ حاصل کنی
گفت شاہ باقر محمد پسر شاہ عثمان بخاری
ہر کہ خواند بعد از ہر نمازی این بیت ہا
سالم بماند در دازین از جملہ بلا ہا^۵

۱۔ "تحفۃ الکریم" (ترجمہ اردو) مطبوعہ کراچی ۱۹۵۹ میلادی، ص ۳۷۴۔

۲۔ "خطہ پاک اوچ"، مطبوعہ لاہور ۱۹۶۷ میلادی، ص ۲۳۶۔

۳۔ ص ۱۲۷ کتاب حاضر۔ ۴۔ ص ۱۲۷ کتاب حاضر۔ ۵۔ ص ۵۴۱ کتاب حاضر۔

کتاب جواهر الاولیا، چنان که از خاتمه کتاب به قلم محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی ظاهر است در دوره حیات سید باقر بن سید عثمان بخاری به خاتمه رسیده است، و سال ۱۰۹۸ هجری/ ۱۷۸۷ میلادی آخرین سال است که در این کتاب آمده است.

خانواده‌های ساواست بخاری در اُچ بخاری

از وقایع مختصر تاریخی در بارهٔ اخلاف سید جلال بخاری در اُچ بخاری و قضایایی که در موضوع به دست آوردن منصب جانشینی (و به اصطلاح پاکستان سجادہ نشینی) و سرپرستی خانقاه سید جلال بخاری به وقوع پیوسته است، ظاهری گردد که بعد از وفات سید جلال بخاری در اخلاف او نزاعاتی به وجود آمده است که در نتیجهٔ آن اخلاف او به خانواده‌های مختلفه منقسم گردیده، و منصب جانشینی و سرپرستی خانقاه سید جلال بخاری از یک خانواده به خانواده دیگر انتقال یافته است.

چنان چه خانوادهٔ اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری بعد از سید محمود ناصرالدین بن مخدوم سید جلال جهانیان جهانشت بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری از خانواده ای که منصب جانشینی و سرپرستی خانقاه سید جلال بخاری را حائز بوده، جدا شده و اعضای آن سلسله جداگانه ای را تأسیس نمودند، و از نزاعات خانوادگی برای حصول منصب جانشینی و سرپرستی خانقاه سید جلال بخاری کناره گرفته تنها وظایف رضائیه مردم را به دین اسلام به عهده خود داشته اند.

و اعضای خانوادهٔ اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری که صاحبان علم و دانش بودند، به کار تصنیف و تألیف کتب پرداخته آثار گران بهای از خود به یادگار گذاشته اند.
اکنون به تفصیل این اجمال می پردازیم:

سید جلال بخاری در اُچ بخاری، چنان که در صفحات گذشته شرح دادیم، سرپرست خانقاه سید جلال بخاری بود.

۱۔ سید احمد کبیر،

۲۔ سید بہاء الدین، و

۳۔ سید محمد غوث۔

بعد از وفات سید جلال بخاری منصب جانشینی در اوایل حال بہ عہدہ پسر او سید احمد کبیر و بعد ازو بہ عہدہ مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت بن سید احمد کبیر و بعد از وفات او در ۷۸۵/۵ ۱۳۸۳ م بہ عہدہ سید راجو قتال بخاری برادر مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت بودہ است۔

بعد از وفات سید راجو قتال بخاری در ۸۲۷/۵ ۱۳۲۴ م منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری بہ عہدہ سید فضل الدین بن سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جہانیاں جہانگشت بودہ است۔^۱

ازان بہ بعد نزاعاتی در اخلاف سید جلال بخاری بہ وجود آمد، و در نتیجہ آن منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری بہ دست اخلاف سید بہاء الدین دومین پسر سید جلال بخاری رسید، و تا آخر قرن نهم ہجری/آخرین پانزدہم میلادی اخلاف سید بہاء الدین منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری بہ عہدہ خود داشتہ اند، و آخرین جانشین و سرپرست خانقاہ سید جلال بخاری ازین خانوادہ سید رحمت اللہ شاہ چاند نہ چراغ بودہ است۔^۲

بار دیگر آتش نزاع بین خانوادہ های اخلاف سید جلال بخاری بلند گردید، و مخدوم حسن جہانیاں کہ از اخلاف سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بود، با گروہی از مریدان خود بر سید رحمت اللہ چاند نہ چراغ حملہ کرد، و منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری را بہ زور شمشیر ازو گرفت، و سید رحمت اللہ شاہ چاند نہ چراغ مغلوب شدہ اُبّخ بخاری را ترک گفت۔^۳

۱۔ "مخدوم جہانیاں جہانگشت" تالیف محمد اتوب قادری، مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۲۶۷، و "خطہ پاک اوچ"۔

تالیف مسعود حسن شہاب مطبوعہ لاہور ۱۹۶۷ میلادی ص ۲۳۹۔

۲۔ "مخدوم جہانیاں جہانگشت" ص ۲۶۸، و "خطہ پاک اوچ" ص ۲۰۸۔ ۳۔ "مخدوم جہانیاں جہانگشت" تالیف محمد اتوب قادری مطبوعہ

کراچی ۱۹۶۳ میلادی ص ۲۶۸، و "خطہ پاک اوچ" ص ۲۰۸۔

از آن به بعد منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری به عمدہ اخلاف مخدوم حسن جانیان بوده است، و جانشین کنونی و سرپرست خانقاہ سید جلال بخاری در اُچ بخاری سید غلام اصغر بن سید نوبهار شاه سادس از همان خانواده می باشند^۱۔

خانوادہ سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُچ بخاری

چنان کہ در صفحات گذشتہ آورده ایم کہ بعد از وفات سید راجو قتال بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری برای بہ دست آوردن منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری نزاعاتی بین خانوادہ صای اخلاف سید جلال بخاری بہ وقوع پیوست، و در نتیجہ آن منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری از یک خانوادہ بہ خانوادہ دیگر انتقال یافت۔

ولی خانوادہ اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری، کہ اعضای آن از اخلاف سید فیض اللہ بن سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جانیان جہانگشت بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بودند، از خانوادہ حائی کہ اعضای آن حا برای بہ دست آوردن منصب جانشینی و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری در جنگ و جدال بودند، جدا شدہ، سلسلہ جداگانہ سادات بخاری را تاسیس نمودند، و دور از نزاعات خانوادگی در گوشہ امنیت و سلامتی تنها وظایف راهنمایی و ہدایت مردم را بہ عمدہ خود داشتند، و از آنان کسانی کہ صاحبان علم و دانش بودند، بکار تصنیف و تالیف کتب پرداختند۔

اخلاف خانوادہ سید باقر بن سید عثمان بخاری تا عصر حاضر در اُچ بخاری اقامت دارند و ب لقب "دیوان" ملقب، و بہ همین لقب در اُچ بخاری و در اطراف معروف اند۔^۲

جانشین (و بہ اصطلاح پاکستان سجادہ نشین)، کنونی خانوادہ سید باقر بن سید عثمان بخاری در

۱- مخدوم جانیان جہانگشت "تالیف محمد ایوب قادری مطبوعہ کراچی ۱۹۶۳ میلادی، ص ۲۶۸ تا ۲۷۰۔

۲- "خطہ پاک اُچ" تالیف مسعود حسن شہاب، مطبوعہ لاہور، ۱۹۶۷ میلادی، ص ۲۳۶۔

اُچ بخاری، نیز موسوم بہ سید محمد باقر بخاری و معروف بہ دیوان سید محمد باقر بخاری می باشد۔
 دیوان سید محمد باقر بخاری کہ منزلِ اصلی ایشان در اُچ بخاری می باشد، در این ایام در یکی از وہ حای بخش ملتان اقامت دارند۔
 و چنان کہ در آغاز شرح حال سید باقر بن سید عثمان بخاری در صفحات گذشتہ آؤدیم کہ نگارندہ مقدمہ در سال ۱۹۷۲ و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ میلادی در اُچ بخاری ہرچہ دربارہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و خانوادہٴ اخلاف او جستجو کردم، و آرزوی دیدن مسجد سید باقر بن سید عثمان بخاری و مزارات آنان در دل داشتہم، متاسفانہ باوجود کوشش بسیار بہ مقصود خود نہ رسیدم، بلکہ گفتند:
 ”سید باقر بن سید عثمان بخاری اصل اُچ بخاری نہ بودہ اند، و شاید در جای دیگر زیستہ اند۔“
 ط بسوخت عقل ز حیرت کہ این چہ بوالعجبیت؟

شجرہ حای نسب و خلافت سید باقر بخاری

ہم چنان کہ در آغاز بخش دوم مقدمہ بیان کردیم کہ اسلاف سید باقر بخاری بر سہ دستہ مشتمل اند، شجرہ حای خلافت نیز در سہ قسمت ذیل منقسم می گردد:
قسمت اول : از امیر المؤمنین حضرت علی، اسد اللہ، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ، تا امام سید علی نقی، صادی، حجۃ اللہ، قدس اللہ سرہ،
قسمت دوم : از سید جعفر ثانی بن امام سید علی نقی، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ، تا سید علی ابوالموئید، قدس اللہ سرہ، و
قسمت سوم : از سید جلال بخاری، اسد اللہ، قدس اللہ سرہ تا سید باقر بخاری۔
 شجرہ حای خلافت فوق مطابق بہ ترتیبی آؤدیم کہ در جواہر الاولیا آمدہ است،

قسمت اول

شجرہ امامت از امیر المؤمنین حضرت علیؑ اسد اللہ، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ
 تا امام سید علی نقیؑ، ہادی، مجتہ اللہ، قدس اللہ سرہ۔
 حضرت امیر المؤمنین علیؑ، اسد اللہ، کرم اللہ تعالیٰ وجہہ،
 حضرت امام سید حسن، رضوان اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید حسین، شہید و شہت کربلا، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید (علی) زین العابدین، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید محمد باقر، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید جعفر صادق، رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید موسیٰ کاظم، امین اللہ، قدس اللہ سرہ،
 حضرت امام سید ابوالحسن علی بن موسیٰ رضا، رضوان اللہ تعالیٰ عنہ،
 حضرت امام سید محمد تقی، جواد اللہ، قدس اللہ سرہ،
 حضرت امام سید علی نقی، ہادی، مجتہ اللہ، قدس اللہ سرہ،

قسمت دوم: شجرہ نسب و خلافت

از سید جعفر ثانی (بن ابام سید علی نقی)، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ۔
 تا سید علی ابوالموئید، قدس اللہ سرہ۔
 سید جعفر ثانی (بن امام سید علی نقی)، جلیل اللہ، قدس اللہ سرہ،
 سید نظام الدین علی اصغر، عبید اللہ، قدس اللہ سرہ،
 سید عبد اللہ، اسلام اللہ، قدس اللہ سرہ،
 سید احمد، مقبول اللہ، قدس اللہ سرہ،
 سید محمود، مختار اللہ، قدس اللہ سرہ،

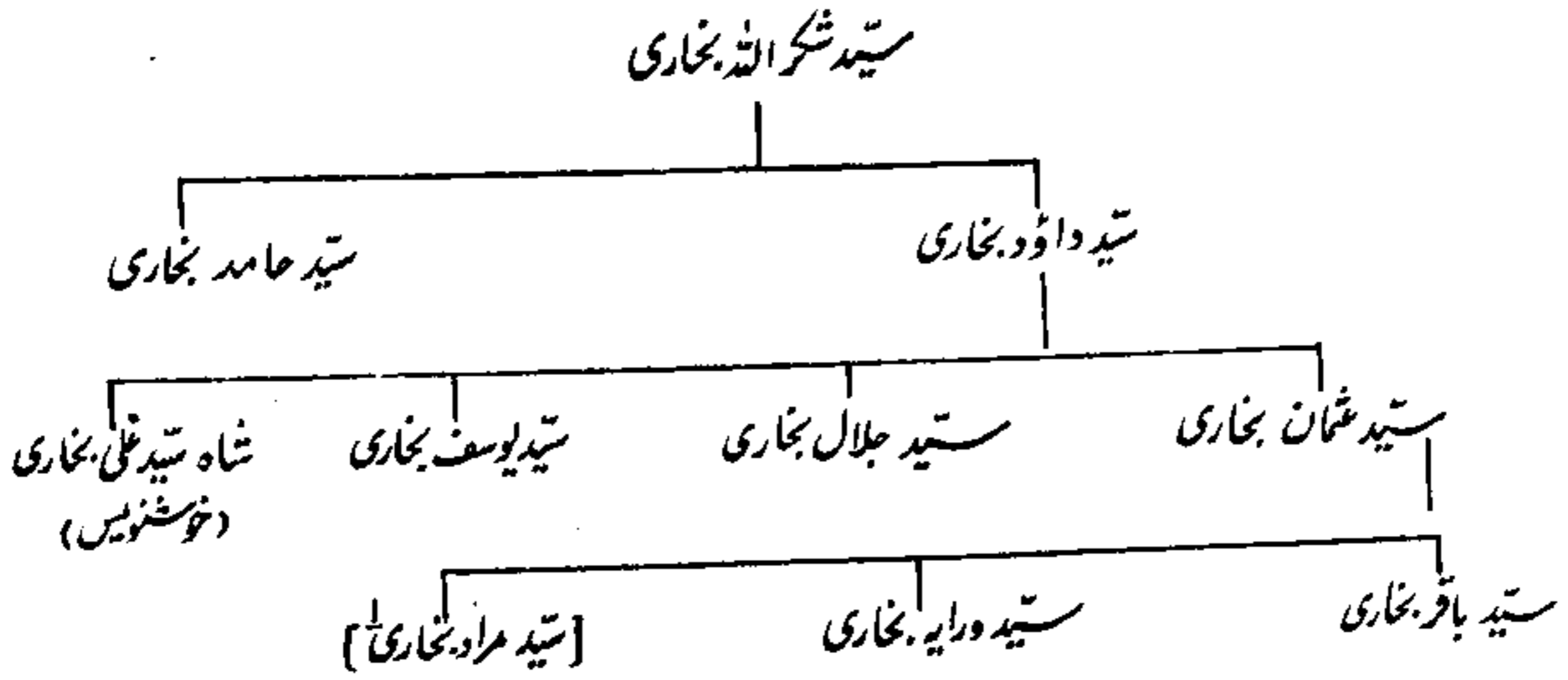
سید محمد ، سیف اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید جعفر ، مشتاق اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید علی ابو المؤید ، قدس اللہ سرہ .

قسمت سوم : شجرہ (نسب و) خلافت

از سید جلال بخاری ، اسد اللہ ، قدس اللہ مرقدہ تا سید باقر بخاری .

سید جلال بخاری ، اسد اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید احمد کبیرا ، موحد حقانی ، قدس اللہ سرہ ،
 منیر سید جلال جہانیاں جہانگشت ، قدس اللہ سرہ ،
 سید محمود ناصر الدین ، قدس اللہ سرہ ،
 سید فیض اللہ ، محبوب سبحانی ، سم اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید اسماعیل ، سخی اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید راجو (کشف المعانی) ، قدس اللہ سرہ ،
 سید ابراہیم ، قدس اللہ سرہ ،
 سید قطب الدین ، قطب عالم ، قدس اللہ سرہ ،
 سید فضل اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید نظام الدین ، قدس اللہ سرہ ،
 سید راجو (غوث صہبانی) ، قدس اللہ سرہ ،
 سید حاجی حمید (نظام الدین) ، قدس اللہ سرہ ،
 سید شکر اللہ بخاری ، قدس اللہ سرہ ،
 سید داؤد بخاری ، جلیل اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید عثمان بخاری ، ولی اللہ ، قدس اللہ سرہ ،
 سید باقر بخاری .

شجرہ خاص خانوادہ سید باقر بخاری از سید
شکر اللہ بخاری



شجرہ های بزرگان سلسلہ های دیگر در

جواہر الاولیا

در جواہر الاولیا شجرہ های بزرگان سلسلہ های دیگر نیز آمده است :
۱- شجرہ مادہ پدیر سید باقر بخاری (یعنی شجرہ سلسلہ قادریہ در آج گیلانی)؛

۱- نام سید مراد بخاری در جواہر الاولیا نیامده . ولی نام او را میر علی شیر قانع تتوی در تحفہ انکرام آورده است درک تحفہ انکرام (ترجمہ دوم) مطبوعہ کراچی ۱۹۵۹ میلادی، ص ۳۷۵ . ۲- ص ۳۶ ، ۳۷ کتاب حاضر .

در آخر بخش دوم مقدمہ یک موضوع خاص را می آوریم که توجه خوانندگان کتاب جواهر الاولیا را جلب می کند، و آن مربوط است به حسن احتراماتی که سید باقر بن سید عثمان بخاری نسبت به بزرگان اسلاف خود قایل بوده است، و آن را در ضمن استعمال القاب مختلف و متنوع بانام های بزرگان خود اظهار نموده است:

اینک فهرست القابی که بانام های بزرگان اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در جواهر الاولیا آمده است (و ما این القاب را به ترتیب حروف تہجی آوریم):

امام الصادقین.	امام القصد یقین.	امام العادلین.	امام العارفین.
امام العاشقین.	امام المتقین.	امام المسلمین.	امام المظهر المعصومین.
امام الموحدین.	امام المتورعین.	امیر المؤمنین.	اهل السماء والارضین.
بابسط الیدین علی الفقرا.	_____	بحر الحقائق.	بحر المتبحرین.
پدر اتالکین.	پدر الکاظمین.	برهان الحق والذین.	برهان الدولہ.
تاج الزاہدین.	جلال الحق والشرع والذین.	_____	حاجی الحرمین الشریفین.
رفیع المکان.	رکن الحق والذین والذنبیا.	_____	رئیس اتالکین.
زبدۃ العارفین والزاہدین.	_____	سائر فی السماء والارضین.	_____
سراج العالمین.	سلطان الاشجعین.	سلطان الاولیا والمتقین.	_____
سلطان البر والبحر.	سلطان الراسخین.	سلطان الراسخین و العارفین.	_____
سلطان المتعبدین.	سلطان المتقین.	سلطان المقبولین.	_____
سلطان الملّت والہدی.	_____	سلطان الموحدین.	سلطان الواصلین.
سید السادات.	سید المشائخین.	شمس العارفین.	_____
صاحب العلام و الامرا و الفضلا.	_____	صورت خاتم النبیین.	_____

غوث الاسلام و المسلمین: _____ غوث العالمین _____ فخر السالکین .
 قدوة العارفين . _____ قدوة المتقدمين و المتأخرين _____ قدوة الواصلين .
 قطب العارفين _____ قطب العالمين . _____ کاشف اللوح و القلم . _____
 کشف الثقلین من السماء و الارضین . _____ کعبۃ الواصلین .
 کنز الدقائق _____ مبین الحلال و المحرام _____ محی الشریعة القرا .
 مخدوم المتعارفين . _____ مرتی الصادقین . _____ مطلوب الطالبین . _____
 منظر الجلال و الجمال . _____ مقبول القول . _____ ملجأ المحققین .
 نعمان الملت و الدین _____ نور قلوب العابدین و العارفين . _____
 نور قلوب العاشقین _____ نور هدايت الموحدين _____
 وارث الانبياء و المرسلین _____ هادی الموحدين _____

ما القابی را کہ سید باقر بخاری نا نام پدر خود سید عثمان بخاری آورده است، در ضمن شرح حال
 سید عثمان بخاری در صفحات گذشته آورده ایم، و القاب مزبورہ در فہرست القاب فوق نیست .



بخش سوم

کتاب جواهر الاولیا

کتاب جواهر الاولیا تالیف سید باقر بن سید عثمان بخاری منقسم است در مقدمه، جواهر ذیل، اضافہ کاتب اصل، وضمیمہ و اضافہ دیگر :

مقدمہ مختصر در موضوع تالیف کتاب ،

جواهر اول : در فضیلت تمام سوره های قرآن و آیات آن که از حضرت (رسول) صلی اللہ

علیہ وآلہ وسلم، و اولیای اللہ تعالیٰ منقول است،

جواهر دوم : در فضیلت نود و نہ نام باری تعالیٰ با منکلات ها که از بزرگان مندرج شدہ

است .

جواهر سوم : در فضیلت چهل اسم با منکلات، و در فضیلت نود و نہ نام حضرت رسول، صلی اللہ

علیہ وآلہ وسلم، و نام های آبا و اجداد (حضرت) محمد مصطفیٰ، صلی اللہ علیہ وآلہ

وسلم، تا (حضرت) آدم، علیہ الصلوٰۃ والسلام، و جلینہ (حضرت) پیغمبر، صلی اللہ

علیہ وآلہ وسلم، و مہر نبوت النبی، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، کہ از مشائخان

وارد شدہ است .

جواهر چهارم : در فضیلت درود بر سرور کائنات، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، و خرقہ خلافت

پیران بخاریان، علیہم الرحمۃ والرضوان، و قدم و نعل مبارک حضرت پیغمبر، صلی اللہ

علیہ وآلہ وسلم، کہ بزرگان راحمۃ اللہ علیہم، منقول عنہ شدہ است، و

جو اہر پنجم، و فضیلت مناجات و ادعیات، و چہل و یک، اسمای یونانی و عربی، و نماز کہ بر

صورت قبر حضرت پیغمبر، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، بگذارد، و ثواب خطبہ کہ روز

جمع بخواند، و خاصیت خطبہ نکاح حضرت آدم و بی بی حوا، علیہما السلام، و

ثواب نمازهای دیگر کہ از مشائخان حنوہ سند بہ تجربہ آورده اند.

اضافہ کاتب اصلی (محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی)،

ضمیمہ کتاب جواہر الاولیا، و

اضافہ دیگر بہ متن کتاب جواہر الاولیا.



موضوعات کتاب جواهر الاولیا

کتاب جواهر الاولیا از لحاظ موضوعات دارای دو جنبه ذیل می باشد:

یکی جنبه ظاهری، و

دیگری جنبه باطنی و معنوی

جنبه ظاهری کتاب جواهر الاولیا، چنان که از عنوانات جواهر آن معلوم می گردد، دعاها

و وردها می باشد،

و زیرا که دعاها و وردهایی که در این کتاب آمده است، مؤلف کتاب آن ها را بعنوان

"جواهر" آورده است.

و مقصود از "جواهر" در این کتاب در حقیقت "جواهر الفاظ" دعاها و وردها می باشد که از زبان

اولیا بیرون آمده است، و هم چنان که جواهر اصلی بسیار گران بها و بی مانند می باشد، "جواهر الفاظ"

دعاها و وردها نیز از لحاظ اهمیت تاثیر بسیار گران بها و بی نظیر است.

و عموم مردم، چه در ادوار گذشته و چه در دور حاضر، به مؤثر بودن دعاها و وردها در

مواقع بیماری ها و مصیبت ها و یا برای حصول حاجت های دنیوی و تکمیل خواهش های روحانی

یقین کامل دارند.

و در صم چنین مواقع به بارگاه های اولیا و بزرگان و صوفیان و مرشدان می روند، و

برای چاره های دردها و یا برای حصول حاجت های مختلف الانواع دعاها و وردها می گیرند، و بر آنها

عمل آورده، به مقصودهای خود می رسند.

گویا رسم های دعا و ورد گرفتن از قرن ها جاری بوده، و در عصر حاضر نیز ادامه دارد.

وزیرا که امور مزبوره متعلق به احوال و کیفیات اجتماعی است، و محتویات کتاب جواهر الاولیا

از لحاظ جنبه ظاهری مربوط به اجتماع می باشد، بدین مناسبت کتاب جواهر الاولیا را می توان کتاب "علم

الاجتماع" قرار داد.

جنبہ باطنی و معنوی کتاب جواہر الاولیا بہ مطالعہ خاص و بررسی دقیق مطالب آن معلوم می گردد. در این کتاب در ضمن دعاها و وردها نام صدھا اشخاص مختلف الاعمال و مختلف الافکار، و بہ خصوص نام صدھا مؤلفین ادوار گذشتہ بانام های تالیفات آنان در موضوعات مختلفہ و متنوعہ آمده است، کہ موجب تعجب خوانندگان کتاب جواہر الاولیا می باشد.

و بدین لحاظ کتاب جواہر الاولیا کہ علاوه بر دعاها و وردها یک نوع مخزن معلومات علمی و ادبی است، و آن را می توان "مختصر دائرۃ المعارف" گفت.

و قبل از این کہ ما بہ ذکر تفصیلات دو جنبہ فوق پیرائیم، دو موضوع ذیل را بیان می نمایم، یکی : منابع جواہر الاولیا کہ مؤلف کتاب نام های آن ها را در متن کتاب بہ صراحت

آورده است؛ و

دوم : دور نامی تاریخی دورہ تالیف جواہر الاولیا.

منابع جواہر الاولیا

کہ نام های آن ها در این کتاب بہ صراحت آمده است

در ضمن ذکر منابع جواہر الاولیا کہ نام های آن ها در این کتاب بہ صراحت آمده است، لازم است ذکر کتاب خانہ شخصی مؤلف کتاب سید باقر بن سید عثمان بخاری بیاریم، کہ بہ طور قطعی و بہ یقین کامل در منزل او بوده، و مؤلف کتاب در دورہ تالیف آن از کتاب های کتاب خانہ شخصی خود استفادہ نموده است.

و سید باقر بن سید عثمان بخاری موضوع مزبورہ را در مقدمہ مختصر کتاب جواہر الاولیا آورده است، چنان کہ می گوید:

"چون این ضعیف فائدہ چند از پدر خود، از کتاب های معتبرہ از اورادها و مشائخانی

بزرگ و بعضی در سنیر عالم و بعضی در چلہا از بزرگان و اولیای مرحوم

در مجلس حضرت رسول اللہ، صلی اللہ تعالیٰ علیہ و علیٰ آلہ و سلم، دیدہ و شنیدہ بوم، جمع کردم از برای عوام خلق^۱۔

و ناگفته نماند که کتاب خانہ شخصی سید باقر بن سید عثمان بخاری بدین لحاظ نیز دارای بسیار اہمیت بوده کہ در آن بعضی از کتاب های نادر و کیاب بخط خود مؤلف بوده، در آن کتاب خانہ موجود بوده است، و بیان ذیل از جانب سید باقر بن سید عثمان بخاری بر این معنی شاعری باشد:

فقیر (سید باقر بن سید عثمان بخاری) در حاشیہ عمل ایوم و اللیلہ، کہ بہ خط مصنف (ابوزریا یحییٰ بن شرف التتوی متوفی در ۶۷۶ ہجری / ۱۲۷۷ میلادی) بود، دیدہ است کہ حدیث مرفوع زبشتہ^۲

در ضمن بیان وقایح تاریخی خانوادہ سید باقر سید عثمان بخاری در صفحات گذشتہ گفتہ ایم کہ خانوادہ اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری در نتیجہ نزاعاتی کہ بعد از وفات سید راجو قتال بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری، در سال ۸۲۷ ہجری / ۱۴۲۴ میلادی در میان خانوادہ های مختلف اخلاف سید جلال بخاری در اُچ بخاری برای بہ دست آوردن منصب جانشینی (و بہ اصطلاح پاکستان سجادہ نشینی) و سرپرستی خانقاہ سید جلال بخاری بہ وقوع پیوستہ بود، از جنگ و جدال ها کنارہ گرفتہ بود، و اعضای خانوادہ مزبورہ سلسلہ جداگانہ سادات بخاری را تأسیس نمودہ، و بہ انجام وظایف راضائی و ہدایت مردم ما بہ دین اسلام مشغول شدند، و اوقات فرصت را بہ کار تصنیف و تالیف کتب می گذرانیدند، چنان کہ از آثار متعددی کہ در زبان فارسی از خود بہ یادگار گذاشتند، ظاہر است۔

و نیز ظاہر است کہ کار تصنیف و تالیف کتب بدون مراجعہ بہ منابع انجام نمی پذیرد، و برای منابع لازمہ کتاب خانہ مجزی نیز لازم است،

و چنان کہ از منابع جواهر الاولیا کہ نام های آن حا بہ صراحت در این کتاب آمدہ است، شاعری بر این معنی کہ در خانوادہ اسلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری کتاب خانہ مجزی موجود است، و از اعضای خانوادہ مزبورہ، کہ صاحبان علم و فضل بودند، و ذوق خاصی بہ تصنیف و تالیف کتب می داشتند، بدون هیچ شبہ ای از کتاب های کتاب خانہ خانوادگی خود استفادہ می نمودند۔

و در ضمن این نگارنده مقدمہ بار دیگر اظہار تأسف می نماید و می گوید: "در سال ۱۹۷۲ و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ میلادی در اُتخ بخاری با وجود کوشش بسیار نتوانستم با اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری تماس بگیرم و کتاب خانہ خانوادگی آنان را ببینم."

فہرست منابع جواہر الاولیا کہ ذکر آن حا در این کتاب بہ صراحت آمدہ است، (و ما نام های منابع را بہ ترتیب حروف تہجی آوردیم):

- | | | |
|------------------------------|--------|--|
| ۱- ابطال منہج ابطال | تالیف | شیخ فضل اللہ روز بہان بن فضل اللہ بن محمد الشنتی النجفی. |
| ۲- احیاء العلوم (الدین) | " | امام ابو حامد محمد غزالی. |
| ۳- اذکار الصالحین | " | ؟ |
| ۴- اکبر جلالی | " | سید باقر بن سید عثمان بخاری. |
| ۵- الفرج بعد الشدة و المضيقة | " | ابو علی الحسن بن علی معروف بہ قاضی التنوخی. |
| ۶- انوار الاولیا | " | ؟ |
| ۷- انوار العابدین | " | ؟ |
| ۸- اورد چشتیہ | " | شیخ عبدالرحمن علوی عباسی چشتی. |
| ۹- اورد عظیم | " | شیخ فضل اللہ بن ضیاء الدین العباسی. |
| ۱۰- باقر الانوار | " | سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری. |
| ۱۱- باقر المرادات | " | سید باقر بن سید عثمان بخاری. |
| ۱۲- بحر الانوار | " | سید جلال بن سید داؤد بخاری. |
| ۱۳- بحر العجائب | " | سید عثمان بن سید داؤد بخاری. |
| ۱۴- بستان البخاری | " | سید یوسف (بن سید احمد) ماوراء النہری. |
| ۱۵- تفسیر بخاری | " | سید شمس الدین بخاری گجراتی. |
| ۱۶- تفسیر ... | منسوبہ | امام حسن بن علی العسکری |
| ۱۷- جامع العلوم | مرتبہ | سید ابو عبداللہ علامہ ابن علی بن سید محمد |

بن علی القریشی الحمینی .		
ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سوریہ الترمذی .	تالیف	۱۸- جامع ترمذی
سید جلال بن سید داؤد بخاری .	"	۱۹- جواہر البخاری
(شیخ حاجی حمید معروف بہ) شیخ محمد غوث .	"	۲۰- جواہر خمسہ
ابوبکر بن محمد بن علی بن محمد التردوی العبادی لمہینی .	"	۲۱- جوہرۃ النیرہ (شرح مختصر القدری)
؟	"	۲۲- حدائق الاخبار
شیخ شہاب الدین البحرہینی مکی .	"	۲۳- حسن التوسل فی زیارۃ اکرم الرسل
سید جلال بن سید داؤد بخاری .	"	۲۴- خزائنہ البخاری
مخدوم سید جلال جانیان جہانگشت .	"	۲۵- خزائنہ الجلالی
امام ابو حامد محمد الغزالی .	"	۲۶- خلاصۃ التصانیف
سید باقر بن سید عثمان بخاری .	"	۲۷- خمس الانوار
سید شمس الدین بخاری گجراتی .	"	۲۸- راحت البخاری
سید محمود ناصر الدین بخاری .	"	۲۹- راحت البخاری
مخدوم سید جلال جانیان جہانگشت .	"	۳۰- راحت الجلالی
سید شرف الدین مشہدی .	"	۳۱- رسالہ —
اختیار بن غیاث الدین الحمینی .	"	۳۲- رسالہ جیبیہ
		۳۳- رسالہ سوال و جواب
سید یوسف محمد .	مرتبہ	مخدوم سید جلال جانیان جہانگشت
مخدوم سید جلال جانیان جہانگشت	تالیف	۳۴- رسالہ کنز العارفین
؟	"	۳۵- رسالہ کلشن
محمد دارا شکوہ .	"	۳۶- سفینۃ الاولیا
		۳۷- سلسلۃ الذهب
؟	"	(شجرہ منظوم بخاریان)

تألیف	حامد بن فضل اللہ جمالی .	۳۸ - سیر العارفين
؟	"	۳۹ - شجرۃ اہلان
؟	"	۴۰ - شجرۃ العالم
ملا محمد بن ابراہیم بن محمد چلی .	"	۴۱ - شرح صغير مینة المقل
شیخ عبدالحق (محدث و حلوی) .	"	۴۲ - شرح مشکوة
محمد بن ابی بکر معروف بہ امام زادہ الخنقی .	"	۴۳ - شرعة الاسلام
؟	"	۴۴ - شرف الاولیا
مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی .	"	۴۵ - شواهد النبوة
مولانا نامی .	"	۴۶ - مجوبہ
ابوزکریا یحییٰ بن شرف النووی .	"	۴۷ - عمل الیوم و اللیلہ
شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برهان پوری .	"	۴۸ - عین المعانی
شیخ فتح محمد بن شیخ عیسیٰ برهان پوری .	"	۴۹ - فتوح الاوراد
شیخ محی الدین ابن العربی .	"	۵۰ - فتوحات مکبہ
حافظ الدین ابوالبرکات عبداللہ نسفی .	"	۵۱ - فضائل الاعمال
خواجہ نصیر الدین طوسی .	"	۵۲ - قوائد —
سید علی اکبر بن سید حامد قتال بخاری .	"	۵۳ - قوائد البخاری
؟	"	۵۴ - کشف الکرامات
سید یوسف بن سید احمد ماوراء النہری .	"	۵۵ - کنز الانوار
شیخ ضیا شہاب نصیر کمال .	"	۵۶ - کنز المعرفة
شیخ مشرف الدین مصلح بن عبداللہ سعدی شیرازی .	"	۵۷ - گلستان
نظام الدین بن بلقیس نظامی	مرتبہ	۵۸ - لطایف اشرفی

سید عثمان بن سید داؤد بخاری .	تألیف	مجموع البخاری	۵۹
حافظ الدین ابو البرکات عبداللہ نسفی .	"	مدارک التنزیل	۶۰
ولی الدین ابو عبداللہ محمد بن عبداللہ خطیب تبریزی .	"	مشکوٰۃ المصابیح	۶۱
ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی الشافعی .	"	مصابیح (اصل مشکوٰۃ)	۶۲
شیخ شرف الدین احمد بن یحییٰ منیری .	"	معین المعانی	۶۳
سید یعقوب بن سید علی .	"	مفتاح الجنان (شرح شریعتہ الاسلام)	۶۴
محمد بن مجیر بن وجیہ الدین .	"	مفتاح الجنان	۶۵
؟	"	مقصود القاصدین	۶۶
(شیخ شکر اللہ معروف بہ) شیخ بھنبو بن شیخ مثن بن	"	مقصود المریدین .	۶۷
شیخ مراد قادری .	"		
شیخ شرف الدین احمد بن یحییٰ منیری .	"	مکتوبات	۶۸
امام ابو حامد محمد غزالی .	"	مناہج العابدین	۶۹
سید عثمان بن سید داؤد بخاری .	"	مونس البخاری (خرد)	۷۰
سید عثمان بن سید داؤد بخاری .	"	مونس البخاری (کلان)	۷۱
شیخ محمود بن محمد بن محمود درگزینی .	"	نزل السائرین .	۷۲

دورنمای تاریخی دورہ تألیف کتاب جواہر الاولیا

اشاراتی دربارہ دورہ تاریخی تألیف کتاب جواہر الاولیا در متن این کتاب کم آمدہ است، و بہ طور قطعی نمی توان گفت کہ سال های آغاز و انجام این کتاب چہ بودہ است ؟

اکنون اشاراتی را کہ در این زمینہ در متن جواہر الاولیا آمدہ است، در ذیل می آوریم:

۱- سید باقر بن سید عثمان بخاری در آخر شرح مختصری از وقایع زندگانی مخدوم سید جلال جانیان ^{نگشت} جانیان

کہ از کتاب سفینۃ الاولیا تالیف محمد دارا شکوہ گرفته است، می گوید:

”نقل من کتاب سفینۃ الاولیا تصنیف سلطان محمد دارا شکوہ برادر اوزنگ زیب پادشاه“^۱

۲- سید باقر بن سید عثمان بخاری در آخر شرح مخفّری از وقایح زندگانی:

(ا) سید برهان الدین ملقب به ”قطب عالم“ گجراتی، و پسر او

(ب) سید محمد ملقب به ”شاه عالم“ گجراتی،

کہ از سفینۃ الاولیا تالیف محمد دارا شکوہ گرفته است، در ضمن کرامات هر یک حکایتی از سفینۃ الاولیا نیز در

جواہر الاولیا آورده است، و در آخر حکایتی کہ مربوط به سید برهان الدین ملقب به ”قطب عالم“

می باشد، جمله ذیل در سفینۃ الاولیا آمده است

”و تا امروز کہ سال ہزار و چہل و نہ ہجری است (آن چیز یعنی نشانی کرامت سید برهان الدین

ملقب به قطب عالم) نزد فرزندان ایشان در احمد آباد کہ مسکن ایشان بود، موجود است“^۲

و در آخر تاریخ های ولادت و وفات سید برهان الدین ملقب به قطب عالم و سید محمد

ملقب به ”شاه عالم“ سید باقر بن سید عثمان بخاری جمله ذیل را در دو جا در جواہر الاولیا آورده

است:

”نقل من کتاب سفینۃ الاولیا تصنیف سلطان محمد دارا شکوہ برادر اوزنگ زیب

پادشاه“^۳

محمد دارا شکوہ در سفینۃ الاولیا در ضمن حکایتی کہ مربوط به نشانی کرامت سید برهان الدین

ملقب به ”قطب عالم“ می باشد سال ہزار و چہل و نہ ہجری“ را سال بیان حکایت گفته است،

و سال تکمیل سفینۃ الاولیا نیز ”ہزار و چہل و نہ ہجری“ می باشد!

و ظاہر است کہ نسخہ خطی کتاب سفینۃ الاولیا، کہ تالیف آن در سال ۱۰۳۹ ہجری/ ۱۶۳۹ میلادی

تکمیل یافته است، در موقع تالیف کتاب جواہر الاولیا در دست سید باقر بن سید عثمان بخاری بود

۱- ص ۱۱ کتاب حاضر. ۲- ص ۱۷ کتاب حاضر. ۳- ص ۱۷ و ۱۸ کتاب حاضر.

۴- سفینۃ الاولیا تالیف محمد دارا شکوہ، (ترجمہ اردو) مطبوعہ کراچی ۱۹۵۴ میلادی، ص ۷۷.

و او در بیان وقایع سه نفر ذیل از آن کتاب استفاده نموده است :

- ۱- مخدوم سید جلال جانبیان جانگشت ،
- ۲- سید برهان الدین ملقب به "قطب عالم" گجراتی، و پسر او
- ۳- سید محمد ملقب به "شاه عالم" گجراتی .

از اشارت فوق به اثبات می رسد که آغاز تألیف کتاب جواہر الاولیا بعد از سال ۱۰۴۹ هجری /

۱۴۳۹ میلادی بوده است .

و اگر از جمله ذیل :

"تقل من کتاب سفینة الاولیا تصنیف سلطان محمد و ارشکوه برادر اوزنگ زیب پادشاه"

کلمات "اوزنگ زیب پادشاه" را در نظر بگیریم، و کلمه "پادشاه" را دلیل بیاوریم، آغاز تألیف کتاب جواہر الاولیا بعد از آغاز پادشاهی اوزنگ زیب یعنی ۱۰۶۹ هجری / ۱۴۵۹ میلادی، که سال جلوس او بر تخت سلطنت می باشد، بوده است .

علاوه برین در متن کتاب جواہر الاولیا در پنج جای ذیل ذکر پنج سال مختلف آمده است که

مربوط است به اُمید زندگانی خود سید باقر بن سید عثمان بخاری :

۱- "و نیز فقیر سید باقر بن سید عثمان بخاری در اُچ بخاریان در روضه جد خود سلطان العارین سلطان

سید جلال بخاری، قدس الله سره، به تاریخ بیست و پنجم شهر رمضان المبارک سنه یک هزار و هفتاد (۱۰۷۰) هجری در اعتکاف بعد از نماز تہجد از حضرت محمد مصطفی، صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم کہ:
ای فرزند من !"

۲- "فقیر سید باقر بن مرحوم و مغفور میران سید عثمان بخاری، قدس الله سره، گاہی چل

بعد و گاہی ده روز آخر در هر ماه رمضان به اعتکاف نشستن عادت داشتم، و ماه رمضان ۱۰۹۲ هجری بود، پناہ بر آن کہ خالوی فقیر از این عالم حیل شد، اعتکاف مذکور از دست من فوت

۱- "بقایات سلاطین اسلام" تألیف استانی لیلین پول و ترجمہ فارسی از عباس اقبال، مطبوعہ طہران، ۱۳۱۲ شمسی، ص ۲۹۷.

۲- ص ۵۴۹ کتاب حاضر.

شد، عوض آن در آخر ماہ ربیع الثانی سنہ ۱۰۹۳ ہجری بہ خواندن دعوتِ سیف اللہ در مسجد خود در محلہ تندسر نزدیک کار پوشان دف نواز بہ بین مسجد بہ اعتکاف نشستہ۔

۳۔ "و نیز نقل است از سادات بخاری (سید باقر بن سید عثمان بخاری) سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زید عمرہ کہ در شب دوشنبہ ہشتم جمادی الثانی سنہ ۱۰۹۸ ہجری از حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم، شنیدم۔"

۴۔ "و نیز نقل از سادات بخاری (سید باقر بن سید عثمان بخاری) سلمہ اللہ تعالیٰ و ابقاہ و زید عمرہ کہ در سنہ مذکورہ (یعنی ۱۰۹۸ ہجری) من شنیدم از مجلس حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم۔"

از ذکر سال حاتی کہ در عبارات فوق آمدہ (یعنی ۱۰۷۰، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۶، ۱۰۹۸ ہجری / ۱۴۶۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۷ میلادی) ظاہری گردد، کہ سید باقر بن سید عثمان بخاری تا سال ۱۰۹۸ ہجری / ۱۴۸۷ میلادی زندہ بودہ، و تالیف کتاب جواہر الاولیا ادامہ داشتہ است۔

از تمام مطالبی و شواہدی کہ در بارہ تعیین دورہ تالیف کتاب جواہر الاولیا در صفحات گذشتہ آمدہ است، بدین نتیجہ می رسیم کہ:

تالیف کتاب جواہر الاولیا در نیمہ دوم قرن یازدہم ہجری / نیمہ دوم قرن ہفدہم میلادی عمل آمدہ است۔

و نیمہ دوم قرن یازدہم ہجری / نیمہ دوم قرن ہفدہم میلادی دورہ حکومت دولفر از سلسلہ شاستاخان مغول تیموریہ بودہ است، یعنی:

۱۔ شاجھان بن جہانگیر (از ۱۰۳۷ تا ۱۰۶۸ ہجری / از ۱۴۲۸ تا ۱۴۵۸ میلادی)۔

۲۔ اورنگ زیب بن شاجھان (از ۱۰۶۹ تا ۱۱۱۹ ہجری / از ۱۴۵۹ تا ۱۷۰۷ میلادی)۔

اکنون بہ تفصیل دو جنبہ کتاب جواہر الاولیا می پردازیم، یعنی:

۱۔ جنبہ ظاہری، و

۲۔ جنبہ باطنی و معنوی۔

۱۔ ص ۲۳۹ کتاب حاضر۔ ۳۵۷- ص ۳۳۳ کتاب حاضر۔

۱۔ جواہر الاولیا از لحاظ جنبہ ظاہری

قبل از این کہ بہ ذکر جنبہ ظاہری کتاب جواہر الاولیا، یعنی دعاہا و وردہا، و بہ عمل آوردن آن ہا پردازیم، لازم می دانیم مختصری از محیط اجتماعی دورہ تألیف کتاب جواہر الاولیا را بیان نماییم، و دورہ تألیف کتاب جواہر الاولیا چنان کہ در صفحہ گذشتہ آمدہ است، دورہ حکومت دو نفر از شاهنشاهان مغول تیموریہ، شاجہان بن جہانگیر و اورنگ زیب بن شاجہان دہلی یعنی قرن یازدہم ہجری / قرن ہفتم میلادی) بودہ است۔

در دورہ حکومت شاهنشاهان مغول تیموریہ مردم شہ قارہ پاکستان و ہند در سہ طبقہ ذیل منقسم بودہ اند:

طبقہ اول؛ مشتمل بودہ است بر:

- ۱۔ پادشاہ وقت و خانوادہ سلطنت،
- ۲۔ وزیران و امیران دربار شاهنشاهی،
- ۳۔ استناداران،
- ۴۔ صاحب منصبان عالی رتبہ نظامی و کشوری در مرکز حکومت و در استان حادہ
- ۵۔ امیران محلی (دارای املاک وسیعہ)۔

طبقہ دوم؛ مشتمل بودہ است بر:

- ۱۔ جاگیرداران بہ اصطلاح شہ قارہ کسانی کہ در دورہ حکومت شاهنشاهان مغول تیموریہ در ازای خدمت بہ دولت املاک دائمی و یا تا آخر حیات بہ عنوان انعام می یافتند، و زندگانی مرفہ بحالی می گذرانیدند۔
- ۲۔ زمین داران، بہ اصطلاح شہ قارہ کسانی کہ در دورہ حکومت شاهنشاهان مغول تیموریہ دارای اراضی می بودند، و وظیفہ تحصیلداری یا جمع آوری مالیات را بہ عمدہ خود می داشتند۔

و آنان مالیات اراضی مزبور را جمع آوری نموده به خزانه داری کل دولت می پرداختند، و در عوض آن دولت از پول همان مالیات به حساب صدی چند به عنوان پاداش به آنان می داد، و بنا بر این آنان نیز زندگی خود را به آسودگی بسر می بردند.

۳- تاجران شهرها و قریه های بزرگ که در نتیجه گران فروشی کالاهای خود منفعت معتنا به می یافتند.

۴- صوفیان و مُرشدان که دارای املاک زیاد به عنوان اوقاف می بودند، و عایدات کافی از املاک اوقاف می داشتند.

۵- اهل حرفه های خاص از قبیل طبیبان شهرها و قریه های بزرگ که از معالجه بیماران درآمد خاصی می داشتند.

طبقه سوم؛ مثل بوده است بر:

- ۱- عوام الناس از قبیل کشت کاران بی ملک و کارگران و رنج بران که عمر خود را زیر زور و غلبه افراد طبقه اول و دوم در کارهای پُر زحمت و دشواری گذرانیدند، و حاصل زحمات خود را به افراد طبقه اول و دوم می سپردند.
- ۲- مردم فقیر و بی چاره و بی خانمانی که در حالت بی چارگی و نیازمندی به کمک و یاری مالی دیگران از نوع صدقه و خیرات می زیستند.

محتویات کتاب جواهرالاولیا مربوط به طبقه اول و دوم نیست، و تنها دارای چاره درد های عوام الناس یعنی افراد طبقه سوم می باشد.

اکنون به شرح محیط اجتماعی افراد طبقه سوم دوره تألیف کتاب جواهرالاولیا می پردازیم: ناگفته نماند که جمعیت بیشتری از مردم طبقه سوم در ده های دور دست و قریه ها در میدان ها و جلگه های وسیعی یا سوائل رودخانه ها، و یا در نواحی کوهستانی زندگی می کردند. آنان از بیشتری از وسایل زندگی، از قبیل تهیه و تدارک چاره ها برای دفع مشکلات زندگی و یا برای تکمیل حاجت های دنیوی، که اهل شهرها و قریه های بزرگ از آن ها استفاده می نمودند، به نفعی محروم و بی بهره بودند.

و نه تنها این که افراد طبقه سوم از حصول وسایل زندگانی بهتری محروم می بودند، بلکه بیشتری از آنان به انواع بیماری ها مبتلا و به مصائب و مشکلات گوناگون مواجه می شدند.

و علاوه بر این به سبب نه بودن بیمارستان ها و طبیبان باسواد از چاره بیماری های خبر و به سبب عدم وسایل رفاه عامه از رفع مشکلات زندگانی خود عاجز بودند.

کتاب جواهر الاولیا که محتویات آن دارای انواع احوال و کیفیات افراد طبقه سوم یعنی "عوام الناس" می باشد، برای افاده افراد همین طبقه تالیف یافته است.

چنان که سید باقر بن سید عثمان بخاری مؤلف جواهر الاولیا در مقدمه مختصر این کتاب می گوید:

"چون این ضعیف فائده چند از پدر خود و از کتاب های معتبر و اوراد های مشائخ بزرگ و بعضی در سیر عالم و بعضی در چله از بزرگان و اولیای مرحوم (و) در مجلس حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، دیده و شنیده بودم، جمع کردم از برای عوام خلق؛

و مؤلف جواهر الاولیا در همین زمینه در همان مقدمه مختصر اضافه می نماید، وی گوید:

"این فقیر به قدر خویش هر چه طرب بود به پاری در قلم آوردم، تا عوام الناس و فرزندان ایشان درین رغبت نمایند، و از فائده بی بهره نمانند، و مواظبت کنند، تا به مطالب و مقاصد وارثین برسند، و فقیر را به فاتحه یاد کنند؛"

از انواع احوال و کیفیات عوام الناس که در کتاب جواهر الاولیا آمده است، از همه مهم تر چهار نوع ذیل است:

- ۱- بیماری های شخصی و عمومی و چاره آن ها،
- ۲- مصیبت های انفرادی و اجتماعی و وسایل رفع آن ها،
- ۳- حاجت های دنیاوی و وسایل برای برآوردن آن ها،
- ۴- خواہش های روحانی و وسایل حصول آن ها.

اکنون به شرح هر یک از احوال و کیفیات چهارگانه فوق می پردازیم:

۱- بیماری های شخصی و عمومی و چاره آن ها

بیشتری از بیماری های شخص و عمومی در رده های دوردست در محیط کثیف و ناصاف به سبب تولید و افزایش انواع جراثیم به ظهور آمده از یک جا به جا های دیگر سرایت می کند، و چنان که در صفر گذشته گفتیم، به سبب نه بودن بیمارستان ها و طبیبان با سواد از سرایت آن ها جلوگیری نمی شود.

در دوره قدیم طبیبانی که در رده ها به معالجه بیماران می پرداختند، درس نخوانده، و فقط با نام چند نوع داروهای گیاهی آشنا می بودند، و هر نوع بیماری را با همان داروهای گیاهی معالجه می نمودند. و اگر بیماری به معالجه طبیب دعائی شفا می یافت، از تاثیر دارو حاکم و زیاده بر عقیده بر معالجه می بوده است، و در بعضی اوقات آنان با داروهای ناچهر بیماران را به گویستان نیز می فرستادند.

و اوضاع احوال و کیفیات افراد طبقه سوم در رده ها به ننگان از قرن ها به همین منوال بوده است. و های تعجب نیست اگر بگوئیم که بعد از قرن ها در عصر حاضر نیز مردم دعائی یعنی افراد طبقه سوم از وسایل معالجه های صحیح و کامل محروم می باشند، و مجبور اند در صورت بیماری ها در دست طبیبان بی سواد دعائی گرفتار شوند.

و نگارنده مقدمه در یکی از دعوات بخش راولپندی (در استان پنجاب) دستور نسخه به اصطلاح طب در پاکستان، طبیب بی سواد دعائی را که بر بالین بیمار برای دفع بیماری نوشته بود، به چشم خود دیدم که طبیب املاء صحیح کلمه "جوشانده" را نمی دانست، و آن را "دوشانده" نوشته بود.

و بعضی از افراد طبقه سوم که در حالت بیماری برای معالجه پیش طبیب دعائی هم نمی رفتند، و اعتقاد بر تاثیر دعاها و وردهای داشتند، به بارگاه صوفیان و مُرشدان می رفتند، و برای دفع بیماری های شخصی و عمومی از مُرشدان خود دعاها و وردهای گرفتند، و به عمل می آوردند. و زیرا که آنان عقیده کاملی بر دست شفا بخش مُرشدان خود می داشتند، به عمل آوردن دعاها و وردها در دفع بیماری ها موفق می گردیدند.

و عمل های مزبور در دهانت دور دست دور عصر حاضر نیز جاری می باشد.
اینک فهرست بیماری های شخصی و اجتماعی افراد طبقه سوم که در جواهرالاولیا آمده است (و ما
نامهای بیماری ها را به ترتیب حروف تہجی آوریم):

فهرست بیماری های شخصی و اجتماعی

ضعف دندان.	درد شکم.	باد (نوعی از آشک).
عذاب بحر.	درد گوش.	باطل شدن میل مردی.
غم و اندوه.	درد هر قسم.	برص.
فراوش.	دوبل.	بواسیر.
قویج.	ریزش آب از چشم.	ترسیدن کودک از سایه دین و پری.
کمی روشنائی چشم.	ریزش آب از دهن.	تلخی زهر (عمومی).
کمی مردی.	زحمت بدر آمدن دندان طفل.	تلخی زهر مار و عقرب.
کمی موی سر.	زشتی روی.	جراحت.
گرسیستن کودک.	زیادی بلغم.	درد پا.
مردی بستن.	سختی کار بدنی.	درد پهلوی.
موی زیاد در چشم.	سرگردانی.	درد چشم.
ناقوالت.	سفیدی چشم.	درد دل.
وحشت.	صرع.	درد سر.

۲- مصیبت های انفرادی و اجتماعی و وسایل

دفع آن ها

افراد طبقه سوم در دوره قدیم در اکثر احوال و اوضاع به انواع مصیبت های انفرادی و اجتماعی گرفتار می شدند، و از وسایل دفع آن ها عاجز و محروم می بودند.
 بعضی از مصیبت های مهمی را که ذکر آن ها در جواهرالاولیا آمده است، در ذیل می آوریم:

۱) مصیبت های انفرادی :

۱- ترس از دشمنان زبردست و زورمند که نسبت به مصیبت های دیگر شدیدتر بوده است.

۲- ضرر از دزدان و راه زنان که مردم دهاتی در اکثر اوقات حدت دزدی و راه زنی آنان می شدند.

۳- ضرر از درندگان از قبیل شیر و گرگ و کفتار، و این نوع ضرر به کسانی بوده است که در نواحی کوهستانی می زیستند.

۴- ضرر از گزندگان و حشرات موزی از قبیل مار و عقرب، و

۵- ضرر از چرندگان وحشی و پرندگان که برکشت ها و باغ های آنان هجوم می آوردند.

۲) مصیبت های اجتماعی :

۱- ترس از پادشاهان ظالم،

۲- ترس از امرای ظالم محل،

۳- ترس از حاکمان ظالم،

۴- ترس از قید و بند در نتیجه دشمنی و سعایت دشمنان.

۵- ضرر از وباد و چهار پایان و مویشی، و

۶- ضرر از بلاهای ناگهانی از قبیل قحط و وباء.

افراد طبقاً سوم در ده نهای دور دست هیچ گونه وسایلی برای دفع مصیبت های انفرادی و اجتماعی نداشتند، و در اکثر اوقات در این نوع احوال و اوضاع بی چاره و سرگردان می شدند، و اوقات زندگی خود را در تنگی و فشار و بدحالی می گذرانیدند.

و آخرین پناه گاه آنان بارگاه صوفیان و مرشدان بوده است. چنان چه آنان پیش صوفیان و مرشدان می رفتند، و وسایلی دفع مصیبت ها به صورت دعاها و وردهای گرفته، و به عمل می آوردند.

و بهم دفع مصیبت های انفرادی و اجتماعی در ده های دور دست از قرن ها همین بوده است، و نگارنده مقدمه در یکی از ده های بخش جہلم (در استان پنجاب) به چشم خود دیده که وہابی برواشی ده حمل کرد، و تمام چهار پایان و مواشی به بیماری آماس و سوزش دهن و پاها گرفتار شدند، و از خوردن و خوراک و رفت و آمد باز ماندند.

تا این که دو سه نفر از مردم ده پیش مرشدی که در ده دیگر زندگی می کرد، رفتند، و او را بر اسب سوار کرده، به ده خود آوردند.

چنان چه به فرمان مرشد تمام چهار پایان را به زور بیرون ده در میدانی آوردند. مرشد برای دفع و با تا دیر دعاها و وردها خواند، و بر چهار پایان دید، و نیز آب دم زده بردهن ها و پاها را چهار پایان پاشید، و به ده خود مراجعت نمود.

و بعد از چند روز چهار پایان از و با نجات یافتند.

و این نوع عمل ها در عصر حاضر نیز ادامه دارد، زیرا مردم دهاتی نسبت به معالجه دام پزشکان بر دعاها و وردهای صوفیان و مرشدان اعتقاد بیشتری می دارند.

ایک فهرست انواع مصیبت های انفرادی و اجتماعی که در کتاب جواهر الاولیا آمده است،

ترس از دشمنان جابر.	ترس از دشمنان جابر.	دو مانام مصیبت ها را به ترتیب حروف تہجی آوردیم؛
ترس از ظلم او ختم پادشاه.	ترس از ظلم او ختم پادشاه.	آفت بر طفل.
تنگی نند.	تنگی نند.	آفت بر غنچه و زراعت و میوه.
شمت از دشمنان.	شمت از دشمنان.	آفت در گوسفندان
خواب های آشفته.	خواب های آشفته.	اندیشه (ترس).
		بلاهای دنیا.
		ترس از امرای ظالم محل.
		ترس از بند و زندان.
		ترس از حاکمان ظالم.

مضق شدن در آب.	ضرر از جن و پری.	خیالات فاسده.
غلبه خلایق.	ضرر از چرندگان و حشی و پرندگان.	درویشی (= مفلسی).
فقر و فاقه.	ضرر از وزدان و راه زنان.	رسوائی دنیا.
قحط در حضر و سفر.	ضرر از گزندگان چون مار و عقرب.	شستی و درماندگی در کار.
گرسنگی و تشنگی در سفر.	ضرر از وبا در چهارپایان.	شر بدگویان و دشمنان و نمازان.
محتاجی بر خلق.	عادت بخل.	شر زنان بدخواه.
مکر مکاران.	عادت بد فعل.	شر شیطان.
ویرانی باغ و بوستان.	عادت دروغ گوئی.	شر فلک.
ویرانی خان.	عادت شک و شبیه.	ضرر از بلاهای ناگمانی.
ویرانی دکان.		ضرر از درندگان چون شیر و گرگ و کفتار.

۳- حاجت های دنیاوی و وسایل برای

بر آوردن آن ها

در این دنیاوی داد و ستد افراد هر طبقه در محیط خود همیشه محتاج و نیاز مند به حاجت های دنیاوی به یک دیگر بوده اند و می باشند، و احتیاج و نیاز مندی مردم هر طبقه یک امر طبیعی می باشد، چنانچه افراد هر طبقه می خواهند به هر وسیله ای که باشد، حاجت های خود را بر آورند.

در باره افراد طبقه اول و دوم می توان گفت که آنان، چه در دوره قدیم و چه در دوره حاضر، برای بر آوردن حاجت های دنیاوی خود به مشکلات روبرو نمی شدند و نمی شوند، زیرا آنان همیشه دارای وسایل لازم برای بر آوردن آن ها بوده اند، و می باشند، و توسط وسایل لازم حاجت های خود را بر می آورند، و اکنون نیز بر می آورند.

البته افراد طبقه سوم، چه در دوره قدیم و چه در دوره جدید، حاجت های دنیاوی زیاد می داشتند و می دارند، ولی بدبختان برای برآوردن آن ها وسایل لازم نمی داشتند و نمی دارند، و اگر بر حسب اتفاق در بعضی جاها وسایل موجود بوده است، از دست بر آنان دور بوده است.

در باره برآوردن حاجت های دنیاوی باید بگویم که بیشتری از آن ها را به وسایل مادی می توان برآورد، ولی متأسفانه بیشتری از افراد طبقه سوم در دوره قدیم وسایل مادی نداشتند، و بدین سبب از برآوردن حاجت های دنیاوی خود محروم می ماندند، و در نتیجه آن ایام زندگانی را به سختی می گذرانیدند.

و در دوره حاضر نیز در بعضی جاها مردم طبقه سوم به همین نوع مشکلات زندگی روبرو می باشند و به واسطه همین نوع سختی های زندگانی بوده است که اکثر افراد طبقه سوم به بارگاه صوفیان و مرشدان می رفتند، و برای برآوردن حاجت های دنیاوی خود به آنان توسل جستند دعاها و وردها از آنان می گرفتند، و به عمل می آوردند، و این کار دوره حاضر نیز ادامه دارد.

اینک فهرست حاجت های دنیاوی که در کتاب جواهر الاولیا آمده است (و ما نام حاجت ها را به ترتیب حروف تہجی آورده ایم):

آسانی در کارهای مشکل.	بسته شدن کارهای دشمنان.	جمعیت میان خویشاوندان.
اولاد صالح.	بی عقلی (دیوانه) شدن دشمنان.	جواب با صواب از قبر بزرگوار.
ایمن بودن از گریختن بنده.	تسخیر پادشاهان و امارا.	حاجت برآوردن از بزرگان.
باز آمدن از سفر به سلامتی.	تسخیر جن و انس.	حاجت برآوردن از پادشاهان.
باز آمدن بنده و گریخته.	تسخیر طیور و وحوش.	حفظ خاطر (حفظ قوه حافظه).
باز یافتن و فیند.	تسخیر محبوب.	خراب شدن خانه دشمنان.
برکت در باغ و میوه.	تسخیر ملک.	خلاصی از قرض.
برکت در زراعت و مال.	تسخیر همه جهان.	خوف زن حامله.
برکت در مواشی.	تفرقه در میان دشمنان.	خیر و برکت (در کارها).
بسته شدن زبان خلق (از بدگفتن).	جمعیت میان مرد و زن.	خیر و برکت در کار خرید و فروخت.

کفایت هر نیت .	سلامتی خود و متاع در سفر .	در آرزوی عمر .
محبوبیت در نظر خلق .	شفقت و مهربانی از خلق .	دولت دنیا .
مراودهای هر گونه .	صلح میان جنگ .	راست گوئی .
معلوم شدن خبر غایب .	عزت و دولت .	روزی شدن پسر .
معلوم کردن نیکی و بدی خلق .	فتح و نصرت بر دشمنان .	زبان بندی دشمن .
مقهور شدن دشمنان .	فراخی در رزق و روزی .	زر شدن خاک .
نیل به علم و عمل .	فرمان برداری از زن و فرزند .	زر شدن سنگ .
نصیب شدن پادشاهی دنیا .	فرمان برداری از علام .	زنده شدن مرده .
نصیب شدن علم و حلم .	قبولیت سخن .	زیادی شیر در گوسفندان
نقره شدن کلوخ .	قوت قلب .	زیادی عقل
نگاه داشتن خود از فعل حرام .	گشادگی در کارهای بسته .	زیادی ماهیان در دریا (در رودخانه)
هلاک دشمن .	کشف اسرار و پیران در حالت خواب	سختی .
پاقتن کار بیک بعد از مرده .		سرگردانی و پریشانی دشمنان .

خواهش های روحانی و وسایل حصول آن ها

افراد طبقه اول و بیشتری از افراد طبقه دوم اکثر اوقات زندگانی خود را به حصول خواهش های مادی بسر می برند، و بنا بر گرفتاری های زیادی در کارهای مادی و دنیاوی فرصتی به دست نمی آورند که به خواهش های روحانی توجه نمایند .

و ظاهر است که در افراد و طبقه فوق عده کسانی که به فکر حصول خواهش های روحانی باشند همیشه بسیار کم بوده است .

البته بعضی از افراد طبقه سوم که به ارکان اسلام گردیده ، در مجال آرزوی شان است

کوشش می نمودند، خواهش های روحانی در دل های آنان پیدای شد، و آنان آرزوی حصول خواهش های روحانی در دل های خود می پروردند، و در پی وسایلی می گردیدند که توسط آن ها آرزوی قلبی آنان به حصول پیوندد.

و به همین سبب آنان دست ارادت را به دست مُرشدان می دادند، و در حصول مقصود از آنان راضی و بدایت می یافتند.

و به عقیده این نوع افراد تنها صوفیان و مُرشدان می باشند که تقرب به خداوند تعالی دارند، و برای کسانی که آرزوی حصول به مقصود در دل های خود می پرورند، تنها وسیله ای برای رساندن آنان به مقصود می باشند.

پنا بر همین عقیده بعضی از افراد طبقه سوم به بارگاه مُرشدان می رفتند، و با تضرع و زاری برای حصول به مقصود به مُرشدان خود التماس می نمودند، و از آنان دعاها و وردها گرفته به عمل می آوردند. در این زمینه لازم است بگوئیم که هر قدر مُرشد در درجه روحانیت بالاتر می باشد، بقدره مریدان و معتقدان او زیادتر می باشد.

و بعد از قرن ها در عصر حاضر نیز کار صوفیان و مُرشدان در شبه قاره پاکستان و هند در راضی و صمیمیت مریدان و به عطای دعاها و وردها به آنان برای رسیدن به مقصود به موفقیت تمام ادامه دارد.

اینک فهرست خواهش های روحانی که در کتاب جواهر الادب آمده است (و ما عنوانات خواهش های روحانی را به ترتیب حروف تہجی آوردیم):

آسانی در جان کشیدن.	ترکِ ماسوی اللہ.	دفعِ تلخی مرگ.
اجتناب از سخن بیجوده.	توفیق بر عبادت و ریاضت.	دفعِ دل گوری.
ارشاد در عالم خواب.	توکل.	دفعِ عذابِ آخرت.
بخشیه شدن گناحان کبیره و غیره.	ثواب شب قدر.	دفعِ عذابِ گور.
پادشاهیِ آخرت.	دانستن احوال دنیا و آخرت در	دفعِ غمِ دینی.
پاکی دل.	حالت خواب.	دفعِ فسق و فجور.

دفع کارهای بد .	روشنائی قلب .	قدت برای سیر در بر و بحر .
دفع کاهلی در نماز .	روشنائی صفت فلک .	قرب الہی .
دفع گناه از وجود .	رحائی از رسوائی آخرت .	کشف اسرار الہی .
دفع مناسی و چیزهای حرام .	زیارت حضرت زکریا (ع) در حالت خواب .	کشف علم ظاہری و باطنی .
دفع وسوسه شیطان .	سلامتی ایمان .	مرتبه ولایت .
دفع حصول قیامت .	سیر زمین و آسمان .	مستجاب شدن دعا .
دل سردی از بغض .	شب خیزی (برای عبادت) .	مشاهده انوار روحانیان .
دل سردی از شرک .	شرکت در زمره اولیاء صالحان و متقیان .	مشاهده خدای تعالی در حالت خواب .
دیدار (جمال) حضرت محمد مصطفی (ص) در خواب .	شنیدن آواز رحمت خدای تعالی .	مشاهده خزینہ های غیبی .
دیدار (جمال) حضرت یوسف (ع) در حالت خواب .	عقیده نیک .	مشاهده عجائب و غرایب خدای تعالی .
رضای خداوندی .	فوادانی رحمت خدای تعالی .	مشاهده نور تجلی .
دفع حجاب از میان خدای تعالی و انسان .	فوادانی نعمت بر اجداد .	مشرف شدن به مجلس حضرت رسول اکرم (ص) .
روشنائی در آخرت .	قبول شدن توبہ .	نگاہ داشتن ایمان از زوال .
	قبول شدن نماز و روزه .	توبہ ایمان در دل .
		هدایت به راه راست .
		یقین قلب .

از شرح محیط اجتماعی ذرۃ تالیف کتاب جواهر الاولیا بدین نتیجہ رسیدیم کہ جنبہ ظاہری این کتاب کہ بہ صورت دعاها و دردها آمدہ است، در محیط اجتماعی آن دورہ بسیار مؤثر بودہ، و علوم انسانی آن دورہ در کارهای خود از صوفیان و مرشدان استفادہ زیادہ کردہ، بر دعاها و دردها عمل می نمودند، و احوال و اوضاع اجتماعی آن دورہ کہ در این کتاب منعکس شدہ است، بہ اثبات می رساند، کہ کتاب جواهر الاولیا را از لحاظ جنبہ ظاہری آن باید کتاب علم الاجتہاد قرار داد.

۲- جواهر الاولیا از لحاظ جنبه باطنی و معنوی

در دوره حاضر در نتیجه پیشرفت محیر العقولی که در علوم و فنون به وجود آمده است، و هزار هاشمیه چشم انداز پیش چشم بینا باز شده است، اهل تحقیق دوره حاضر کتاب هائی را که چند قرن پیش در موضوع دعاها و روحها تألیف یافته است، کمتر مورد تحقیق و بررسی قرار می دهند، و توجه آنان بیشتر به جنبه های معنوی کتاب حامی باشد.

بنابر این اگر کتاب جواهر الاولیا که از لحاظ جنبه ظاهری کتاب دعاها و روحها می باشد، مورد مطالعه دقیق و بررسی محققین قرار بگیرد، معلوم می گردد که در دوره حاضر جنبه باطنی و معنوی این کتاب نسبت به جنبه ظاهری آن دامای اهمیت بیشتری می باشد.

در کتاب جواهر الاولیا، چنان که در صفحات گذشته اشاره کردیم، در ضمن ذکر دعاها و روحها نام صدها اشخاصی آمده است که از لحاظ مرتبه و کار و فکر و اندیشه از یک دیگر مختلف بوده اند، و به خصوص نام های عده زیادی از مصنفین و مؤلفین ادوار گذشته با نام های تألیفات آنان آمده است.

و خواننده کتاب جواهر الاولیا بر زحمت هائی که سید باقر بن سید عثمان بخاری، مؤلف این کتاب در جستجوی مطالب فوق قبول کرده است، تعجب می کند.

و اگر بگوئیم که نظر به مطالب مزبوره کتاب جواهر الاولیا "مختصره اثره المعارف" می باشد، راه مبالغه را نه پیموده ایم.

نام های تمام اشخاصی که در این کتاب آمده است، در "فهرست نام های اشخاص" که در آخر کتاب حاضر آوردیم، درج شده است.

اینک طبقه های اشخاصی را که نام های آنان در ضمن دعاها و روحها در این کتاب آمده است، در ذیل می آوریم:

۱- پیغمبران و بزرگان

- ۱- پیغمبران سابق،
- ۲- پیغمبر آخر (الزمان) حضرت محمد مصطفیٰ (ص)،
- ۳- خلفای راشدین،
- ۴- اصحاب دیگر حضرت رسول اکرم،
- ۵- معاصرین خلفای راشدین،
- ۶- ائمه معصومین.

۲- خلفای اموی۳- خلفای عباسی۴- سادات بخاری

- ۱- اسلاف سادات بخاری،
- ۲- سادات بخاری در اُچ بخاری،
- ۳- سادات بخاری در جاهای دیگر،
- ۴- شاگردان و مریدان سادات بخاری.

۵- سلسله های عارفان

- ۱- سلسله چشتیه،
- ۲- سلسله سهروردیه،
- ۳- سلسله قادریه،
- ۴- سلسله نقشبندیه،
- ۵- سلسله های دیگر.

۶- مؤلفین کتاب های عرفانی

- ۱- عرب،
- ۲- ایرانی.

۳- اهل شبہ قاره .

۷- علماء و دانشمندان

(عرب و ایرانی و اهل شبہ قاره)

۱- مفسرین ،

۲- محدثین ،

۳- قاریان ،

۴- راویان قرأت ،

۵- فقہاء ،

۶- صرفیان ،

۷- نحویان ،

۸- دانشمندان علوم دیگر .

۸- پادشاهان و شاهزادگان

(سلسله های پادشاهان به ترتیب تاریخی)

۱- صفاریان ،

۲- سامانیان ،

۳- دیلمیان ،

۴- غزنویان ،

۵- سلجوقیان بزرگ ،

۶- خوریان ،

۷- خوارزم شاهیان ،

۸- خانان بزرگ منول ،

۹- ایل خانان ایران ،

۱۰- مظفریان فارس ،

۱۱۔ تیموریانِ ایران،

۱۲۔ عثمانی،

۱۳۔ ہینیان،

۱۴۔ آق قویونلو،

۱۵۔ صفویان۔

۹۔ سلاطینِ دہلی

۱۔ غلامان،

۲۔ خلجیان،

۳۔ تغلقان،

۴۔ سادات،

۵۔ لودیان۔

۱۰۔ شاہنشاہانِ مغولِ تیموریہ (در شبہ قارہ)

۱۱۔ پادشاہانِ محلی

(در سند)

۱۔ ارغون،

۲۔ ترخان،

۳۔ جام۔

۱۲۔ موزخین

۱۔ عرب،

۲۔ ایرانی،

۳۔ اہلِ شبہ قارہ۔

۱۳۔ تذکرہ نویسان

۱۔ عرب،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شہرہ قارہ۔۱۴۔ شعرا

۱۔ عرب ،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شہرہ قارہ۔۱۵۔ اطباء

۱۔ عرب ،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شہرہ قارہ۔۱۶۔ ریاضی دانان

۱۔ عرب ،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شہرہ قارہ۔۱۷۔ ستارہ شناسان

۱۔ عرب ،

۲۔ ایرانی ،

۳۔ اہل شہرہ قارہ۔۱۸۔ مختصر عین خط۱۹۔ کتابان۲۰۔ زبان شناسان۲۱۔ درویشان (درسنہ)۲۲۔ طبقہ زنان

در آغاز بیان جنبہ باطنی و معنوی کتاب جواہر الاولیا گفتیم کہ مؤلف کتاب جواہر الاولیا یا نام حائ مؤلفین ادوار گذشتہ نام های تألیفات آنان را نیز آورده است ،
 در این جا اضافہ می نمایم کہ نام های تمام کتاب حائ کہ در جواہر الاولیا آمدہ است ،
 در "فہرست نام های کتاب حائ" کہ در آخر کتاب حاضر آوردیم ، درج شدہ است .
 اینک موضوعات کتاب حائ را کہ نام های آن ها در کتاب جواہر الاولیا آمدہ است ، در
 ذیل می آوریم :

۱- کتاب های آسمانی

۱- کتاب های آسمانی سابق ،

۲- قرآن حکیم .

۲- کتاب های دینی (در عربی و فارسی)

۱- تفسیر ،

۲- حدیث ،

۳- قرأت ،

۴- فقہ ،

۵- صرف ،

۶- نحو ،

۷- مذهب ،

۸- دعا ها ،

۹- اورد ،

۱۰- علم کلام ،

۱۱- علم مناظرہ .

۳- کتاب های عرفانی

اندلسی .

۲۔ فارسی ،

۳۔ تراجم کتب عرفانی از عربی بہ فارسی .

۴۔ کتاب های سعادت بخاری

دینی و عرفانی،

۱۔ فارسی ،

۲۔ تراجم کتب دینی و عرفانی از عربی بہ فارسی .

۵۔ کتاب های مریدان سعادت بخاری

دینی و عرفانی، فارسی

۶۔ تاریخ۱۔ تاریخ عرب (عربی)،۲۔ تاریخ ایران (فارسی)،۳۔ تاریخ شبہ قارہ (فارسی)،

۴۔ تراجم کتب تاریخی از عربی بہ فارسی .

۷۔ تذکرہ۱۔ حضرت رسول اکرم (عربی و فارسی)،

۲۔ اولیا و صوفیہ و بزرگان (فارسی)،

۳۔ شعرا (فارسی)۔۸۔ شعر۱۔ دواوین عربی،۲۔ قصائد عربی،۳۔ دواوین فارسی (در ایران)،۴۔ مثنویات فارسی (در ایران)،۵۔ دواوین فارسی (در شبہ قارہ)،

- ۶- مثنویات فارسی (در شبه قاره)،
 ۷- کتاب های موضوعات مختلفه در شعر (در ایران)،
 ۸- کتاب های موضوعات مختلفه در شعر (در شبه قاره).

۹- فلسفه

- ۱- عربی (در ممالک عرب)،
 ۲- عربی و فارسی (در ایران)،
 ۳- فارسی (در شبه قاره).

۱۰- اخلاق

- ۱- عربی (در ممالک عرب)،
 ۲- عربی و فارسی (در ایران)،
 ۳- فارسی (در شبه قاره).
 ۱۱- علوم (در ممالک عرب و ایران و شبه قاره)
 (عربی و فارسی)

۱- طب،

۲- ریاضیات،

۳- ستاره شناسی،

۴- تقویم،

۵- جغرافیا،

۶- شکار،

۷- رمل،

۸- تعبیر خواب،

۹- تنجیحات،

۱۰- علوم دیگر.

۱۲۔ زبان شناسی (در ممالک عرب و ایران و شہر قارہ)

(عربی و فارسی)

۱۔ فرہنگ (لغت) ،

۲۔ معانی و بیان ،

۳۔ عروض ،

۴۔ انشا و نامہ نویسی .

۱۳۔ داستانِ ہا (در ممالک عرب و ایران و شہر قارہ)

(عربی و فارسی)

۱۴۔ کتابِ ہای موضوعاتِ مختلفہ (در ممالک عرب و ایران و شہر قارہ)

(عربی و فارسی)

شمارہ ہای آیاتِ قرآنِ حکیم

در حواشی کتابِ حاضر

درباۃً شمارہ ہای آیاتِ قرآنِ حکیم ، کہ در حواشی کتابِ حاضر آمدہ است ، باید توضیح بدہیم کہ ما شمارہ ہای آیاتِ قرآنِ حکیم را از دو کتاب ذیل آوردیم .

۱۔ نجوم الفرقان مرتبہ مولوی فیض بخش ،

مطبوعہ مطبع فیض بخش ، فیروز پور

۲۔ قرآنِ حکیم . مطبوعہ تاج کپنی ، کراچی .

اگر در بعضی جا ہا در شمارہ ہای آیاتِ قرآنِ حکیم کہ در حواشی کتابِ حاضر آوردہ ایم ، اختلاف روی دادہ است ، آن اختلاف مطابق بہ اختلاف شمارہ ہای آیاتی است کہ در وہ ماخذِ فوق آمدہ است .

بخش چهارم

زبان جواهر الاولیا

در دوره حاضر در ضمن تصحیح متون قدیمه فارسی تحقیق در زبان و مختصات آن نیز لازم است زیرا محققین زبان به زبان متون قدیمه و مختصات آن توجه بیشتری را می دارند.

زبان فارسی در ایران در ادوار گذشته دستخوش تحولات و تطورات بسیاری زیاده بوده است و در هر دوره دارای مختصاتی بوده است که مخصوص به همان دوره می باشد.

چنانچه مختصات زبان فارسی ادوار مختلف در کتاب های تاریخ ادبیات ایران^۱ به عموم و در مجلد دوم و سوم کتاب سبک شناسی^۲ تألیف ملک الشعراء بهار به خصوص به شرح و بسط آمده است، و بیان آن در این جا موجب تطویل کلام است.

زبان فارسی در شبه قاره پاکستان و هند در اوایل قرن پنجم هجری / اوایل قرن یازدهم میلادی در دوره حکومت سلطان محمود غزنوی (۳۸۸ تا ۴۲۱ هجری / ۹۹۸ تا ۱۰۳۰ میلادی) وارد گردیده است.

۱- تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر رضا زاده شفق، (طبع قدیم و جدید) تهران ۱۳۲۲ و ۱۳۵۲ شمسی،
۲- تاریخ ادبیات فارسی تألیف هرمان اته و ترجمه فارسی از دکتر شفق، مطبوعه تهران ۱۳۳۷ ش.
۳- تاریخ ادبیات در ایران تألیف دکتر ذبیح الله صفا، جلد اول و دوم و سوم، مطبوعه تهران، ۱۳۲۲، ۱۳۳۶ و ۱۳۴۱ ش.
۴- سبک شناسی جلد دوم و سوم، مطبوعه تهران، ۱۳۲۱ و ۱۳۲۶ ش.

ورود زبان فارسی در نواحی پاکستان امروزہ در نتیجہ حملہ های سلطان محمود غزنوی استخلاص این نواحی از فرمان روایان سابق و ورود خانواده های فارسی زبان از غزنین و اطراف آن در این نواحی بہ عمل آمدہ است .

چنان کہ استاد عباس اقبال می گوید :

"سلطان محمود اول کسی است کہ مذهب اسلام و زبان فارسی را در ہند داخل کردہ و احوالی این مملکت بزرگ را بہ آئین محمدی و ادبیات فارسی آشنا نمودہ است."

زبان فارسی در ادوار ما بعد در شبہ قارہ پاکستان و ہند پیشرفت خاصی نمودہ و در دورہ حکومت شہنشاہان مغول تیموریہ (۹۳۲ تا ۱۲۷۵ ہجری / ۱۵۲۴ تا ۱۸۵۷ میلادی) بہ اوج خود رسیدہ است .

ادوار تاریخی پیشرفت زبان فارسی در شبہ قارہ پاکستان و ہند را در ذیل می آوریم :

دورہ اول کہ مشتمل است بر دورہ حکومت غزنویان و غوریان

از اوایل قرن پنجم ہجری تا ۴۰۲ ہجری / از اوایل قرن یازدہم میلادی تا ۱۲۰۴ میلادی .

دورہ دوم کہ مشتمل است بر دورہ حکومت سلاطین دہلی

از ۴۰۲ تا ۹۳۲ ہجری / از ۱۲۰۴ تا ۱۵۲۴ میلادی .

دورہ سوم کہ مشتمل است بر دورہ حکومت شہنشاہان مغول تیموریہ

از ۹۳۲ تا ۱۲۷۵ ہجری / از ۱۵۲۴ تا ۱۸۵۷ میلادی .

شرح مختصر پیشرفت زبان فارسی در شبہ قارہ پاکستان و ہند در سہ دورہ بزرگ فوق و نمودہ های نشر فارسی دورہ های مزبورہ با مختصات زبان ہر دورہ در کتاب "تاریخ زبان فارسی" تألیف نگارندہ مقدمہ آمدہ است ، و بیان موضوع مذکورہ در این جا لازم نیست .

۱- "تاریخ ایران و اروپا" تألیف عباس اقبال ، مطبوعہ طران ۱۳۲۹ ش ، ص ۹۱ و ۹۲ .

۲- مطبوعہ کراچی ۱۹۶۲ میلادی ، ص ۲۰۳ تا ۲۵۳ .

دورنمای تاریخی زبان فارسی در دورہ

تالیف جواہر الادبیا

کتاب جواہر الادبیا، چنان کہ در صفحات گذشتہ آمدہ است، در نیمہ دوم قرن یازدہم ہجری / نیمہ دوم قرن ہفدہم میلادی، یعنی در دورہ حکومت شاهنشاهان مغول تیموریہ، کہ دورہ سوم پیشرفت زبان فارسی در شہر قارہ پاکستان و ہند بودہ است، تالیف یافت۔

زبان فارسی در دورہ مزلورہ، چنان کہ در صفحہ گذشتہ گفتیم، از لحاظ پیشرفت خود بہ اوج خود رسیدہ بود، و عروج زبان فارسی در این دورہ مرحوم سرپرستی شاهنشاهان و وزرا و امرای دربار و استناداران مملکت و سبغہ شہ قارہ بودہ است،

و در این دورہ مدحانفر از ادبا و شعرا و مہرمندان از ایران بہ شہ قارہ آمدہ، و در عین خدمات کہ آنان بہ زبان فارسی و مہر ایرانی کردند، صلہ های گران بہانی یافتند، و بسیاری از آنان آثار ہمتی در زبان فارسی از خود بہ یادگار گذاشتند در زمین سرزمین پیوند خاک شدند۔

و ملک الشعرا بہار در این زمینہ می گوید:

”پادشاهان نماندان تیموری ہند ایران را وطن خود و ایرانیان را ہم شہری و ہم زبان خود می دانستند، و از مہوش و ذوق اینان لذت می بردند۔

و ثروت بی پایان ہند و اقتضای آب و ہوا، کہ بہ استراحت و صحبت می کشد، نیز دوبارہ را بہ پذیرفتن مہمانان بذلہ گوی و خوش زبان و ہوش مند و اداری ساخت۔“

اکنون بہ بیان سبک های نثر فارسی در دورہ حکومت شاهنشاهان مغول تیموریہ می پردازیم:

۱- سبک شامی تالیف ملک الشعرا بہار، جلد سوم، مطبوعہ تران ۱۳۲۶ ش، ص ۲۵۷۔

نثر فارسی در دورہ مزبورہ دارای چند سبک بودہ است، ولی قبل از این کہ سبک های نثر فارسی این دورہ را بیان بنماییم، ذکر یک "سبک خاص" را در میان می آریم کہ مخترع آن ابوالفضل علامی (متوفی در ۱۰۱۱ هجری / ۱۶۰۲ میلادی) بودہ است؛ زیرا تاثر سبک ابوالفضل علامی در نثر جواہر الاولیا نیز دیدہ می شود، و ما ذکر آن را در ضمن بیان مختصات زبان جواہر الاولیا در صفحات مابعد آوردیم.

ابوالفضل علامی، نخست وزیر اکبر شاہ کبیر (۹۶۳ تا ۱۰۱۳ هجری / ۱۵۵۴ تا ۱۶۰۵ میلادی) بزرگ ترین نویسنده قرن دهم هجری / قرن شانزدهم میلادی در شیبہ قارہ بودہ، و آثار بسیار گران بسای در زبان فارسی از خود بہ یادگار گذاشته است.

او در علم زبان شناسی مهارت خاصی می داشت، و خدمات او بہ زبان فارسی بسیار قابل ملاحظہ می باشد.

ملک الشعرا بہار در بارہ او می گوید:

"او اول کسی است کہ بہ نقص و فساد زبان فارسی پی برودہ، و در صدر اصلاح زبان بر آمدہ است....."

و ملک الشعرا بہار در همین زمینہ اضافی نماید، و می گوید:

"او قدیم ترین کسی است کہ در حل و فہم لغات دری سعی کردہ، و کتاب لغتی بہ فارسی نوشت....."

و بہ تغییر سبک نثر فارسی آغاز کرد.

در بارہ سبک خاص ابوالفضل علامی (بہ خصوص در کتاب آئین اکبری) باید بگوئیم کہ در اولین مرحلہ چیزی کہ در عبارات او توجہ خوانندہ را جلب می کند، استعمال "لغات و ترکیبات و جملات فارسی سرہ" می باشد، بہ حدی کہ در آن دورہ در نثر فارسی معمول نہ بودہ است، و در ظاهر چنان بہ نظری رسد کہ او عمداً بہ این کار پرداختہ است.

و ما نمونہ نثر فارسی او را، کہ در آن لغات و ترکیبات و جملات فارسی سرہ آمدہ است، در کتاب تاریخ زبان فارسی خود آورده ایم.

اکنون بہ بیان سبک های معروف نثر فارسی در دورہ حکومت شاهنشاهان مغول تیموریہ می پردازیم.

۲۱- سبک شناسی "تالیف ملک الشعرا بہار، جلد سوم، مطبوعہ تہران ۱۳۲۶ ش، ص ۲۹۰.

۳- تاریخ زبان فارسی "تالیف نگارندہ مقدمہ، مطبوعہ کراچی، ۱۹۶۷ میلادی، ص ۲۳۰ تا ۲۳۵.

۱- نثر فنی

نویسندگان معروف این دورہ کہ آثار خود را در نثر فنی از خود باقی گذاشته اند، چہار نفر

ذیل بودہ اند :

۱- نور الدین محمد ظہوری ترشیزی (متوفی در ۱۰۲۵ھ / ۱۶۱۴م) مؤلف سہ نثر
و مینا بازار و پنج رقعہ،

۲- ملا طغرای مشہدی (متوفی در ۱۰۷۱ھ / ۱۶۶۰م) مؤلف رسائل و رقعات،

۳- مرزا نور الدین محمد ملقب بہ نعمت خان و متخلص بہ عالی (متوفی در ۱۱۲۱ھ /
۱۷۰۹م) مؤلف وقایح حیدر آباد و رسالہ در سبوح حکما و رقعات و

۴- مرزا عبدالقادر بیدل عظیم آبادی (متوفی در ۱۱۳۳ھ / ۱۷۲۱م) مؤلف
نکات و سہاریہ و چہار عنصر و رقعات .

از چہار نفر نویسنده فوق سہ نفر اول ایرانی و نفر چہارم اہل شہ قاہ بودہ است .

۲- نثر سادہ و فصیح

در دورہ زیر بحث آثار زیادہ در نثر سادہ و فصیح تالیف یافتہ است ، و یکی از آثار معروف
آن دورہ کتابی است موسوم بہ "توزک جہانگیری" تالیف جہانگیر ابن ابر شاہ کبیر (۱۰۱۴ تا ۱۰۳۷ھ /
۱۶۰۵ تا ۱۶۲۸م) .

جہانگیر صاحب نیک سادہ و فصیح بودہ ، و "توزک" او در سادگی و لطافت عبارات و مجسم ہنرمندی
و قایح مختلفہ در این نوع کتاب حاکم نظری باشد .

و ما نمونہ نثر فارسی اور در کتاب "تاریخ زبان فارسی" خود آورده ایم^۱.

۳- نثر فصیح عربی آمیز

نثر فصیح عربی آمیز نثری است کہ در آن لغات و ترکیبات عربی نیز آمده، و موجب افزایش فصاحت گردیده است، و این نوع نثر مورد پسند خوانندگان شبه قارہ قرار گرفته است، و در آن دورہ نمونہ های نثر فصیح عربی آمیز زیادہ بودہ است^۲.

۴- نثر سادہ و عربی آمیز

در بارہٴ سبک "نثر سادہ و عربی آمیز" می توان گفت کہ در آن دورہ بیشتری از کتاب حالی کہ بسبب مزبورہ تألیف یافتہ است، کتاب های دینی و عرفانی می باشد، و مؤلفین این نوع کتاب ها صوفیہ بودہ اند کہ با زبان عربی نیز دل بستگی می داشتند.

و بہ دلیل این کہ کتاب های دینی و عرفانی برای افادہٴ عوام القاس تألیف می یافت، عدہ زیادہ از این نوع کتاب ها بہ نثر سادہ نوشتہ شدہ است.

و نثر کتاب جواہر الاولیا نمونہ ایست از نثر سادہ و عربی آمیز، و مختصات نثر آن کہ در صفحہٴ مابعد آمده است، بر بیان ما شاهد می باشد.

۱- "تاریخ زبان فارسی" تألیف نگارندہٴ مقدمہٴ ص ۲۳۷ تا ۲۴۳.

۲- برای نمونہٴ نثر فصیح عربی آمیز رک "در بارہٴ ملی" مفتیجہ و مرتبہ شیخ محمد اکرام و دکتر حیدر قریشی، مطبوعہ لاہور ۱۹۶۱ میلادی، دیباچہٴ "سیر اکبر"

تألیف دارالشکوہ (متوفی در ۱۰۶۹/۱۴۵۸ م) ص ۲۸۶ تا ۲۸۸.

سید باقر بن سید عثمان بخاری که مُرشدِ دورهٔ خود بوده است، اگرچه کتاب جواهر الاولیا را چنان
که در صفحات گذشته آورده ایم، برای افادهٔ علوم الناس تألیف نموده است، ولی با زبان عربی و سبکی
خاصی داشته است. بنا بر این او با عبارات ساده، لغات و ترکیبات و جملات عربی نیز آورده است.

مختصات زبان جواهر الاولیا

سید باقر بن سید عثمان بخاری در مقدمهٔ مختصر جواهر الاولیا در بارهٔ دو موضوع خاص توضیح نموده است.
یکی این که او این کتاب را برای علوم خلق تألیف نموده است، چنان که می گوید:
”چون این ضعیف فائدهٔ چند از پدر خود و از کتاب های معتبر و از او را به های مشائخ بزرگ
و بعضی در سیر عالم و بعضی در چلها از بزرگان و اولیای مرحوم..... (۹) در مجلس حضرت
رسول الله، صلی الله علیه و علی آله وسلم، دیده و شنیده بودم، جمع کردم از برای علوم خلق.“
دوم این که عبارات عربی را به فارسی ترجمه کرده است، تا علوم الناس و اخلاف آنان مطالب
این کتاب را به آسانی بفهمند، و ازان استفاده کنند، چنان که می گوید:
”این فقیر به قدر خویش هر چه عربی بود، به پارسی در قلم آوردم، تا علوم الناس و فرزندان ایشان
در این رغبت نمایند، و از فائده بی بهره نمانند، و مواظبت کنند تا به مطالب و مقاصد دازین برسند.“
سید باقر بن سید عثمان بخاری هر چه در بارهٔ موضوع اول گفته است که کتاب جواهر الاولیا برای
علوم خلق تألیف یافته است، درست و راست گفته است.
ولی در بارهٔ موضوع دوم لازم است بگویم که ادعائی که او در بارهٔ ”ترجمهٔ عبارات عربی را به فارسی“
کرده است، تا علوم الناس بفهمند، درست نیست.

زیرا او با وجود ادعای فوق در این کتاب علاوه بر دعاها و وردها که به زبان عربی آمده است،

و ترجمہ چند جملہ و یک حکایت از کتاب اجزاء العلوم امام ابو حامد محمد غزالی^۱ از عربی بہ فارسی لغات و ترکیبات و جملات و عبارات عربی را از بس زیادہ آورده است کہ شمار آن حا از حساب بیرون است۔ در ضمن سبب نثر فارسی جواهر الادبیا فقط یک موضوع مہمی باقی است کہ باید آن را توضیح بدیم۔

در صفحات گذشتہ گفتہ ایم کہ ابو الفضل علامی (متوفی در ۱۱۰۱ھ / ۱۷۰۲م) اول کسی بودہ است کہ در دورہ شاعرانہ مغول تیموریہ سبب نثر فارسی را تغییر دادہ، و در تألیفات خود (از قبیل آئین اکبری) لغات و ترکیبات و جملات فارسی سرہ را بہ حدی استعمال کردہ است کہ در آن دورہ معمول زبودہ، و چنان بہ نظری رسد کہ او عمداً بہ این کار پرداختہ است۔

و نیز اشارہ کردیم کہ تأثیر سبب خاص ابو الفضل علامی و نثر جواهر الادبیا نیز دیدہ می شود۔ و جای بسیار تعجب است کہ در حدود یک قرن و نیم بعد از ابو الفضل علامی سید باقر بن سید عثمان بخاری در یک قریہ دور دست با وجود استعمال عربی زیادہ در کتاب جواهر الادبیا در جوارہ ہم این کتاب در بیان معانی نام معانی باری تعالی لغات و ترکیبات و جملات فارسی سرہ را بہ حد زیادہ استعمال کردہ است و ما ذکر آن را در بیان مختصات زبان جواهر الادبیا در صفحات مابعد بہ تفصیل آورده ایم۔ اکنون بہ بیان مختصات زبان جواهر الادبیا می پردازیم؛ و در آغاز مطالعہ مختصات زبان باید توجہ فرمود کہ تمام مثال حائی کہ ما در ضمن مختصات زبان در این صفحات آورده ایم بہ ترتیب حروف نتیجی است۔

۱- اصطلاحات دینی (عربی و فارسی)

اصطلاحات دینی عربی و فارسی در جواهر الادبیا زیاد آمدہ است، و ما از ہر یک از این نوع

۱- جملہ حا و حکایت را کہ مؤلف از عربی بہ فارسی ترجمہ کردہ است، در ضمن مختصات زبان جواهر الادبیا در صفحات مابعد آوردم۔

اصطلاحات مثال ما در ذیل می آوریم:

(ا) اصطلاحات دینی عربی

آخرت.	آیات.	استخاره.	اصحاب.	اعتکاف.
اقامت.	اقتدا.	ایمان.	باری تعالیٰ.	برأت
تسمیہ.	تہجد.	ثواب.	جبروتی.	جماعت.
حج.	حج اکبر.	حدیث.	حضرت.	حقانی.
ختم.	خطبہ.	دعا.	دعوت.	رسول.
رکعت.	روضہ.	زیارت.	سعادت.	سکرات.
سنت.	سنت مؤکدہ.	شہادت.	شہید.	شیطان.
صلوٰۃ.	صلوات.	طاعت.	ظہر.	عباد اللہ.
عبادت.	غذاب.	عشا.	عصر.	عمرہ.
عید.	عید الاضحیٰ.	عید الفطر.	فجر.	فراغ.
قبلہ.	قدرت.	کائنات.	کعبۃ اللہ.	لاہوتی.
متبرکک.	مصافحہ.	مغرب.	ملکوتی.	مناجات.
موجد.	ناسوتی.	نبوت.	نبی.	نیت.
وسوسہ.	حدایت.			

(ب) اصطلاحات دینی فارسی

آدینہ.	بامداد.	بانگ.	بد.	بدی.
بزرگ.	بزرگی.	بہشت.	پاک.	پاکی.
پہل (صراط).	پناہ.	پیشین (نماز).	پہنبر.	جامہ.
جامہ پاک.	جامہ نو.	جان.	چاشت (نماز).	خدا.

۳۔ مصادر عربی خالص

مصادر عربی خالص در جواہر الاولیا زیاد آمدہ است ، و ما مثال های این نوع مصادر را در

ذیل می آوریم :

اختصار.	اختتام.	احتراز.	اجابت.	اتحاد.
ازدیاد.	ارشاد.	ارتیاب.	اخلاص.	اختلاف.
اعتکاف.	اعقاد.	استغفار.	استعراق.	استعانت.
انقیاد.	انصرام.	انتماس.	اقتدا.	اقامت.
تدبیر.	تخلیص.	تجسس.	تجدید.	انقضا.
تسمیه.	تسخیر.	تشییح.	ترتیب.	تربیت.
تصویر.	تصفیه.	تصحیح.	تشویش.	تتخیف.
تکبیر.	تقدیر.	تفرق.	تناقل.	تعظیم.
تواضع.	تنفر.	تتجم.	تتکریم.	تتکار.
توکل.	توقف.	توفیق.	توتل.	توتع.
دعوت.	خلافت.	جلالت.	تیسیر.	تتلیل.
عداوت.	عبادت.	زیارت.	رغبت.	رسالت.
کفایت.	کرامت.	قیامت.	تقاعت.	تواعظ.
ولایت.	مواظبت.	معاینه.	مشاهدت.	مخالفت.

۴۔ ترکیبات عربی خالص

ترکیبات عربی خالص در جواہر الاولیا زیادہ آمدہ است ، و ما مثال های این نوع ترکیبات

را در ذیل می آوریم :

آخر الزمان .	ابو الرضا .	ابو المنظر .	ابو المکارم .	ارحم الراحمین .
اکل الحلال و الجنب الحرام .	انفقیر الحقیر .	اهل القبور .	بمنہ و کمال کرمہ .	
بیت المقدس .	بین الانس و الجن .	بین الجلال و الجمال .	تحتیة الوضوء .	جلیل القدر .
جواہر الاولیا .	حسب المدعا .	خمس الخلفا الاربعہ الراشدین .	دار البقا .	
دار الجنة .	دار الفنا .	دار النعمۃ .	داعی الی اللہ تعالیٰ .	رب العالمین .
رجال الغیب .	رمضان المبارک .	روضۃ من ریاض الجنة .	سریع الاجابت .	سلیم الجوارح و صحیح البدن .
سورة الفاتحہ .	صحیح النسب .	عالم السر و الخفیات .	عالم الغیب و الشهادة .	عشرة المبشرہ .
عقد العین .	عقد اللسان .	عقد التوم .	علیٰ هذا القیاس .	علا بناء الکعبۃ .
عن قریب الایام .	عوام القاس .	عید الاضحیٰ .	عید الفطر .	فی التاريخ الخامس عشر .
کعبۃ اللہ .	لا شک و لا شبهة .	ما وراء النهر .	متعذر الوصول .	مسبب الاسباب .
مستجاب الدعاء .	مستجاب الدعوة .	مقبول القول .	مُبلک الارواح .	
مناجات المرسلین و الصحابة و الصالحین .	من شہر جب .	منقول عنہ .	نبوة البنی .	
واهب العطايا .				

۵۔ جملات عربی خالص

جملات عربی خالص نیز در جواہر الاولیا زیاد آمدہ است ، و ما مثال های این نوع جملات را

در ذیل می آوریم :

- ۱۔ الہی ! احمیتہ و طول عمرہ ،
- ۲۔ اما بعد فیقول الفقیر الحقیر اضعف عباد اللہ ،
- ۳۔ انشاء اللہ تعالیٰ ،
- ۴۔ جل جلالہ و عم نوالہ ،

- ۵- رحمة اللہ علیہم،
- ۶- رضوان اللہ تعالیٰ علیہ،
- ۷- رضی اللہ تعالیٰ عنہ،
- ۸- رضی اللہ تعالیٰ عنہما وارضاه جعل الحجۃ الفردوس مشواہ،
- ۹- رفع اللہ درجاتہ،
- ۱۰- روح روح اسلافہ و اخلافہ،
- ۱۱- (بیستم) شہر رمضان سنہ احدی و ثمانین و سبعمایۃ من الهجرة،
- ۱۲- صلوات اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین،
- ۱۳- صل اللہ علیہ و آلہ وسلم،
- ۱۴- علی نبینا و علیہ الصلوٰۃ والسلام و آلہما،
- ۱۵- علیہ الصلوٰۃ والسلام،
- ۱۶- علیہم الرحمۃ والرضوان،
- ۱۷- علیہم و آلہم الصلوٰۃ والسلام،
- ۱۸- علیہ و علیہم الصلوٰۃ والسلام و آلہ و آلہم،
- ۱۹- غفر اللہ ذنوبہما بلطفہ و ستر عیبہما بکمال عفوہ،
- ۲۰- فی التاریخ الخامس عشر من شہر رجب سنہ احدی و ثمانین و سبعمایۃ،
- ۲۱- قال النبی، صل اللہ علیہ و آلہ وسلم،
- ۲۲- قدس اللہ تعالیٰ سرہ،
- ۲۳- قدس اللہ تعالیٰ مرقدہ،
- ۲۴- کرم اللہ تعالیٰ وجہہ،
- ۲۵- لولا تعرفت ما عرف التصوف،
- ۲۶- مرحوم من الدنیا و احیا الی وار البقاء،
- ۲۷- مرشد الکامل المکمل الواصل الموصول الی اللہ العزیز،

- ۲۸- من قرء هذا الاسم بعد كل صلاة احد عشر مرة تقضى كل حاجة من الدنيا والآخرة،
 ۲۹- نفع الله المسلمين بطول بقائك و نورنا بنور تقائك في الآين،
 ۳۰- والله تعالى اعلم بالصواب،
 ۳۱- وبالله التوفيق على الاتمام،
 ۳۲- يا حي يا قيوم ! برحمتك يا استغيث .

۶- مصادر عربی به طریق فارسی

(که در قدیم به اضافه "تای مصدی" می آمد)

این نوع مصادر نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های این نوع مصادر را در ذیل

می آوریم:
 بخیلی . سلامتی . کاحل . محتاجی . مشغولی . هلاکی .

۷- جمع لغات عربی به قاعده عربی

جمع لغات عربی به قاعده عربی در جواهر الاولیا زیاد آمده است، و مثال های این نوع جمع لغات

عربی را در ذیل می آوریم:

آبا .	آثار .	آفات .	آیات .	ابدال .
ابواب .	احباب .	احکام .	اخبار .	ارواح .
اسلح .	اسما .	اشاعره .	اشجار .	اشرار .
اشراف .	اصحاب .	اعضا .	اعمال .	اقربا .

اکابر .	اُمرا .	املاک .	انوار .	اوراد .
اولاد .	اولیا .	بلیات .	بہائم .	جواہر .
حاجات .	حشرات .	حکایات .	حواشی .	حیوانات .
خصائل .	خلائق .	خوارج .	خوارق .	خیالات .
دقائق .	رسل .	سادات .	سبل .	سکرات .
سلاطین .	تیارات .	صفات .	صلوات .	طاهرین .
طیبین .	طیور .	عجائب .	عرصات .	عقیقات .
علوم .	عوام .	غرائب .	غنائم .	فواج .
کائنات .	کیبار .	کرامات .	کنوز .	کواکب .
محفیات .	مذکورات .	مرادات .	مشائخ .	مصالح .
مطالب .	معارف .	معجزات .	مغنیات .	مقاصد .
مقصودات .	ملفوظات .	ملوک .	منافع .	مناسی .
موتکلات .	مہمت .	نفوس .	وحوشس .	

۸- جمع لغات عربی بہ قاعدہ فارسی

جمع لغات عربی بہ قاعدہ فارسی در جواہر الاولیا زیاد آمدہ است ، و ما مثال های این نوع جمع لغات عربی را در ذیل می آوریم :

(۱) جمع لغات عربی بہ قاعدہ فارسی برای جانداران

بہ اضافہ "ون" در آخر واحد

آستان . امیران . تائبان . حاجیان . حاسدان .

حاضران.	کبان.	خادمان.	خاصان.	خصمان.
مخلفان.	روحانیان.	زاهدان.	ساحران.	شہیدان.
صالحان.	صدیقیان.	ظالمان.	عابدان.	عاصیان.
عزیزان.	غائبان.	غازیان.	غداران.	غمازان.
غنیان.	فاستقان.	فقیران.	کافران.	مستقیان.
مجاوران.	مخالفتان.	مریدان.	مصطفیان.	معاندان.
مفسران.	مکاران.	منافقان.	مؤمنان.	

(ب) جمع لغات عربی بہ قاعدہ فارسی برای بی جان ها
بہ اضافہ "ہا" اور آخر واحد:

آفت ہا.	بلا ہا.	تشویش ہا.	حاجت ہا.	خلد ہا.
خزانہ ہا.	خزینہ ہا.	خوف ہا.	دقینہ ہا.	سلاح ہا.
سورہ ہا.	صورت ہا.	ضرر ہا.	طبق ہا.	عطا ہا.
علت ہا.	علم ہا.	عیب ہا.	غم ہا.	قبر ہا.
کتاب ہا.	کرامت ہا.	کلام ہا.	مصیبت ہا.	مقصود ہا.
نعمت ہا.	وسوسہ ہا.			

۹۔ جمع لغات فارسی بہ قاعدہ عربی

در مورد جمع لغات فارسی بہ قاعدہ عربی در جواہر الاولیا تنها یک لغت ذیل پیدا شد کہ در این

کتاب دوبار آمدہ است.

باتین (جمع بستان).

۱۰۔ جمع لغات فارسی بہ قاعدہ فارسی

جمع لغات فارسی بہ قاعدہ فارسی در جواہر الاولیا زیاد آمدہ است ، و ما مثال های این نوع جمع

را در ذیل می آوریم :

(ا) جمع لغات فارسی بہ قاعدہ فارسی برای جان داران بہ اضافه

"اون" در آخر واحد مفرد یا مرکب :

۱۔ جمع لغات مفرد :

بخاریان	بزرگان	بہشتیان	پریان	پیران (= کمن سالان)
پیران (= مرشدان)	پیغمبران	درویشان	دزدان	دُشمنان
دیوان	زنان	زنان	سوانان	شاگردان
طفالان	فوزندان	کاروانیان	کرمان	گواہان
گوسفندان	شکریان	مردمان	مرغان	مستران
نیکان	نمازیبان	پاران		

۲۔ جمع لغات مرکب

بدخواهان	پرہیزگاران	جادوگران	راہ زنان
----------	------------	----------	----------

(ب) جمع لغات فارسی بہ قاعدہ فارسی برای بی جان ها

بہ اضافه "ا" و "و" در آخر واحد :

آماس ها	برگ ها	بیماری ها	تازیانه ها	پنل ها (= چلہ ها)
چہرہ ها	چیز ها	خانہ ها	خواب ها	درد ها
ذندان ها	رنج ها	روزها	کوشک ها	میوہ ها

وج، لغات واحد فارسی برای جان داران که در آخر آن ها

"ک" باشد، در صورت جمع "ک" تبدیل به "گ" می شود؛

و در آخر آن ها "ون" اضافه کنند؛

این نوع جمع لغات فارسی نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های این نوع لغات

را در ذیل می آوریم:

آفریدگان.	بندگان.	پرندگان.	چرندگان.	وزندگان.
شنوندگان.	فرشتگان.	گزندگان.		

۱۱- جمع خلاف قاعده

جمع خلاف قاعده نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های این نوع جمع را در ذیل

می آوریم:

۱- در صورت جمع برای جان داران به اضافه "ک" در آخر واحد؛
مثال: قجه ها به جای قجگان.

۲- در صورت جمع برای بی جان ها به اضافه "ون" در آخر واحد؛

مثال های این نوع جمع را در ذیل می آوریم:

ورختان به جای درخت ها.

شبان به جای شب ها.

گناحان به جای گناه ها.

۱۲- جمع الجمع

جمع الجمع نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های این نوع جمع را در ذیل می آوریم:

۱- جمع الجمع به قاعده عربی :

ادعیات جمع ادعیه ، و ادعیه جمع دُعا .
فتوحات جمع فتوح ، و فتوح جمع فتح .
مقاصد جمع مقاصد ، و مقاصد جمع مقصد .

۲- جمع الجمع به قاعده فارسی :

(ا) برای جان داران به اضافه "ان" در آخر جمع :

مثال ها در ذیل :

ساداتان جمع سادات ، و سادات جمع سید .
عورتان جمع عورت ، و عورت جمع عورت .
مشائخان جمع مشائخ ، و مشائخ جمع شیخ .
ملائکان جمع ملائک ، و ملائک جمع ملک .

ملوکان جمع ملوک ، و ملوک جمع ملک .

(ب) برای جان داران به اضافه "ی ان" در آخر جمع :

مثال : مایان جمع ما ، و ما جمع من .

(ج) برای جانداران به خلاف قاعده ، یعنی به اضافه "ا" در آخر جمع :

مثال ها در ذیل :

اعداها جمع اعدا ، و اعدا جمع عدو .

اولادها جمع اولاد ، و اولاد جمع ولد .

موتکلاتها جمع موتکلات ، و موتکلات جمع موتک .

(د) برای بی جان ها به اضافه "ا" در آخر جمع :

مثال ها در ذیل :

خزائنها جمع خزائن ، و خزائن جمع خزانه .

شرایطها جمع شرایط ، و شرایط جمع شرط .

مجانِبِ ها جمعِ مِجانِبِ ، و مِجانِبِ جمعِ مِجِيبِہ .
 قُبُورِ ها جمعِ قُبُورِ ، و قُبُورِ جمعِ قَبْرِ .
 کُواکِبِ ها جمعِ کُواکِبِ ، و کُواکِبِ جمعِ کُوکِبِ .
 (۵) جمعِ اِلمِجِ خِلافِ قاعِدِہ :

مِثال: دَرخِانِ ها بِہِ جِایِ دَرخِتِ ها ، و دَرِ اِینِ کِتابِ
 دَرخِانِ ها جمعِ دَرخِانِ ، و دَرخِانِ جمعِ دَرخِتِ .

۱۳- تشنیہ

تَشْنِیْہُ نِیزِ دَرِ جِواہِرِ الاوَلِیَا آمَدِہُ اسْتِ ، و ما مِثالِ ها یِ تَشْنِیْہُ را دَرِ ذِیلِ میِ اَدْرِیمِ :

اَرَضِیْنِ .	اَرْمِیزِیْنِ .	حَرَمِیْنِ .	دَارِیْنِ .	سَبْطِیْنِ .
شَرِیفِیْنِ .	قَبْرِیْنِ .	قَوَسِیْنِ .	کَوْنِیْنِ .	مَشْرِقیْنِ .
مَعُوذِیْمِیْنِ .	نَعْلِیْنِ .	وَالِدِیْنِ .	یَدِیْنِ .	

۱۴- تطابِقِ صِفَتِ مُوصُوفِ

مِرکَباتِ تَوصِیفِیِ کِہِ دَرِ اَنِّ صِفَتِ مُطابِقِ بِہِ مُوصُوفِ آمَدِہُ اسْتِ ، نِیزِ دَرِ جِواہِرِ الاوَلِیَا آمَدِہُ
 اسْتِ ، و ما مِثالِ ها یِ اِینِ نِوعِ "مِرکَباتِ تَوصِیفِیِ" را دَرِ ذِیلِ میِ اَدْرِیمِ :

بزرگانِ بخاریان	پیرانِ بخاریان	پیرانِ قادریان	زنانِ بدخواهان
ساداتِ بخاریان	ساداتِ بکریان	ساداتانِ (جمعِ اِلمِجِ) بخاریان	

۱۵- ترکیبات عربی و فارسی

ترکیبات عربی و فارسی در جواهر الاولیا زیاد آمده است، و ما مثال های این نوع ترکیبات را در

ذیل می آوریم:

(ا) ترکیبات عام عربی و فارسی:

ابدال سالار.	رحمن زده.	حرام زاده.	حق شناس.	حلال زاده.
دباغت کرده.	دولت مند.	رسالت پناه.	زیارت گاه.	سحر زده.
سحر گاه.	سعادت مند.	سیادت پناه.	شرافت دستگاه.	شامل نامه.
طواف کننده.	عیب دار.	غریب دوست.	غیبت کننده.	فرمان بردار.
قرض دار.	کرامت دستگاه.	نجابت دستگاه.	نقابت پناه.	

(ب) ترکیبات خاص عربی و فارسی:

(که به صورت صفات خداوندی آمده است)

اجابت کننده.	امن و هنده.	تدبیر کننده.	توفیق دهنده.	جمع کننده.
حکم کننده.	دفع کننده.	صحت دهنده.	ظاهر کننده.	عطا دهنده.
غلبه کننده.	قبول کننده.	محو کننده.	منع کننده.	موجود کننده.
میراث برنده.	نعمت دهنده.			

۱۶- محاورات عربی و فارسی

محاورات عربی و فارسی در جواهر الاولیا زیاد آمده است، و ما مثال های این نوع محاورات را در

ذیل می آوریم:

برکت دادن .	ایمن بودن .	امان یافتن .	ارشاد کردن .
تضرع کردن .	تصور کردن .	تبرک جستن	تائب شدن .
حصار گرفتن .	حرز ملازمت کردن .	حاجات برآمدن .	تجکیر گفتن .
در قلم آوردن .	خلاص یافتن .	خلاص شدن .	خرقه پوشیدن .
عالم مسخر گردیدن .	سخر باطل گردیدن .	رغبت نمودن .	دفع شدن .
غرق شدن .	عقد اللسان کردن .	عطا کردن .	عالم مکشوف گردیدن .
فرح یافتن .	فتنه گردانیدن .	غنی گردانیدن .	غضب بر طرف شدن .
مشکلم شدن .	مائل شدن .	کفایت گردیدن .	قبول افتادن .
مسخر کردن .	مستجاب الدعوة گردیدن .	مکب راندن .	محتاج شدن .
ملاطت افزودن .	مکشوف شدن .	مطیع شدن .	مشرف شدن .
متپا گردیدن .	مواظبت کردن .	منقاد گردیدن .	مقت کشیدن .
نکبت رسیدن .	نصیب شدن .	نصرت یافتن .	میراث یافتن .
	یکفی گردیدن .	وقوف یافتن .	وارد شدن .

۱۷- ترکیبات فارسی و عربی

ترکیبات فارسی و عربی در جواهر الاولیا کم آمده است، و ما مثال های این نوع ترکیبات را در

ذیل می آوریم :

ستوده اوصاف .

خوش برهان .

چگ رزق .

۱۸. نهضت سره نویسی (در ایران)

در موضوع دور نمای تاریخی زبان فارسی در دوره تألیف کتاب جواهرالاولیا در صفحات گذشته شرح داده ایم که در دوره مزبوره در شبه قاره پاکستان و هند استعمال فارسی سره به عمل آمده است، و در دوره شاهنشاهی مغول تیموریه اول کسی که به استعمال فارسی سره در تألیفات خود مبادرت نموده است، ابوالفضل علامی بوده است.

در ضمن این موضوع مختصری از نهضت سره نویسی را که در ایران آغاز و پیشرفت نموده است بیان می نمایم.

استعمال فارسی سره در ایران از قدیم بوده است، و اول کسی که پاره های فارسی سره در آثار او یافت می شود، خواجه عبدالله انصاری (متوفی در ۵۴۸۱/۱۰۸۸ م) بوده است. و از آن دوره به بعد در ایران چندین نفر از نویسندگان بوده اند که در آثار خود به استعمال فارسی سره پرداخته اند، و نمونه های فارسی سره، که در آثار آنان موجود می باشد، در کتاب پاری نغز تألیف آقای علی اصغر حکمت آمده است.

و پاره های فارسی سره که در کتاب پاری نغز آمده است، از همه آن ها همتر مقاله مفصل در فارسی سره به عنوان "سرگذشت فرهنگستان ایران" به قلم خود آقای علی اصغر حکمت می باشد. نهضت سره نویسی در ایران در عصر جدید پیشرفت خاصی نموده، و عده زیادی از طرف داران سره نویسی به وجود آمده اند.

ولی از گروه سو نویسان در ایران شخصی که بیشتری از عمر خود را در سره نویسی و در حمایت فارسی سره گذرانیده و بالاخره در سال ۱۳۲۴ (شمسی/ ۱۹۴۵ میلادی) جان خود را در این راه باخته، سید احمد کسروی تبریزی بوده است.

۱- پاری نغز تألیف علی اصغر حکمت، مطبوعه تهران، ۱۳۳۰ خورشیدی.

ناگفتہ نمائند کہ باوجود این کہ نہضتِ سرہ نویسی در ایران پیشرفتِ خاصی نموده است ، ولی گروہ بزرگی از ادبا و نویسندگانِ ایرانی کہ طرفِ دایرِ سبکِ قدیم می باشند ، و استعمالِ لغاتِ عربی را در فارسی جائز می شمارند ، مخالفِ نہضتِ سرہ نویسی بوده ، و عقاید و نظریاتِ خود را با دلائلِ محکم در صورتِ مقالاتِ مفصلی در جرائد و مجلاتِ ایران منتشر نموده اند .

و ما شرحِ مختصری از نہضتِ سرہ نویسی در ایران و نمونہٴ فارسی از سید احمد کسروی تبریزی در کتاب "تاریخ زبان فارسی" خود آورده ایم .^۱

۱۹۔ نہضتِ سرہ نویسی در شبرہ قارہٴ پاکستان و ہند

در موضوعِ دورِ نمایِ تاریخی زبانِ فارسی در دورہٴ حکومتِ شانشاہانِ مغولِ تیموریہ در ضمنِ سبکِ های نثرِ فارسی در بارہٴ اقداماتی کہ ابو الفضلِ علامی در استعمالِ فارسی سرہ در آثارِ خود بہ عمل آورده است ، اشارہ نموده ایم ، و نیز گفتہ ایم کہ یک قرن و نیم بعد از ابو الفضلِ علامی سید باقر بن سید عثمان بخاری ہمت بر این کار گماشتہ ، و در جواہرِ دوم کتابِ جواہرِ الادبیا در بیانِ معانی نامہای باری تعالی لغات و ترکیبات و جملاتِ فارسی سرہ را آورده است ، و علی سرہ نویسی از جانبِ سید باقر بن سید عثمان بخاری در دورہٴ ای کہ سرہ نویسی در شبرہ قارہ معمول نہ بودہ است ، موجبِ بسیارِ تعجب است .

آخرینِ نویسندہ ای کہ توجیہٴ خاصی بہ استعمالِ فارسی سرہ کردہ ، و آثاری در فارسی سرہ از خود باقی گذاشتہ است ، اسد اللہ خان غالبِ ہلوی (متوفی در ۱۲۸۶ھ / ۱۸۶۹م) بودہ است . و ما شرحِ مختصری از نہضتِ سرہ نویسی در شبرہ قارہٴ پاکستان و ہند و نمونہٴ فارسی سرہ از اسد اللہ خان غالبِ ہلوی در کتاب "تاریخ زبان فارسی" خود آورده ایم .^۲

۱- "تاریخ زبان فارسی" تألیفِ نگارندہٴ مقدمہٴ مطبوعہٴ کراچی، ۱۹۶۲ میلادی، ص ۱۹۲ تا ۲۰۳ . ۲- ایضاً: ص ۲۳۶ تا ۲۵۳ .

اکنون به بیان استعمال فارسی سره در جواهر دوم کتاب جواهر الاولیا می پردازیم:

۲- استعمال فارسی سره در جواهر دوم جواهر الاولیا

(د) نام های باری تعالی که در معانی آن لغات و ترکیبات و جملات فارسی سره آمده است:

معانی در فارسی سره	نام های باری تعالی
پادشاه همه چیزها ،	یا مُلک
کام گار و راست آرنده کارهای مردمان ،	یا جبار
شکننده کام های بندگان و میراننده زندگان ،	یا قهار
کشاینده کارهای مردمان را ،	یا قحاح
دانا به هر چیزها ،	یا علیم
خوار کننده بندگان را ،	یا مذل
داد و هدیه هر داد خواهی را ،	یا عذل
آگاه به همه چیزها ،	یا خبیر
بزرگ وار و بزرگ ،	یا عظیم
بلند و بزرگ بر همه چیزها ،	یا کبیر
بزرگ و گرامی و آرنده ،	یا کریم
بزرگ وار بر هر چیزی ،	یا مجید
گواه راست ،	یا شهید
بندگان را نگاه بان و راست آرنده کارها ،	یا وکیل
دوست و نگاه بان و کار کننده ،	یا ولی

معانی در فارسی سره	نام های ماری تعالی
زنده کننده مُردگان را ،	یا محی
میراننده زندگان را ،	یا ممیت
توانگر کننده ،	یا واجد
بزرگ است ،	یا ماجد
یکی است ،	یا واحد
تواننده ،	یا مقدر
آن که همیشه باشد ،	یا آخر
پنهان از چگونگی و داننده کارهای پنهان ،	یا باطن
سازنده کارهای بندگان ،	یا والی
برتر و پاک ،	یا متعال
کینه و داد ستاننده ،	یا منتقم
بسیار مهربان تر ،	یا رؤف
خداوند پرورنده ،	یا رب
داد کننده و داد دهنده ،	یا مقسط
روشن کننده آسمان و زمین را ،	یا نور
راه راست نماینده ،	یا هادی
نو آفریدگار ،	یا بدیع
آن که همیشه باشد ،	یا باقی
راه راست نماینده ،	یا رشید
شکیبائی کننده .	یا صبور

(ب) نام های باری تعالی که در معنی هر یک از آن ها فقط یک لغت عربی آمده است:

معانی در فارسی سره	نام های باری تعالی
اوست و به جز او دیگر هیچ نیست،	یا هو
روزی دهنده همه مخلوقات،	یا رحمن
مهربان تر از همه مخلوقات،	یا رحیم
پاک از همه عیب ها،	یا قدوس
بی عیب از نگاهش،	یا سلام
گواه راست بر اعمال بندگان،	یا نصیحت
غلبه کننده بر همه چیزها،	یا عزیز
نگارنده چهره ها و صورت ها به آفرینش گوناگون،	یا مصور
آمرزگار گناهانِ بندگان و پادشده عیب های بندگان،	یا غفار
بخشنده بسیار عطا ها به بندگان!	یا ودّاب

(ج) نام های باری تعالی که در معنی هر یک از آن ها فقط دو لغت عربی آمده است:

معانی در فارسی سره	نام های باری تعالی
آفریننده هر چیزی به صفت و خاصیت،	یا باری
نگاه دارنده بندگان خود را از آفت <u>حادثا</u> ها،	یا حفیظ
بزرگ وار به ذات و صفات خود،	یا جلیل
اجابت کننده دعای بندگان را،	یا مجیب
شمار کننده کلیات و جزئیات!	یا معصی

در آخر شرح استعمالِ فارسی سرہ در جواہر دوم کتاب جواہر الاولیا از جانب سید باقر بن سید عثمان بخاری لازم می دانیم عقیدہ خود را در این بارہ بیان بنماییم۔
 بہ عقیدہ ما سید باقر بن سید عثمان بخاری کہ علاقہ زیادی با زبانِ عربی داشتہ، و عربی را بہ حد زیادہ در جواہر الاولیا آوردہ است، مانند ابوالفضلِ علامی مخترعِ فارسی سرہ نہ بودہ است، بلکہ او معانی نامِ های باری تعالیٰ را در فارسی سرہ از کتابی آوردہ است کہ در دورہٴ قدیم تالیف یافتہ، و در دستِ رس او بودہ است، و نامِ آن را در جواہر الاولیا بہ صراحت نہ گفتہ است۔
 البتہ چیزی کہ مایہٴ تعجب می باشد، این است کہ او بعد از جستجو و تفحصِ خاصی معانی نامِ های باری تعالیٰ را کہ در فارسی سرہ آمدہ است، بہ دست آوردہ، و در کتاب جواہر الاولیا درج نمودہ است۔

۲۱- لغاتِ فارسیِ خالص

و علاوہ بر جواہر دوم کتاب جواہر الاولیا لغاتِ فارسیِ خالص در جا های دیگر نیز آمدہ است۔
 و ما مثال های این نوع لغاتِ فارسیِ خالص را در ذیل می آوریم:

۱) لغاتِ عامِ فارسیِ خالص:

آب۔	آدینہ۔	آزار۔	آفتاب۔	آواز۔
آمن۔	امروز۔	اندرون۔	اندوہ۔	اندیشہ۔
بار۔	بانگ۔	بزرگ۔	بسیار۔	بند۔
بندہ۔	بہشت۔	نبی۔	پا۔	پادشاہ۔
پادشاہی۔	پارسی۔	پارہ۔	پدر۔	پری۔
پسر۔	پشت۔	پیر (کهن سال)۔	پیر (مُرشد)۔	پیری۔
تائیک۔	تازہ۔	تہا۔	جگ۔	جوان۔
چلہ۔	چوب۔	چل۔	چیز۔	خاک۔

خانہ	خزود	خزود	خزود	خواب
خوانندہ	خویش	دایہ	درو	درست
درمیان	درندہ	درو	دست	دشت
دشمن	دل	دور	دیگر	دیگران
دیو	راست	رہ	رخت	روز
روزگار	روش	روشن	روشنائی	روشنی
زار	زال	زر	زندان	زندہ
زیان	سال	سایہ	سفید	سنگ
سیاہ	سیاہی	سیرہ	شاہ	شب
شکم	شیر	غار	فراوان	فیل
کار	کشتی	کلان	کنہ	گاہی
گرد	گرگ	گرہ	گناہ	گور
گوشش	گویا	گہوارہ	مادر	ماہ
مردہ	مہر	میان	میوہ	نام
نبیرہ	نگاہ	نماز	ہفت	ہمیشہ
یار	یگانہ			

(ب) لغات فارسی خالص بہ صورت صفات خداوندی (غیر از انسانی کہ در جواهر دوم جواهر اللولیا

آمدہ است) و ما مثال های این نوع لغات را در ذیل می آوریم:

آموزندہ	بینندہ	بخشایندہ	بخشندہ	پذیرندہ
پوشندہ	خواشندہ	دانشندہ	دوزندہ	شکندہ
شنوندہ	گیرندہ			

۲۲- ترکیبات فارسی خالص

(غیر از آنی کہ در جواہر دوم جواہر الاولیا آمدہ) و ما مثال های این نوع ترکیبات را در ذیل می آوریم:

(ا) ترکیبات عامہ فارسی خالص.

آب ندیدہ.	آب زسیدہ.	آتش زسیدہ.	ارج مند.	بادزودہ.
بخت بستہ.	بزرخالہ.	بزہ کار.	بوستان.	پیایی.
جای گاہ.	خداشناس.	خواب گاہ.	ویگ دان.	دل گیر.
دوہان.	زندہ دل.	ژندہ پیل.	سبز فام.	سرتراشیدہ.
سنگ ریزہ.	شبان روزی.	شبان گاہ.	شب خیز.	شب خیزی.
گاہ گاہ.	گم شدہ.	گورستان.	گوشہ نشین.	گوناگون.
مادہ گادان.	نیک بخت.	نیک زادہ.	نیکو روی.	نیم شب.
ہیزم فروش.				

(ب) ترکیبات فارسی خالص کہ بہ صورت صفات خداوندی آمدہ (و غیر از آنی کہ در جواہر دوم)

جواہر الاولیا آمدہ است) و ما مثال های این نوع ترکیبات را در ذیل می آوریم:

آرزو بخش.	امید رسانندہ.	بر آرنندہ.	دست گیر.
دوست دار.	روزی دہندہ.	فریادرس.	کار ساز.

۲۳- محاورات فارسی خالص

محاورات فارسی خالص نیز در جواہر الاولیا آمدہ است، و ما مثال های این نوع محاورات را

در ذیل می آوریم:

آبادان شدن.	آراسته گردیدن.	آشفته بودن.	آشنائی کردن.
آمزشش خواستن.	آمزیده شدن.	آه کشیدن.	آهنگ جان داشتن.
از راه رفتن.	انگیخته شدن.	بار گرفتن (حامله شدن).	باز یافتن.
بخت بسته شدن.	برانگیرانیدن.	بر دست دمیدن.	بسته شدن.
بلند گردانیدن.	بلند گردیدن.	به تیغ آوردن.	به خاک سپردن.
بیزار شدن.	بی نیاز شدن.	بی بهوش شدن.	پسندیده بودن.
پیش آمدن.	پیوسته خواندن.	تونگر گردانیدن.	تونگر گردیدن.
در جنگ پشت دادن.	در خواب دیدن.	درود فرستادن.	دروغ گفتن.
دست گیری کردن.	راست کردن.	راست گفتن.	رواشدن.
روزی شدن.	روزی گردانیدن.	روشن گردیدن.	ریسمان بستن.
زار زار گریستن.	زاری کردن.	زر شدن.	زهر فرود آمدن.
زیان رسانیدن.	زیر و زبر کردن.	سرخ رو گردیدن (از عمده کاری برآمدن).	سرخ رو گردیدن.
سرنگون کردن.	شادمان شدن.	شرمنده گردانیدن.	فرود آمدن.
فرود مالیدن.	کار از سر گرفتن.	کار بسته شدن.	کشاده گردیدن.
گذران کردن (زندگی بسر کردن).	گهربزان شدن.	گنج نمودن.	گور کاویدن.
مانده شدن.	نگاه داشتن.	نماز گذاردن.	دام دوخته گردیدن.

۲۴- اسم معنی فارسی

(در ایران) و اسم حاصل مصدر فارسی (در شبه قاره)

این نوع اسم ها در جواهرالاولیا کم آمده است، و ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم:

آمزشش (سه بار) روشش (یک بار)

۲۵- اسم معنی فارسی

(در ایران) و اسم حاصل مصدر (در شبیه قاره) به اضافه
"پای مصدری" در آخر لغت:

این نوع اسم ها در جواهر الاویلیا آمده است، و ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم:

(ا) لغات مفرد:

بدی.	تلخی.	خوبی.	دروغی.	درویشی.	دشمنی.
دشواری.	دوستی.	راستی.	رسوائی.	فراخی.	فرامویشی.
نزدیکی.	نیکی.				

(ب) لغات مرکب:

بد خونی.	بد فعلی.	بد نامی.	بزرگ واری.	بر خورداری (= اطاعت).
بی کسی.	پرهیزگاری.	توان گری.	دروغ گوئی.	دل گوری.
دل گیری.	راست گوئی.	راه نمونی.	رست گاری.	سرگردانی.
کم خوری.				

۲۶- یک نوع دیگر از اسم معنی فارسی

(در ایران) و اسم حاصل مصدر فارسی
(در شبیه قاره)

لغات فارسی که در آخر آن ها "ه" باشد، در صورت اِهم معنی (یا اِهم حاصل مصدر) "ه" مبتدل به "گ" می شود، و در آخر آن "پای مصدری" اضافه کنند، این نوع اسم های معنی یا اِهم حاصل مصدر در جواهر الاویلیا آمده است، و ما مثال های آنها

را در ذیل می آوریم :

دیوانگی .	درماندگی .	چگونگی .	تشنگی .	بندگی .
یگانگی .	همسنگی .	مردگی .	گرسنگی .	شرمندگی .

۲۷- استعمال لغات فارسی به معنی خاص

در شبہ قارہ پاکستان و ہند

بعضی از لغات فارسی کہ بہ خصوص در شبہ قارہ بہ معنی خاص در استعمال بودہ و ہست ، در جواہر الاولیا آمدہ است . و ما مثال های آن ہا را در ذیل می آوریم :

۱- اصطلاحات برای مقیاس وزن

آثار : برای اجناس ، مثال آن : نیم آثار جو ، (این لغت در دورہ حاضر رائج نیست) .

سیر : برای اجناس و دیگر اشیای مادی

من : برای اجناس و دیگر اشیای مادی

یک سیر در شبہ قارہ = ۸۰ تول .

یک من در شبہ قارہ = ۴۰ سیر .

۲- لغات فارسی بہ معنی خاص

آسودہ = مدفون ،

اندیشہ = ترس ،

جمال = صورت انسان ،

حفظ = قوۃ حافظہ ،

دریا = رودخانہ ، آب ،

دروغی = دروغ گوئی ،

دیوان	=	دفتر حساب
زحمت	=	زخم
زحمتی	=	زخمی
سایہ	=	جن و پری
شبح	=	نوعی از دُعا و ورد
عزیمت	=	(۱) افسون، طلسم، (۲) دُعا و ورد
عورت	=	زن
عورتان	=	زنان
غسل	=	شست و شوی عادی
فتوحات	=	اشیای خوردنی یا پولی کہ بہ فقرا و درویشان می دهند
لک	=	صد ہزار
محنت	=	کار
مردگی	=	مرگ
مسافری	=	سفر
واقف	=	حالت خواب
ہمیانی	=	ہمیان

۲۸- استعمال ترکیبات فارسی بہ معنی خاص

در شبہ قارہ پاکستان و ہند

بعضی از ترکیبات فارسی کہ بہ خصوص در شبہ قارہ بہ معنی خاص در استعمال ہودہ و ہست

و در جواهر الاولیا آمده است، ما مثال های آن حارا در ذیل می آوریم:

بر خور داری = اطاعت،

دل گوری = تاریکی دل،

سرمه دانی = سرمه دان،

سه گان بار = سه بار،

هفتادگان بار = هفتاد بار،

یادگیری = یاد گرفتن.

۲۹- استعمال محاورات فارسی به معنی خاص

در شبیه قاره پاکستان و هند

بعضی از محاورات فارسی که به خصوص در شبیه قاره به معنی خاص در استعمال بوده و هست، و در جواهر الاولیا آمده است،

ما مثال های آن حارا در ذیل می آوریم:

(۱) محاورات عامه

بی عقل شدن = دیوانه شدن،

دعوت کردن = ورد خواندن،

سرخ رو گردیدن = از عهده کاری بر آمدن،

فیل برداشتن آن نتواند = بسیار شگین است،

گذران کردن = زندگی بسر کردن،

نقل کردن = فوت شدن = مردن

(ب) محاورت خاص فارسی که از لحاظ معنی در به وجود آمدن آن ها سحر و جادو ، و درعکس العمل آنها و ورود مؤثر است ، این نوع محاورت خاص در جواهر الادب آمده است ،
و ما مثال های آن ها را در ذیل می آوریم :

۱- چشم بستن = از قوه بینائی محروم گردانیدن (به سحر و جادو) ،
چشم کشادن = قوه بینائی را به حال اصل برگرداندن (به دعا و ورد) ،

۲- خواب بستن = از حالت خواب محروم گردانیدن (به سحر و جادو) ،
خواب کشادن = حالت خواب را به حال اصل برگرداندن (به دعا و ورد) ،

۳- زبان بستن = از قوه گویائی محروم گردانیدن (به سحر و جادو) ،
زبان کشادن = قوه گویائی را به حال اصل برگرداندن (به دعا و ورد) ،

۴- فردی بستن = از قوه فردی محروم گردانیدن (به سحر و جادو) ،
فردی کشادن = قوه فردی را به حال اصل برگرداندن (به دعا و ورد) ،

۳- استعمال افعال فارسی به روش قدیم

در جواهر الادب افعال فارسی به روش قدیم نیز آمده است ، ولی بسیار کم است . ما مثال های
های آن ها را در ذیل می آوریم :

برداشتن نتواند = نمی تواند بردارد ،

بیان کردن نتواند = نمی تواند بیان کند ،

غسل کناند = (کناند از مصدر کنانیدن) یعنی سبب شود که کسی غسل کند .

۳۱۔ استعمالِ جملاتِ فارسی بہ روشِ قدیم

- در جواہر الاولیا جملاتِ فارسی بہ روشِ قدیم نیز آمدہ است، و ما مثالِ ہای این نوع جملات را بہ ترتیبی کہ در صفحاتِ کتابِ حاضر آمدہ است، در ذیل می آوریم:
- ۱۔ و از سختیِ گرسنگی و تشنگیِ خدایِ تعالیٰ نگاہ دارد اورا (ص ۵۴) ،
 - ۲۔ خدایِ تعالیٰ اورا بیامرزد گناہانِ قدیم و جدید، و پنهان و آشکارا (ص ۶۲) ،
 - ۳۔ بیامرزد خدایِ تعالیٰ گناہانِ خرد و بزرگ (اورا)۔ (ص ۸۳ و ۱۳۸) ،
 - ۴۔ این شود (او) از جملہ بلاہای دنیا و آخرت (ص ۸۳) ،
 - ۵۔ حق سبحانہ، و تعالیٰ او را این گرداند از شیر آدمی و پری و از ہر آفت و وحشت و از مرض و جراحت۔ (ص ۱۰۱) ،
 - ۶۔ برپیچ امیر و پادشاہ محتاج نہ گردد بہ عظمتِ این نام (ص ۱۱۳) ،
 - ۷۔ دلِ اوصاف گرداند خدایِ تعالیٰ از زنگِ سیاہی (ص ۱۱۴) ،
 - ۸۔ تن او ہمیشہ سلامت باشد از دروہا (ص ۱۱۴) ،
 - ۹۔ خدایِ تعالیٰ متابع اورا در امن و امانِ خود نگاہ دارد از شیر و شمنان و دزدان و غیرہ (ص ۱۱۵) ،
 - ۱۰۔ عطا کند خدایِ تعالیٰ او را پادشاہی دنیا و آخرت (ص ۱۲۲) ،
 - ۱۱۔ و گناہانِ خرد و بزرگ خدایِ تعالیٰ اورا عفو کند (ص ۱۷۱) ،
 - ۱۲۔ آن را برشاہ کند بہ سوی خدایِ تعالیٰ (ص ۱۸۲) ،
 - ۱۳۔ بیامرزد خدایِ تعالیٰ گناہانِ او خرد و بزرگ، پنهان و آشکارا (ص ۱۸۴) ،
 - ۱۴۔ از وغذہ قحط حق سبحانہ، و تعالیٰ اورا نگاہ دارد (ص ۱۹۸) ،
 - ۱۵۔ و از سفیدی چشم و در چشم، کہ اظہار از آن عاجز آیند، خدایِ تعالیٰ اورا نگاہ دارد۔ (ص ۲۰۱) ،
 - ۱۶۔ و از شیر شیر خدایِ تعالیٰ نگاہ دارد (اورا) (ص ۲۰۳) ،

- ۱۷- و از بلاهای گوناگون خدای تعالی او را در امان خود نگاه دارد (ص ۲۰۹) ،
- ۱۸- خدای تعالی پیامرزد گناہان او خورد و بزرگ ، پنهان و آشکارا (ص ۲۱۴) ،
- ۱۹- پیامرزد خدای تعالی او را پیش از آن که عدد تمام کرده باشد (۲۱۷) ،
- ۲۰- پیامرزد خدای تعالی او را گناہان خورد و بزرگ ، پنهان و آشکارا (ص ۲۲۱) ،
- ۲۱- و از جملہ علت های گوناگون آن کس در امانت خدای تعالی بوده باشد (ص ۲۲۶) ،
- ۲۲- و خدای تعالی او را پیامرزد گناہان خورد و بزرگ ، پنهان و آشکارا ، و پُر نور گرداند قبر او را از رحمت خود (ص ۲۲۹) ،
- ۲۳- و این باشد از هر خوبی (ص ۲۵۰) ،
- ۲۴- گویا او و قبرهای دیگر ، که گرد او باشد ، تمام روشن و پُر نور گردد به فرمان خدای تعالی (ص ۲۵۱) ،
- ۲۵- پُر نور گرداند (خدای تعالی) آن قبر را از رحمت خود ، و فراخ گرداند خدای تعالی قبر او را هزار در هزار گز (ص ۲۹۷) ،
- ۲۶- آیاراه نمایم شمارا بر دعائی که جامع جمیع ادعیه به تمام صا باشد (ص ۳۲۵) ،
- ۲۷- و این نصیحت است مرئیگان را و غافلان را (ص ۳۳۳) ،
- ۲۸- و اگر میان دشمنان برود ، دوست جانی گردند از برکت این دعا (ص ۳۴۳) ،
- ۲۹- هیچ اسلحه تن او را مخرج نه سازد از برکت این دعا (ص ۳۴۴) ،
- ۳۰- نیکو شود از برکت این دعا (ص ۳۴۴) ،
- ۳۱- جوان و غلمان پیش او بسیار آیند ، و مونس او باشند تا روز قیامت (ص ۳۴۶) ،
- ۳۲- و فراخ شود قبر او هزار در هزار گز ، و پُر نور شود قبر او از رحمت خدای تعالی تا روز قیامت (ص ۳۴۶) ،
- ۳۳- و از غم بر خرد از برکت این حرز (ص ۳۹۸) ،
- ۳۴- پاک شود از گناہان خورد و بزرگ چنان چه از مادر زاده (ص ۳۹۸) ،
- ۳۵- به برکت آن همه قبورها از مشرق تا به مغرب پیامرزد ، و پُر نور گرداند خدای تعالی الی یوم القيمة (ص ۵۲۶) .

۳۲- لغات نادر و کم یاب

لغات نادر و کم یاب نیز در جواهر الاولیا آمده است، و ما مثال های آن ها را در ذیل

می آوریم :

ایمان داران ،	=	ایمانیان
زیارت کننده ، زائر ،	=	زیارتی
شیرینی (به طور نذر و هدیه) ،	=	شیرنی
قربت داران ، خویشاوندان ،	=	قربتان
ملک ،	=	ملکا
نعیم = نعمت ،	=	نعیما
جمع فارسی لغت عربی "وَلَد"	=	وَلَدان

۳۳- ترکیبات و محاورات نادر و کم یاب

ترکیبات و محاورات نادر و کم یاب نیز در جواهر الاولیا آمده است ، و ما مثال های آنها

را در ذیل می آوریم :

(۱) ترکیبات نادر و کم یاب

بی محتاج - بی نیاز - توکل ،

بی نافع (دوره خواندن) - دوره خواندن بدون نافع (یعنی رهنه خالی)

مادوره خواندن روزانه ،

تجربان صندی - اشخاص با تجربه صندی ،

چیلہ ناک	=	چیلہ ساز ،
دوست رون	=	دوست داری
راستان و چپان	=	راست و چپ ،
زندانب جسس	=	زندانب (بجای کہ محکومین را بازداشت کنند)
سازواری	=	سازگاری ،
عزت ناک	=	عزت دار ، صاحب عزت ،
ناسازواری	=	ناسازگاری ،
ناسازواری	=	ناسازگاری .
(ب) محاورات نادر و کمیاب		
روزی شدن	=	عطا شدن از خداوند تعالی
		(مثال : اولاد نیک و صالح)
لک گرفتن	=	اسم "اللہ" را برای ایصال ثواب به کسی صد ہزار مرتبہ گفتن .

۳۴۔ نام های ادویہ در شہر قارہ پاکستان ہند

نام های بعضی از ادویہ کہ در قدیم در شہر قارہ رائج بوده است در جواهر الاویا آمدہ است و شناخت بعضی از آنها بر طبیبان امروزہ مجہول است :
مانام های ادویہ را در ذیل می آوریم :

بتوق اننا .	بوزیل .	تخم حبث النیل .	حبث الاس .	حبث البان .
حبث القسط .	حنای ترک .	سعد ازرق .	سب خاک .	سب دختہ مریم (د قناع) .
سب بظفران .	سب سارخا کثری .	سب صندل سرخ .	سب مشک .	شیر خودیرہ .

قزاقی۔ قسطِ بحری تلخ۔ قسطِ بحری شیرین۔ ورقِ انجیل^۱۔

۳۵۔ نامِ جنِ ہا

نامِ های جنِ ہا نیز در جواہر الاولیا آمدہ است، و ما آن ہا را در ذیل می آوریم:

جاہرونِ مُلک۔ جوکانِ مُلک۔ ستمگونِ مُلک۔ قنطوس^۲۔

۳۶۔ لغاتِ محلّی

لغاتِ محلّی نیز در جواہر الاولیا آمدہ است، و ما آن ہا را در ذیل می آوریم:

اجودھن = نامِ قدیمِ قریۃِ پاکِ پٹنِ شریفِ در بخشِ ساہی وال (اُستانِ پنجاب) کہ محلّ آرامِ گماہِ عارفِ معروفِ شیخِ فرید الدینِ مسعودِ شکرگنج (متوفی در ۷۶۳ھ/۱۲۶۵م) می باشد۔

(لغتِ پٹن) نیز لغتِ محلّی است بہ معنی ساحلِ پاکِ رودخانہ۔

اُنس = نوعی از دانہ های خرد کہ از آن روغنِ تیتہ می شود، کہ موسوم است بہ روغنِ اُنس۔

اولاہ = سرودِ بیداریِ بچگان بہ مقابلہ "لوری" دکلزِ محلّی، کہ سرودِ خوابِ بچگان می باشد۔

بھنگرہ = بھنگرہ = نوعی از دانہ های گیاهی خوردنی۔

پا = پاؤ = اصطلاح برای مقیاسِ وزنِ اجناس = ۲۰ تول یا $\frac{1}{16}$ سیر در شبہ قارہ۔

۱۔ ص ۴۵۶ کتاب حاضر۔ ۲۔ ص ۴۵۶ کتاب حاضر۔

دھکڑ	= دھکڑ = پارچہ درشت نخی .
روپیہ	= واحد پول در پاکستان .
سگ	= نوعی از خورش معروف سبزی در شبہ قارہ .
سپاری	= ثمر فلفل کہ تکہ های آن با برگ تببول می خورند .
فاطمان	= لہجہ محلی لغت "فاطمہ" (= فاطمہ الزہراء) .
کتورا	= کٹورا = کاسہ مبی .
کیس	= کھیس = نوعی از بلاپوش مردانہ ای کہ از پارچہ درشت نخی تہیہ می شود .
ناعنہ	= روز خالی در خواندن دُعا ہا و ورد ہا و یا در کار روزانہ :

۳۷- لغات و اشارات نامفہوم

در کتاب جواہر الالویا در بعضی جا ہا لغات و اشاراتی آمدہ است کہ مطالب آن ہا نامفہوم

است :

و ما آن نوع لغات و اشارات را در ذیل می آوریم :

(۱) لغات نامفہوم

۱- چاری کندونج مکن مانیان^۱ .

۲- بعضی از لغاتی کہ در یک اعتمام آمدہ است ، مانند

کیچ مہیج ککچیچ جوجج مرغجوج مہنجوج ایچ
طہاج ایچ ایچ آرش آرش آرش^۲

۱- ص ۳۲۵ و ۵۶۱ کتاب حاضر .

۲- ص ۳۰۰ و ۳۰۱ کتاب حاضر .

۳۔ نام های ملوک مُلک ارواح .

توتلا .	کوکله .	بهرین .	قیقرس .	منقوشن .
شمراج .	ایکری .	مصفیون .	عتریس .	کاماگ .
دھنش .	دھوش .	معاہرہ .	صعوک .	باطونطیون .
مادوش .	کانوش .	بنی دھنش .	صفرین .	صفرعجن ^۱ .

۴۔ چہل اسم یونانی .

نیکوشن .	جہماش .	مندولاش .	مقاش .	بطیایاشن .
صعوش .	صعبوش .	مارش .	ظہمارش .	یعزوش .
مطلش .	طیماش .	ایاش .	ہیمالوش .	دمانوش .
طواطوا .	طویا طویا .	عدیث .	حدیث .	فجد .
عبد .	حیث .	رھنوش .	یراش .	طیش .
ایشاھیش .	داریش .	فیش .	وموش .	معدوش .
یفجفجہ .	ہجفجہ .	عکش .	کشتہ .	متامع .
طیش .	طوش .	ططوش .	رھنوش .	جلججوس ^۲ .

۵۔ لغات نامفوم در یک دعا .

ام منو فجر بانیہ ہلیکہ ملیکہ ورتیا سمنکا فجر منکا حجر منکا ورتیکمہ و شادوریا ہلاہیا غنجلیتا یوما
دشتینا ندم و امخ برہبت لاسوتا مبلوتا فیخجلا جشمش جموش کوش کوش کوش کوش ہنش
ہنش الزویا الزویا اذکشن اذکشن کال مال واہ یاہ ہی الساعۃ ہساعۃ صوکش نموشاخ^۳

(ب) اشارت نامفوم

۱۵۷۱ ح - ۱۵۷۱ - I - ح لا ح ۵۰۰ ۸۸ .^۴

۱۔ ص ۴۵۶ و ۴۵۷ کتاب حاضر . ۲۔ ص ۴۵۸ کتاب حاضر .

۳۔ ص ۴۵۵ کتاب حاضر . ۴۔ ص ۴۵۸ کتاب حاضر .

۳۸۔ موازنہ و سجع

در جواہر الادبیا بہترین نمونہ موازنہ و سجع در یک دعای طولانی آمدہ است، و ما چند مثال

موازنہ و سجع را از دعای مرزبوره در ذیل می آوریم :

خطاب بندہ بہ خداوند :

- | | | |
|----|-----------------------|---------------------|
| ۱۔ | ای قاضی بی عزل ! | ای حکیم بی معزل ! |
| | ای مفضل بی فضول ! | ای عادل بی عدول ! |
| | ای توانای بی ظہیر ! | ای نمک بی وزیر ! |
| | ای قاهر بی مشیر ! | ای خداوند بی نظیر ! |
| ۲۔ | ای خالق بی مدد ! | ای رازق بی مدد ! |
| | ای خالق ہر مخلوق ! | ای رازق ہر مرزوق ! |
| | ای اول بی بدایت ! | ای آخر بی نہایت ! |
| | ای ظاہر بی صورت ! | ای باطن بی ضرورت ! |
| | ای حتی بی حیلت ! | ای قیوم بی حالت ! |
| | ای عزیز بی ذلت ! | ای غنی بی قلت ! |
| | ای دائم بی عدت ! | ای قائم بی مدت ! |
| | ای معطی بی نکرت ! | ای بخشندہ بی منت ! |
| | ای بختائندہ بی صنعت ! | ای صانع بی آلت ! |
| | ای مبدی بی حالت ! | ای قاضی بی رشوت ! |
| | ای علام بی تفکر ! | ای قسام بی تغیر ! |
| | ای جبار بی تحیر ! | ای قہار بی تہور ! |

۳- ای مقدری کہ رقم قلم تقدیر تو بہ صبح آبی محو نگرود !

ای مدبری کہ تیر تقدیر ترا صبح تدبیر سپری نگرود !

ای ملکی کہ ملک ترا عزل صورت نہ بندد !

ای بخشندہ کہ هرگز ملول نگرودی !

ای قہاری کہ هرگز عاجز نشوی !

ای کریمی کہ هزار هزار نعمت زیادہ کنی بہ شکری !

ای حسبی کہ هزار هزار گناہ بیامزی بہ عذری !

۴- ای دانشدہ ضامن ! ای دانشدہ سرائر ! ای آمرزندہ صفائر و کبار !

ای دست گیر هر سرگشته ! ای فریاد رس هر درماندہ !

ای دوست دایر نیکو کاران ! ای ستارہ توبہ کاران !

ای غفار گناہ گاران ! ای روزی دہندہ بی کاران !

ای قبول کنندہ توبہ عاصیان ! ای پذیرندہ گریختگان !

ای رحیم پریشانان ! ای کریم پشیمانان !

ای مونس پُر عثمان ! ای موجود در همان !

۵- ای دانشدہ نام ها ! ای شکنندہ کام ها ! ای دوزندہ وام ها !

ای بر آزندہ حاجت ها ! ای دانشدہ راز ها !

ای بینندہ غیب ها ! ای پوشندہ عیب ها !

وہ این دما مثال های دیگر از موازنہ و سیج نیز آمدہ است ، ولی ما بنا بر خوب تطویل کلام

از آوردن آن حاضر نظر نمودیم .

۱- ص ۴۸۳ کتاب حاضر . ۲- ص ۴۸۳ و ۴۸۴ کتاب حاضر . ۳- ص ۴۸۷ کتاب حاضر .

۳۹- تمثیل

در کتاب جواهر الاویا تمثیل نیز آمده است، و ما مثال های آن را در ذیل می آوریم:

(۱) "بالای پیش یک کنگره است، و در آن کنگره سه هزار و سیصد و شصت و یک حجره اند از مروارید صاف که به ید قدرت حق تعالی آفریده است. و در میان هر حجره یکان یکان صندوق از زرد سبز به مقدار ربع دنیا پیدا کرده است، و جمله ثواب اسمای اعظم در آن صندوق ها قفل کرده نهاده است، و بر در هر حجره هفت صد و شصت و یک ملک نام زد است، مادام که آن قفل کشاده نگردد، دعوت اسمای اعظم اجابت نشود!"^۱

(۲) هر که این دعای جیبی بخواند هفتاد هزار قدم او را روزی کتم، و در بهشت هفتاد هزار کوشک به نام آن بنده کتم، و در آن کوشک ها حوران بهشت تسبیح گویند، و خود را آراسته پیرایه پوشند، و برای آن بنده منتظری باشند تا روز قیامت.

و پیش هر کوشکی جونی روان باشد، و گرد برگرد هر جونی هفتاد هزار دخت باشد، و آن درختان از پا قوت باشد، و شاخ های درختان از مروارید باشند، و برگ های درختان از مشک باشند."

۴۰- ترجمه جمله های عربی به فارسی

در آغاز موضوع مختصات زبان کتاب جواهر الاویا در صفحات گذشته گفته ایم که مؤلف کتاب جواهر الاویا سید باقر بن سید عثمان بخاری در مقدمه مختصر کتاب ادعا نموده که عبارت عربی را به فارسی ترجمه کرده است تا عوام الناس و اخلاف آنان مطالب کتاب را به آسانی بفهمند.

۱- ص ۱۱۱ و ۱۱۲ کتاب حاضر. ۲- ص ۳۳۷ و ۳۳۸ کتاب حاضر.

و نیز گفته ایم کہ ادعای سید باقر بن سید عثمان بخاری در بارہ ترجمہ عبارت عربی بہ فارسی درست نیست، و در این کتاب فقط چند جملہ و یک حکایت را پیدا کردہ ایم کہ از عربی بہ فارسی ترجمہ شدہ است، و اشارہ ہائی در بارہ ترجمہ در ضمن جملہ ہا و حکایت مزبورہ در کتاب موجود است؛ اکنون ما جملہ ہای مزبورہ را بہ ترتیبی کہ در این کتاب آمدہ است، در ذیل می آوریم:

۱- جملہ ہا

۱- یا ولدی ! من قرء الفاتحہ مع الاخلاص مرۃ لم یبق من ذنوبہ ذرۃ .
ترجمہ : یعنی ای فرزند من سید باقر ! ہر کہ سورۃ الفاتحہ مع اخلاص یک بار بگوید ہرگز ذرۃ گناہ در وجود وی نہاند!

۲- رسول فرمود . صل اللہ علیہ و آلہ وسلم :

«اشان فما فوقها جماعة .»

قال ابوحنیفہ : بسواء الامام .

وقال آخرون : اشان مع الامام جماعة .»

(ترجمہ) : دو نفر و آن چہ زیاد است ، جماعت است ،

و امام اعظم گفتہ : دو نفر جز امام ،

و دیگران می گویند : دو نفر با امام .»^۱

۳- حضرت رسالت پناہ ، صل اللہ علیہ و آلہ وسلم ، فرمود :

«یا ولدی ! من قرء اللہ لا الہ الا هو تا آخر آیت^۲ فی کل یوم و لیلۃ ثلث

مراتۃ ، حفظ اللہ تعالیٰ من کل البلاء و الآفۃ من الدنیا و الآخرة .»

(ترجمہ) : حضرت رسالت پناہ ، صل اللہ علیہ و آلہ وسلم ، سید عثمان بن سید داؤد بخاری را

فرمود کہ : ای فرزند من ! ہر کہ در شب و روز آیت الکرسی^۳ سہ بار بخواند ،

خدای تعالیٰ او را نگاہ دارد از جملہ بلاہای دنیا و آخرت^۴ .

۱- ص ۵ کتاب حاضر . ۲- ص ۱۲ کتاب حاضر . ۳ و ۴- القرآن الحکیم : ۲ ، ۲۵۵ .

۵- ص ۱۵ و ۱۴ کتاب حاضر .

۴۔ حضرت رسالت پناہ، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، فرمودہ است:

”من صلی علی مئة واحدة صلی اللہ علیہ عشر مئة.“

(ترجمہ): حضرت پیغمبر گفت، صلی اللہ تعالیٰ علیہ وآلہ وسلم،

ہر کہ یک بار درود بر من فرستد، خدای تعالیٰ بروی ده بار درود فرستد!

۵۔ باز حضرت، مخدوم جہانیاں (جہانگشت) را از اندرونِ روضہ مبارک آواز بلند بر آمدی:

یا ولدی من صلی علی هذه الصلوة فی لیلتہ الاثنین سبع مئة قضی اللہ تعالیٰ لنا

مایة حاجة سبعین منها فی الآخرة و ثلاثین فی الدنيا.

(ترجمہ) حضرت پیغمبر، صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم، مخدوم جہانیاں (جہانگشت) را فرمودی کہ:

ای فرزند من! ہر کہ بر من این درود در شبِ دوشنبہ ہفت بار بفرستد،

خدای تعالیٰ صد حاجتِ وی را بر آورده گرداند؛ ہفتاد حاجت از حاجت های

آخرت و سی حاجت از حاجت های دنیا!

۶۔ چنان چہ حضرت حجۃ الاسلام ابو حامد محمد غزالی، رحمۃ اللہ علیہ، در کتاب المحبۃ والشوق

و الرضا، کہ کتاب ششم است از رُبعِ رابع در منیبات از احياء العلوم گفته است:

”دل حا کہ بعید شدہ اند از خدای تعالیٰ بہ سبب آن کہ بہ نفسِ خود مشغول اند یا بہ

غیر خود مشغول اند، و اعظم ازین ہر دو حجابِ شغلِ نفس است.“

بعد ازین ”ترجمہ فارسی حکایت در موضوع شغلِ نفس“ آغاز می گردد و در آخر حکایت مؤلف

جواهر الاولیا سید باقر بن سید باقر بن سید عثمان بخاری می گوید:

”تمام شد ترجمہ عبارت امام (ابو حامد محمد غزالی) در احياء العلوم.“

مؤلف جواهر الاولیا اگر علاوہ بر ترجمہ های فوق ترجمہ عبارت عربی را بہ فارسی کرده، و در این کتاب

آورده است، در بارہ آن در صیح جا اشارہ نہ کرده است.

۱۔ ص ۲۳۶ کتاب حاضر. ۲۔ ص ۲۶۸ کتاب حاضر. ۳۔ ص ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲ کتاب حاضر. مؤلف جواهر الاولیا در این جا

عبارت عربی از کتاب احياء العلوم نیاورده، بلکہ تنها ترجمہ فارسی آورده است.

بخش پنجم

اهمیت جواهر الاولیا در عصر حاضر

بخش پنجم مقدمه مشتمل است بر دو موضوع ذیل که اهمیت کتاب جواهر الاولیا را در عصر حاضر

توضیح می دهد:

اول: اهمیت جواهر الاولیا به عنوان کتاب علم الاجتماع، و

دوم: اهمیت جواهر الاولیا به عنوان "مختر دایرة المعارف"

اکنون به شرح این دو موضوع فوق می پردازیم:

۱- اهمیت جواهر الاولیا به عنوان کتاب علم الاجتماع

در بخش سوم مقدمه در ضمن بیان موضوعات کتاب جواهر الاولیا در صفحات گذشته احوال و کیفیات اجتماعی دوره تألیف این کتاب یعنی دوره حکومت شاهنشاهان مغول تیموریه را به شرح و بسط بیان کرده ایم، و به خصوص احوال و کیفیات اجتماعی افراد طبقه سوم آن دوره و انواع بیماری ها و معیبت های انفرادی و اجتماعی و حاجت های دنیوی و خواست های روحانی آنان را به تفصیل گفته ایم.

علاوه بر این اسباب و علل را نیز بیان کرده ایم که بنا بر آن بیشتری از افراد طبقه سوم به بارگاه

صوفیان و مُرشدان می رفتند، و چاره انواع دردها و مصیبت ها را به صورت دعا ها و ورد ها از آنان گرفته به عمل می آوردند، و در نتیجه اعتقاد قوی بر عملیات صوفیان و مُرشدان از آن ها سُود می بردند.

بنا بر دلائل مزبوره بدین نتیجه رسیدیم که بیشتری از مطالب جواهر الاولیا مربوط به کار های اجتماعی می باشد، و این کتاب چنان که مؤلف آن در مقدمه مختصر این کتاب گفته است برای افاده علوم اناس یعنی افراد طبقه سوم نوشته شده و دارای اهمیت بوده است.

در عصر حاضر نیز که عده صوفیان و مُرشدان نسبت به دوره گذشته افزایش یافته، و به همین مناسبت عده کسانی که برای چاره دردهای خود متوجه به بارگاه صوفیان و مُرشدان می شوند، کم نیست، و مُرشدان امروزه نیز محتاج به کتاب حائمی می باشند که دارای انواع دعا ها و ورد ها باشد، تا آنان در ادای وظایف خود درباره اجتماع که از اسلاف خود به ارث به عهده خود داشته اند، به نحو اکل موفق گردند.

و نظر به امور مزبوره کتاب جواهر الاولیا به عنوان "کتاب علم الاجتماع" برای صوفیان و مُرشدان امروزه حائز اهمیت خاص می باشد، و آنان می توانند از محتویات این کتاب به طوری واقعی استفاده نمایند.

۲. اهمیت جواهر الاولیا به عنوان "مختصر دائرة المعارف"

در بخش سوم مقدمه در ضمن بیان موضوعات کتاب جواهر الاولیا در صفحات گذشته درباره جنبه باطنی و معنوی این کتاب به دو امر مهمی اشاره کرده ایم:

یکی این که در دوره حاضر در نتیجه پیشرفت های سریع و سنگفت آردی که در علوم و فنون به عمل آمده و مادیت بر روحانیت غلبه یافته است، علوم مردم این دوره به دعا ها و ورد های صوفیان و مُرشدان کمتر توجه دارند، و به تاثیر دعا ها و ورد ها نیز اعتقادی واقعی ندارند.

دوم این که محققین زبان در عصر حاضر نسبت به جنبه ظاهری کتاب توجه خاص خود را به جنبه باطنی و معنوی آن مرکوز دارند، و اهمیت کتاب را از لحاظ جنبه باطنی و معنوی متعین کنند.

و نیز شرح دادیم که کتاب جواهر الاولیا از لحاظ جنبه باطنی و معنوی نسبت به جنبه ظاهری مهمتر

می باشد. بنا بر این اهمیت این کتاب را از این لحاظ بیشتر باید شمرد.
 سید باقر بن سید عثمان بخاری، مؤلف کتاب جواهرالاولیا، چنان که در صفحات گذشته گفته ایم،
 در ضمن دعاها و وردها نام صدها اشخاص را آورده است.
 و در میان نام های اشخاص طبقه های مختلف نام صدها مؤلفین بانام های تالیفات آنان نیر آمده
 است، و بدین لحاظ جواهرالاولیا مجموعه نام های مؤلفین ادوار گذشته بانام های تالیفات آنان می باشد.
 و نظیر امور فوق کتاب جواهرالاولیا را باید "مختصر دائرة المعارف" قرار داد، و ارزش "دائرة المعارف"
 محتاج بر بیان نیست.

و همین جنبه باطنی و معنوی کتاب جواهرالاولیا است که اهمیت این کتاب را در عصر حاضر
 و نظر محققین زبان فارسی مشخص می نماید.



خاتمه

در خاتمه مقدمه لازم نیست به شرح و بیان زحمت هانی بپردازیم که در این کار مهم کشیده ایم، زیرا محققین زبان فارسی که این نوع کار مهمی را به دست گرفته، و زحمت هانی را که در تکمیل آن کشیده اند، به نحو اکل آشنای باشند.

و کسانی که در این وادی قدم نه نهاده، و منازل این وادی دشوار گذار را نه پیموده، و سختی های این جاده نشناخته را نه کشیده اند. به این نوع کارهای مشکل تحقیقی آگاهی ندارند.

البته در ضمن این نمی توانیم از اظهار یک حقیقت روشن خود داری نماییم. و این که اگر مقدمه های تحقیقی که محققین زبان و ادبیات ایرانی در ضمن متون قدیم نوشته اند و از ایران به دست ما رسیده است، و کتاب نیک شناسی تألیف ملک الشعرا بهار در باره اصول و ضوابط شناختن نیک های نثر فارسی ادوار قدیم مورد مطالعه دقیق ماقرار نگرفته بود، و پیش از همه اگر توفیق خداوندی شامل حال ما نمی بود، ما نمی توانستیم در تکمیل این کار مهم تحقیقی موفق شویم.

و لازم است بگویم که فواصم آوردن مواد لازم از داخل این کتاب ضمیمه کار آسانی نبوده است، و ما این کتاب را چندین بار به نظر دقیق مطالعه کردیم، و در نتیجه آن، در مرحله اول تمام جواهری را که سید باقر بن سید عثمان بخاری مؤلف کتاب جواهر الاولیا در حدیث عمیر خود از اولیا و آثار آنان گرفته، و در این کتاب جمع نموده بود، بیرون کشیده در کشته های مختلف مقدمه در آوردیم.

و اگر بگویم که در این کتاب گوشه ای نبوده است که نه کاهیدیم، و مواد مطلوبه را به دست

نیاریم، هیچ راه مبالغه را نمی بینیم، و محتویات مقدمه بر بیان ما شاهد است. چنان چه بعد از این که تمام مطالب لازم را به دست آوریم، همه آن را طبق اصول جدید تحقیق در بخش های مختلف به صورت مقدمه ترتیب دادیم. و از تمام مباحث مهمی که در این مقدمه آمده است، هیچ بحثی نیست که مبنی بر شواهد داخلی نباشد.

و ظاهر است که برای تکمیل این نوع کارهای دقیق نه تنها وقت زیاد لازم است، بلکه صبر و تحمل و استقامت نیز لازم است، و بدون صفات مزبوره هیچ کس نمی تواند، به طوری که باید از عمده این کار بر آید.

در آخر مقدمه از محققین زبان و خوانندگان گرامی این مقدمه التماس می نمایم، که در مطالب این مقدمه در هر جایی یا بحثی که خطائی راه یافته است، مطلع فرموده برنگارنده خطا کار منت نمند.

دکتر غلام سرور،

استاد و رئیس سابق بخش فارسی،
دانش گاه کراچی.

۹۴۸ پی ایچ ای بخش کالونی کراچی ۵.
۲۰ دسامبر ۱۹۷۵ میلادی



ضمیمہ مقدمہ

در ضمن شرح حال سید باقر بن سید عثمان بخاری^۱ (مؤلف کتاب جواہر الاولیاء) و بیان وقایع خانوادہ حای سادات بخاری در اُچ بخاری در مقدمہ حاضر گفتیم کہ مایک بار در سال ۱۹۷۶ میلادی و دو بار در سال ۱۹۷۳ میلادی بہ اُچ بخاری رفتیم، و ہر چہ در بارہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و خانوادہ اخلاف او جستجو کردیم، و آرزوی زیارت مسجد سید باقر بن سید عثمان بخاری و مزارات آنان در دل داشتیم، متأسفانہ باوجود کوشش بسیار بہ مقصود خود نرسیدیم، بلکہ گفتہ: سید باقر بن سید عثمان بخاری اصل اُچ بخاری نہ بودہ، و شاید در جای دیگر زیستہ است۔ بدیختانہ ما حرف مزبورہ را قبول نمودہ بی نیل و مرام و باتائیف تمام از اُچ بخاری مراجعت نمودیم۔

ولی بنا بر شواہد داخل کتاب جواہر الاولیاء سید باقر بخاری در اُچ بخاری ولادت یافتہ، و زیر سرپرستی پدر بزرگوار خود سید عثمان بن سید داؤد بخاری پرورش و تربیت یافتہ، و در محضر استادان بزرگوار خود علوم متداولہ را تحصیل نمودہ بود، او طبق مراسم خانوادگی خود بر دست پدر خود بیعت نمودہ و مدتی در عبادت و ریاضت از نوع اعتکاف حا و چہ حا در اُچ بخاری مشغول بودہ، و بعد از

۱- مقدمہ حاضر، ص ۵۱ و ۵۰۔

۲- ایضاً ص ۴۰ تا ۴۳۔

۳- ایضاً ص ۵۲ تا ۵۸۔

خرقہ خلافت را از دست پدر خود یافته است۔

او بعد از وفات پدر خود جانشین او گردیده وظایف راہنمائی مردم را بہ دین اسلام بہ عہدہ خود داشته بود۔ او در اوقات فرصت بہ تالیف و تصنیف کتب در موضوع دین اسلام و تعویض اسلام پرداختہ بود، و آثار او بر بیان ما شاہد می باشد۔

و ما بنا بر بیانات فوق یقین داشتیم کہ حرف آنانی کہ گفتہ: "سید باقر بن سید عثمان بخاری اہل اہل اہل بخاری نہ بودہ، و شاید جای دیگر زیستہ است" بہ طور قطعی غلط است۔

چنانچہ ما در سال ہای بعد متصلاً در جستجو بودیم کہ اطلاعات صحیحی دربارہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او را کہ بہ عقیدہ ما در همان اہل بخاری زیستہ اند، بہ دست بیاریم۔

بالآخرہ بعد از کوششہای بسیار اطلاعاتی بہ ما رسید کہ اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری بالیقین در اہل بخاری زیستہ، و دور از نزاعات خانوادگی در گوشہ امنیت و سلامتی تنہا وظایف راہنمائی و ہدایت مردم را بہ عہدہ خود می داشتہ اند۔

آنان در عمر حاضر بہ لقب "دیوان" ملقب و بہ ہمین لقب در اہل بخاری و در اطراف معروف اند، و جانشین در اصطلاح پاکستان تجادہ نشین، کنونی سید باقر بن سید عثمان بخاری در اہل بخاری نیز موسوم بہ "سید محمد باقر بخاری" و معروف بہ "دیوان سید محمد باقر بخاری" می باشد۔ اگرچہ منزل اصلی حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری در اہل بخاری می باشد، ولی در این ایام ایشان در یکی از تہ صہای بخش ملتان اقامت دارند۔

بعد از حصول اطلاعات صحیح فوق دربارہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او تصمیم گرفتیم کہ یک بار دیگر بہ اہل بخاری برویم، و منازل و مساجد سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او را ببینیم، و مزارات آنان را زیارت کنیم، و بہ اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری ملاقات کنیم۔ و در آخر بہ وہی در بخش ملتان کہ از املاک تجادہ نشین کنونی می باشد، برویم، و بہ زیارت ایشان مشرف شدہ اطلاعات تازہ ای در بارہ خانوادہ ایشان بہ دست بیاریم۔

چنانچہ در اواخر سال گذشتہ نامہ حا بہ خدمت شریفہ حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری سجادہ نشین کنونی اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری بہ نشانی اچ بخاری و وہ چاہ ٹھیکری والا بخش ملتان فرستادیم۔

و نیز یک نفر از احوالی اچ بخاری را کہ بہ محض اتفاق پیش ما آمدہ بود، بہ اچ بخاری فرستادیم تا خبر تازہ ای دربارہ حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری بیاورد۔

او بعد از چند روز از اچ بخاری مراجعت نمود، و خبر تازہ ای دربارہ حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری و اعضای خانوادہ ایشان آورد، و نیز کتابچہ ای آورد کہ موسوم است بہ "تذکرہ اولیای اچ شریف" تألیف مولانا مولوی دین محمد عباسی علامہ کہ مشتمل است بر مختصر شرح حال بزرگان معروف خانوادہ سادات بخاری اچ بخاری و خانوادہ سادات گیلانی۔

و روزی بعد نامہ ہر آمیزی از جانب جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی، خطیب مسجد جامع حضرت مخدوم سید جلال جہانپان جہانگشت در اچ بخاری رسید کہ مشتمل بود بر نامہ ورود حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری سجادہ نشین کنونی روز ۲۷ آوریل ۱۵۷۶ میلادی در اچ بخاری بہ مناسبت عرس مجلس یاد بود سالیانہ، حضرت سید فیض اللہ بخاری معروف بہ سید فضل اللہ و سید فضل الدین لاڈلہ (بن سید محمود ناصر الدین بن مخدوم سید جلال جہانپان جہانگشت بن سید احمد کبیر بن سید جلال بخاری بزرگ)۔

و جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی از جانب حضرت سجادہ نشین کنونی مرحوم فرمودند کہ این جانب برای حصول شرف ملاقات حضرت سجادہ نشین روز ۲۷ ماہ آوریل ۱۵۷۶ میلادی در اچ بخاری حضور ہم رسالم۔

چنانچہ ما بہ مشورت جناب مدیر محترم مرکز تحقیقات فارس ایران و پاکستان کہ اکنون از راولپنڈی بہ اسلام آباد انتقال یافتہ است، روز ۲۷ ماہ آوریل ۱۹۷۶ از اسلام آباد برای اچ بخاری حرکت کردیم، دو روز دیگر قبل از ظہر بہ اچ بخاری رسیدیم۔

در اچ بخاری در اوایل حال با حضرت دیوان سید محمد حسن بخاری اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری، و جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی ملاقات کردیم، و معلوم شد کہ حضرت دیوان

سید محمد باقر بخاری سجادہ نشین بعد از ختم مراسم عرس حضرت سید فضل الدین لاڈل عصر روز گذشتہ
به ملتان مراجعت فرمودند.

اطلاعاتی که در این موقع از حضرت دیوان سید محمد حسن بخاری و جناب مولوی محمد فیض احمد
اویسی درباره خانوادہ سید باقر بن سید عثمان بخاری بآ دست رسید، کمابیش همان بوده است که ما در
ضمن بیان وقایع خانوادہ های سادات بخاری در آپج بخاری اختصاراً در مقدمہ حاضر آورده ایم.
البتہ منزل قدیم خانوادہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او که بعد از او منصب سجادہ
نشینی را می داشتند، از بیرون زیارت کردیم، زیرا تمام در حابستہ بود، و کتابخانہ معروف سید
باقر بن سید عثمان بخاری نیز در یکی از اطاق های همان منزل بوده است.

و نیز به زیارت مساجد و مزارات متبرکہ سید عثمان بخاری و سید باقر بخاری و اخلاف آنان مشرف
شدیم،

و عکاس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، که برای عکس گرفتن همراه ما از
اسلام آباد آمدہ بود، به راهنمایی این جانب عکس های مطلوبہ منزل قدیم خانوادہ سید باقر بن سید
عثمان بخاری و مساجد و مزارات متبرکہ گرفت، که بابتین کتاب جواہر الاولیا و مقدمہ حاضر به چاپ
رسیدہ است.

و تمام کار به راهنمایی و بہرہ بانی حضرت دیوان سید محمد حسن بخاری و جناب مولوی محمد فیض احمد
اویسی با اطمینان خاطر انجام گرفت.

البتہ از حصول شرف زیارت حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری سجادہ نشین، که روز گذشتہ بعد
از ختم مراسم عرس به ملتان مراجعت فرمودہ بودند، محروم ماندیم.
محرومی از دیدار فیض آئند حضرت سجادہ نشین بمبدل به حسرت گردید، و ما به ہمراہی جناب مولوی
محمد فیض احمد اویسی از آپج بخاری برای ملتان حرکت نمودیم تا در ملتان به زیارت حضرت سجادہ نشین
مشرف شویم.

بہ ملتان رسیدیم، وہ بہ منزلی کہ حضرت سجادہ نشین درملتان دارند، رفتیم، و باپسرا ایشان موسوم بہ دیوان سید اعجاز احمد بخاری، کہ در دانشکدہ اسلامیہ ملتان درس می خوانند، ملاقات کردیم. معلوم شد کہ حضرت سجادہ نشین قبل از ورود ما بہ ملتان بہ وہ خود موسوم بہ چاہ ٹیڑھی والا تشریف بردند. و ما مقصود خود را کہ زیارت حضرت سجادہ نشین بود، با دیوان سید اعجاز احمد بخاری بیان کردیم چنانچہ ما بہ ہمراہی دیوان سید اعجاز احمد بخاری و جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی از ملتان بہ چاہ ٹیڑھی والا رفتیم، و بہ دیدار ہر آثار حضرت سجادہ نشین، کہ از چار سال گذشتہ آرزوی آن را در دل می پروردا، مشرف شدیم.

حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری سجادہ نشین کنونی خانوادہ اخلاف سید باقر بن سید عثمان بخاری شخصی می باشند متصف بہ اوصاف نیکو و عادت کریم، و آراستہ بہ اخلاق فاضلہ و سجایای نیک و بنا بر طبع حلیم و خاطر شریف اشرف اشرف خانوادہ خود می باشند. ایشان در یک طرف بہ عبادت و ریاضت و بہ طرف دیگر بہ راہنمائی و ہدایت مردم بہ دین بین اسلام مشغول می باشند.

موقی کہ شرح حال بزرگان سادات بخاری و بہ خصوص سید باقر بن سید عثمان بخاری و خدمات آنان را بہ دین اسلام بیان کردیم، و زحماتی را کہ برای بہ دست آوردن نسخ خطی کتاب جواہر الاولیا تألیف سید باقر بن سید عثمان بخاری و در تصحیح آن کتاب متحمل شدیم، و مسافرتہای خود را در سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ میلادی بہ ایچ بخاری برای بہ دست آوردن نسخہ خطی جواہر الاولیا و جمع آوری اطلاعاتی دربارہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او و بی نیل مقصود از ایچ بخاری مراجعت کردن را بیان نمودیم، و نیز آرزوی زیارت خود ایشان را شرح دادیم، رقت قلب بر ایشان طاری و اشکهای تأسف از چشمان ایشان جاری گردید، و تا دیرسکت ماندند.

چون بہ حالت اصلی طبیعی آمدند، از مسامی بندہ ناچیز در تصحیح کتاب جواہر الاولیا و در خدمت بہ خانوادہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف او اظہار تعجب و تعریف نمودند، و بعضی از وقایح را کہ دربارہ خانوادہ خود و کتابخانہ معروف خانوادہ خود، کہ بیشتر از کتابہای آن تلف شدہ بود، بیان فرمودند.

موقعی کہ می خواستیم از آن جا بہ ملتان مراجعت نماییم، ایشان با مہربانی حا و دعاہا برای تکمیل کار این بندہ عاجز را مرخص فرمودند۔

در آخر لازم می دانیم کہ از حضرت دیوان سید محمد باقر بخاری تجاہد نشین اُچ بخاری و پسر ایشان دیوان سید اعجاز احمد بخاری و حضرت دیوان سید محمد حسن بخاری و جناب مولوی محمد فیض احمد اویسی اظہار تشکر نماییم کہ در نتیجہ اخلاق کریمانہ آنان در تہیہ آخرین مطالب ہمتہ در بارہ سید باقر بن سید عثمان بخاری و اخلاف در اُچ بخاری موفق شدیم، و می گوئیم:

لِلّٰہِ الْمَحْمَدِ ہر آن چیز کہ خاطر می خواست
آخر آمد ز پس پردہ تقدیر پدید

دکتر غلام سرور
استاد و رئیس سابق بخش فارسی
دانشگاہ کراچی

کالس بخش جہلم (پنجاب)
۵، ماہ مہ ۱۹۷۶ میلادی



فهرست‌ها

- ۱- فهرست‌نامه‌های شخص‌ها و خانواده‌ها و سلسله‌ها.
- ۲- فهرست‌نامه‌های کتاب‌ها و رساله‌ها.
- ۳- فهرست‌نامه‌های جاها.

۱- فہرست نامہای شخص ہا و خانوادہ ہا و سلسلہ ہا

آ	ا
آدم ۷۲، ۷۱	ابو المنذر ہشام ۱۰
آق قویونلو ۹۸	ابو بکر ۱۰
آن حضرت (درک: محمد) ۲۵	ابو بکر بن محمد بن علی بن محمد التھادی العبادی الیمنی ۷۷
۱	ابو حنیفہ کوفی (درک: امام اعظم) ۱۵۲
آئمہ معصومین ۹۶	ابوزکر یاججی بن شرف التھوی ۷۸، ۷۵
ابدال ۱۱۹، ۱۱۳	ابو عبد اللہ محمد ۱۰
ابن ابی الجہدہ ۱۰	ابو علی المحسن بن علی معروف بہ قاضی القنونی (درک: قاضی القنونی) ۷۶
ابن المطہر جلی ۱۰	ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ بن سوریہ الترمذی ۷۷
ابن عباس ۲۶	ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء البغوی الشافعی ۷۹
ابو الرضا (لقبہ بابا رکن ہمدانی) ۱۱۷	احمد (درک: احمد) ۳۱
ابوالفضل قلامی ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۳	احمد الدعوی بہ بنا بن حسن بن محمود بن سلیمان تلبینی ۳۵
ابوالمنظرفیروز شاہ تغلق (درک: سلطان فیروز شاہ تغلق)	احمد برقی ۴۶
۴۳	احمد حسین احمد قریشی ۵

امام عبداللہ یافعی ۳۸، ۳۹، ۴۲	احمد دین (رک: مولوی احمد الدین) ۱۶
امیر ابو اسحاق شیرازی ۱۰	انجیار بن نیاث الدین الحسینی ۷۷
امیر علی (رک: علی بن ابی طالب) ۲۹	ارغون (خانوادہ شاہی) ۹۸
اوزنگ زیب بن شاہ جهان (رک: اوزنگ زیب پادشاہ)	استانلی لین پول ۸۱
۸۳، ۸۲	اسد اللہ خان غالب دہلوی ۱۲۹
اوزنگ زیب پادشاہ (رک: اوزنگ زیب بن شاہ جهان)	اشاعرہ ۱۱۹
۸۱، ۸۰، ۴۵	اکبر شاہ کبیر ۱۰۸
اصل البیت ۲۱	امام ابو حامد محمد غزالی ۲۱، ۷۴، ۷۷، ۷۹، ۱۱۲
ایرانیان ۱۰۷	۱۵۲
اہل خانان ایران ۹۷	امام ابو عمر ۱۰
ب	امام اعظم (رک: امام ابو حنیفہ کوفی) ۱۵۲
بزرگان بخاریان ۱۲۵	امام حسن بن علی العسکریؑ ۷۶
بی بی حماتہ ۷۲	امام زادہ المنقذ (رک: محمد بن ابی بکر) ۷۸
بی بی رینب (بنت شیخ شکر اللہ) ۶۷	امام سید ابو الحسن علی بن موسیٰ رضاؑ ۳۰، ۶۳
بی بی، فاطمہ الزہراءؑ ۱۳۷	امام سید جعفر صادقؑ ۳۰، ۶۳
بیدل عظیم آبادی (رک: مرزا عبد القادر) ۱۰۹	امام سید حسنؑ ۳۰، ۶۳
پ	امام سید حسن عسکریؑ ۲۹، ۳۰
پیران بخاریان ۱۲۵	امام سید حسینؑ (رک: شہید اشیت کر بلط) ۳۰، ۶۳
پیران قادریان ۱۲۵	امام سید علی زین العابدینؑ ۳۰، ۶۳
پیغمبر آخر الزمان (رک: محمد) ۹۶، ۱۱۷	امام سید علی نقیؑ ۲۹، ۳۰، ۶۳، ۶۴
ت	امام سید محمد باقرؑ ۳۰، ۶۳
تجران ہندی ۱۳۴	امام سید محمد تقیؑ ۳۰، ۶۳
ترخان (خانوادہ شاہی) ۹۸	امام سید موسیٰ کاظمؑ ۳۰، ۶۳

خواجہ بہاء الدین غاسلی ۱۰	تلفغان ۹۸
خواجہ عبد اللہ انصاری ۱۳۸	تیموریان ایران ۹۸
خواجہ نصیر الدین طوسی ۷۸، ۱۱۰	ج
خوارزم شایبان ۹۷	جام (خانوادہ شازی) ۹۸
د	جانگیر بن اکبر شاہ کبیر ۱۰۹
دکتر ذبیح اللہ صفا ۱۰۵	ح
دکتر رضا زادہ شفق ۱۰۵	حافظ الدین ابوالبرکات عبداللہ نسفی ۷۹، ۷۸
دکتر غلام سرور ۱۴۰، ۱۴۶	حامد بن فضل اللہ جمالی ۷۸
دکتر وحید قریشی ۱۱۰	حضرت پیغمبر (درک: محمد) ۱۰۴، ۷۱، ۷۲، ۱۵۳
دیلمیان ۹۷	حضرت رسالت پناہ ۷، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۴۵
دیوان سید اعجاز احمد بخاری ۱۴۵، ۱۴۶	۴۶-۴۹، ۵۳-۵۴، ۸۲، ۱۵۲، ۱۵۳
دیوان سید محمد باقر بخاری ۱۴۲، ۱۴۳-۱۴۶	خ
دیوان سید محمد حسن بخاری ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶	خاتم التبیین (درک: محمد) ۴۹
د	خانان بزرگ مغول ۹۷
رسول اکرم (درک: محمد) ۲۵، ۳۴، ۳۱، ۹۶، ۱۰۱	خانان تیموری ہند ۱۰۷
رسول اللہ (درک: محمد) ۳۹، ۵۹، ۷۱، ۷۵، ۸۵، ۱۱۱	خانوادہ بخاری ۶۷
۲۵۲	خانوادہ گیلانی ۶۷
ز	خطیب خوارزم ۱۰
زجاج نحوی ۱۰	خلجیان ۹۸
س	خلفای اموی ۹۶
سادات بخاری ۳، ۲۱، ۲۳، ۲۴-۲۸، ۳۱، ۳۶	خلفای راشدین ۹۶
۳۷، ۴۴، ۴۶، ۵۵، ۶۰، ۶۲، ۷۵، ۸۲	خلفای عباسی ۹۶
	خواجہ احمد سیوی ۱۰

سید ابراہیم (بن سید راجو کشف المعانی) بخاری ۳۱ ، ۴۵

سید ابو عبد اللہ علاء الدین علی بن سعد بن اشرف بن علی
القریشی الحسینی ۳۳ ، ۳۵ ، ۷۶

سید احمد کبیر (بن سید جلال بخاری) ۱۰ ، ۲۷ ، ۳۱ ، ۳۵ ، ۱۴۳

۳۷ ، ۴۰ ، ۴۲ ، ۴۵ ، ۷۵

سید احمد کسروی تبریزی ۱۲۸ ، ۱۲۹

سید احمد مقبول اللہ ۳ ، ۶۴

سید اسمعیل (بن سید فیض اللہ) بخاری ۳۱ ، ۴۵

سید باقر بخاری (رک : سید باقر بن سید عثمان بخاری) ۲۷ ، ۳۱

۳۲ ، ۳۶ ، ۴۰ ، ۵۰ ، ۵۲ ، ۵۳ ، ۵۷ ، ۶۳ ، ۶۵

۶۷ ، ۶۹ ، ۱۴۱ ، ۱۶۳

سید باقر بن سید عثمان بخاری ۳ ، ۴ ، ۸ ، ۱۱ ، ۱۴ ، ۱۸ ، ۲۱

۲۳ ، ۲۵ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۳۳ ، ۳۵ ، ۳۷ ، ۳۸

۴۰ ، ۴۱ ، ۴۳ ، ۴۵ ، ۴۷ ، ۵۱ ، ۵۴ ، ۶۰ ، ۶۲ ، ۶۴

۶۸ ، ۷۱ ، ۷۴ ، ۷۷ ، ۷۹ ، ۸۲ ، ۸۵ ، ۹۵ ، ۱۱۱

۱۱۲ ، ۱۲۹ ، ۱۳۳ ، ۱۵۱ ، ۱۵۳ ، ۱۵۷ ، ۱۵۹ ، ۱۶۱ ، ۱۶۶

سید بدر الدین (بھگڑی) ۳۳ ، ۶۷

سید برجان الدین ملقب بہ قطب عالم گجراتی (رک : قطب
عالم گجراتی) ۸۰ ، ۸۱

سید بہاء الدین (بن سید جلال بخاری) ۳۵ ، ۶۱

سید بہاء الدین بن سید شمس الدین قادری ۶۷

۱۰۹۴ ، ۱۰۱ ، ۱۶۳ ، ۱۶۵

سادات بخاریان ۱۲۵

سادات بھگڑیان ۱۲۵

سادات بخاریان ۱۲۵

سادات (سلاطین دہلی) ۹۸

سادات یلانی ۱۶۳

سامانیان ۹۷

سرور کائنات (رک : محمد) ۲۲ ، ۲۳ ، ۷۱

سعدی (شیرازی) (رک : شیخ مشرف الدین مصلح بن عبد اللہ
۷۸ ، ۳

سلاطین دہلی ۹۸ ، ۱۰۶

سلجوقیان بزرگ ۹۷

سلسلہ چشت ۳۲

سلسلہ چشتیہ ۳۱ ، ۹۴

سلسلہ سروردیہ ۳۳ ، ۳۴ ، ۵۶

(سلسلہ) قادریہ ۱۹ ، ۹۶

سلسلہ نقشبندیہ ۹۶

سلطان فیروز شاہ تغلق (رک : ابوالمظفر فیروز شاہ) ۳۲

۳۴

سلطان محمد خدا بندہ ۱۰

سلطان محمود غزنوی ۱۰۵ ، ۱۰۶

سلطان ناصر الدین محمود ۱۰

شیخ ابو طالب بن شیخ اسحاق بن شیخ موسیٰ سندی توی

۲۳، ۲۰

شیخ ابو علی بن سینا ۱۰

شیخ احمد بن حسن ۱۰

شیخ اسحاق بن شیخ موسیٰ ۲۰

شیخ بہاء الدین زکریا ملتان ۳۳-۳۵، ۳۷، ۳۷

شیخ بھنبو درک: شیخ شکر اللہ معروف بہ شیخ بھنبو بن شیخ

متن بن شیخ مراد قادری ۸

شیخ جمال درویش اچھی ۳۴

(شیخ حاجی حمید معروف بہ) شیخ محمد غوث ۷۷

شیخ حاکم ابو عبد اللہ نیا بوری ۱۰

شیخ حسن بن محمد ۱۰

شیخ حسن سنانی ۱۰

شیخ حماد بن شیخ رشید الدین جمالی ۳۴

شیخ حماد چشتی ۳۴

شیخ رکن الدین ابو الفتح (ملتان) ۳۷، ۳۷، ۳۷

شیخ سلیم سادار ۳۴

شیخ شرف الدین احمد بھیبی میری ۷۹

شیخ شکر اللہ معروف بہ شیخ بھنبو بن شیخ متن بن شیخ مراد

قادری درک: شیخ بھنبو ۷۹، ۷۷

شیخ شمس الدین ۳۸

شیخ شمس الدین عمر زاوی دوتا بادی ۳۴

شیخ شباب الدین المجر حیتی مکی ۷۷

سید مراد بخاری ۶۶

سید مرتضیٰ جلی ۱۰

سید نصیر الدین بن سید حامد قادری ۶۷

سید نظام الدین (بن سید فضل اللہ) بخاری ۳۱، ۳۱، ۴۵

سید نظام الدین علی اصغر ۳۰، ۳۰، ۶۳

سید نوبار شاہ سادس (بخاری) ۶۲

سید وریہ بخاری ۶۶

سید یعقوب بن سید علی ۱۰، ۷۹

سید یوسف بن سید احمد ماوراء النہر ۳۳، ۳۳، ۷۸

سید یوسف بن سید داؤد بخاری ۳۸، ۳۹، ۴۹، ۷۶

سید یوسف محمد ۳۴، ۷۷

ش

شاہ جہاں بن جہانگیر ۸۲، ۸۳

شاہ سید علی بخاری خوشنویس ۶۶

شاہ عالم گجراتی درک: سید محمد ۸۰، ۸۱

شاہ عثمان درک: سید عثمان بن سید داؤد بخاری ۲۲

۵۷، ۵۹

شاحنشاہان مغول تیموریہ ۸۲، ۸۳، ۸۳، ۹۸، ۱۰۶

۱۰۸، ۱۱۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۵۵

شفیع المذنبین درک: محمد ۶۹

شمید دشت کربلا درک: امام سید حسین ۳۰

شیخ ابو الحسن علی ۱۰

شیخ ابو بکر نساخ ۱۰

(رک : سعدی شیرازی) ۷۸
 شیخ نصیر الدین محمود چراغ دہلی ۴۱-۴۳
 شیخ نظام الدین اولیا ۱۰
 شیخ نور الدین بلخی ۱۰
 شیخ ولی الدین ۱۰
 ص
 صفاریان ۹۷
 صفویان ۹۸
 ع
 عالی (رک : مرزا نور الدین محمد) ۱۰۹
 عباس اقبال ۱۰۸، ۱۰۶
 عبدالرسول تٹوی ۱۰، ۱۲
 عبدالعظیم قریب ۳
 عبداللطیف ۱۶
 عثمانی ۹۸
 عشرۃ البقرہ ۱۱۷
 علی (بن ابی طالب) ۳۱، ۳۳، ۴۳
 علی اصغر مکت ۱۲۸
 غ
 غزویان ۹۷، ۱۰۶
 غلامان (سلاطین دہلی) ۹۸
 غوریان ۹۷، ۱۰۶

شیخ شہاب الدین سہروردی ۶۷
 شیخ صدر الدین عارف (ملتان) ۳۳، ۳۷
 شیخ صفی الدین ۴۴
 شیخ ضیا شہاب نصیر کمال ۳۴، ۷۸
 شیخ عبدالحق محدث دہلوی ۷۸
 شیخ عبدالرحمن عباسی چشتی ۷۶
 شیخ عبداللہ المطری ۳۸، ۳۹، ۴۲
 شیخ عبدالواسع صوفی ۲۴
 شیخ علی بن عیسیٰ الایلی ۱۰
 شیخ عیسیٰ بن شیخ قاسم برہان پوری ۷۸
 شیخ فتح محمد بن شیخ عیسیٰ برہان پوری ۷۸
 شیخ فضل اللہ بن ضیاء الدین عباسی ۴۴، ۷۶
 شیخ فضل اللہ روزہبان بن فضل اللہ محمد السن النجفی ۷۶
 شیخ قطب الدین دمشقی ۴۶
 شیخ قطب الدین قوتانی ۱۰
 شیخ قطب الدین نصیر جون پوری ۴۴
 شیخ محمد اکرام ۱۱۰
 شیخ محمد بن بابویہ قمی ۱۰
 شیخ محمود بن محمد بن محمود درگزینی ۷۹
 شیخ محمد قطب ۴۴
 شیخ محی الدین ابن العربی ۷۸
 شیخ محی الدین عبدالقادر جیلانی ۱۹، ۶۷
 شیخ مشرف الدین مصلح بن عبداللہ سعدی شیرازی

ف

فاطان ۱۳۷

فاطمہ ۱۳۷

فضل اللہ بن عبید اللہ بن عباس ۳۶

ق

قاضی التتوخی (رک: ابو علی المحسن بن علی) ۷۶

قاضی یعقوب ۱۰

قطب عالم گجراتی (رک: سید برهان الدین) ۸۱، ۸۰

ک

کعب بن زہیر صحابی ۱۰

ل

لودیان ۹۸

م

محمّد (رک: آن حضرت، احمد، پیغمبر آخر الزمان،

حضرت پیغمبر، حضرت رسالت پناہ، خاتم النبیین

رسول اکرم، رسول اللہ، سرور کائنات، شیخ

المنذبین، محمد مصطفیٰ، نبی) ۶

محمد ایوب قادری ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۰، ۳۲

۳۵، ۳۶، ۴۱، ۴۲

محمد باقر (رک: سید باقر بن سید عثمان بخاری) ۲۲، ۲۱

محمد بن ابی بکر معروف بہ امام زادہ الحنفی (رک: امام زادہ الحنفی)

۷۸

محمد بن مجیر بن وجیہ الدین ۷۹

محمد حسین نسیمی ۶

محمد داراشکوہ ۴۵، ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۱۱۰

محمد دین ۱۴-۱۶

محمد شاہ بادشاہ ۱۱، ۱۲

محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی (رک: محمد علی بکاتب)

۱۹-۲۶، ۵۸، ۷۰، ۷۲

محمد علی (کاتب) (رک: محمد علی بن شیخ عبدالواسع صوفی) ۶

۸، ۱۸، ۵۲

محمد مصطفیٰ ۱۷، ۸، ۲۱، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۸، ۴۷-

۳۹، ۵۲، ۵۴، ۷۱، ۸۱، ۹۶

محمد دوم جهانی (رک: محمد دوم سید جلال جهانیان جاگشت)

۵۷، ۵۸

محمد سوم جهانیان (رک: محمد دوم سید جلال جهانیان جاگشت)

۳۵، ۳۸، ۴۳، ۱۵۳

محمد حسن جهانیان ۴۱، ۴۲

محمد سوم سید جلال بخاری (رک: محمد دوم سید جلال جهانیان جاگشت)

۳۸

محمد سوم سید جلال جهانیان جاگشت ۱۰، ۱۱، ۲۱، ۲۲، ۲۷

۳۱، ۳۲، ۳۳-۳۶، ۳۹، ۴۰-۴۲، ۴۵

۷۷، ۷۹، ۸۱، ۱۴۳

مرزا عبدالقادر بیدل عظیم آبادی (رک: بیدل عظیم آبادی) ۱۰۹

مرزا نور الدین محمد ملقب بہ نعمت خان و متخلص بہ مآلی

(رک: نعمت خان و مآلی) ۱۰۹

ن	م
نبی درک: محمد، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۷۱	مسعود حسن شہاب ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۲
نظام حاجی غریب الیمینی درک: نظام الدین الیمینی ۷۸	ملفریان فارس ۹۷
نظام الدین الیمینی ملقب بہ نظام حاجی غریب الیمینی درک:	ملا طغرای مشہدی ۱۰۹
نظام حاجی غریب الیمینی ۷۸	ملا محمد بن ابراہیم بن محمد چلی ۷۸
نعمت خان درک: مرزا نور الدین محمد ۱۰۹	ملک الشعرا بہار ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۵۹
نور الدین محمد ظہوری تشریزی ۱۰۹	مولانا مولوی دین محمد عباسی علامہ ۱۶۳
و	مولانا نامی ۷۸
ولی الدین ابو عبد اللہ محمد بن عبد اللہ خطیب تبریزی ۷۹	مولانا نور الدین عبدالرحمن جامی ۷۸
ھ	مولوی احمد الدین درک: احمد دین ۱۴، ۱۵
ھرمان اتہ ۱۰۵	مولوی فیض بخش ۱۰۳
ی	مولوی محمد فیض احمد اویسی ۱۶۳-۱۶۶
ینیان ۹۸	میر ابراہیم ۳۹
یونس نحوی ۱۰	میر ابوالبقا ۱۰
	میر ابوالقاسم ۱۰
	میر تہ اشرف جہانگیر سنائی ۲۴
	میر علی شیر قانع تتوی ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۵۹، ۶۶



۲۔ فہرست نامہای کتاب ہا و رسالہ ہا

بحر العجائب ۷۶، ۵۰	آ
بزم صوفیہ ۳۱۳	آئین اکبری ۱۱۲، ۱۰۸
بستان البخاری ۷۶	ا
بوستان ۳	ابطال پنج ابطال ۷۶
بہارہ ۱۰۹	احیاء العلوم (الذین) ۷۶، ۱۱۲، ۱۵۳
پ	اربعین صوفیا ۴۶
پارسی نغز ۱۷۸	اکبر جلال ۷۶، ۵۸، ۲۱
پنج رقمہ ۱۰۹	الفرج بعد الشدة و المصیقة ۷۶
ت	القرآن الحکیم ۱۵۲، ۱۰۳، ۱۰۰، ۵۷، ۵۳، ۴۹
تاریخ ادبیات ایران ۱۰۵	انوار الاولیا ۷۶، ۳۸
تاریخ ادبیات در ایران ۱۰۵	انوار العابدین ۷۶
تاریخ ادبیات فارسی ۱۰۵	اویلا چشتیہ ۷۶
تاریخ ایران و اروپا ۱۰۶	اوراد عظیم ۷۶
تاریخ زبان فارسی ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۲۹	ب
تحفۃ الکرام ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۵۹، ۶۶	باقر الانوار ۷۶، ۵۹، ۵۳
تذکرہ اولیای اوچ شریف ۱۶۳	باقر المرادات ۸۶، ۵۸
	بحر الانوار ۷۶، ۳۳

خ

خزانہ البخاری ۷۷

خزانہ الجلالی ۷۷، ۴۵

خطہ پاک اوچ ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۵۹، ۶۱، ۶۲

خلاصۃ التصانیف ۷۷

خمس الانوار ۷۷، ۵۸

د

داثرۃ المعارف ۱۵۷

دربارہ نقل ۱۱۰

ر

راختہ البخاری ۷۷

راختہ الجلالی ۷۷، ۴۶

رسائل (ملا طغرای مشہدی) ۱۰۹

رسالہ جیبیہ ۷۷

رسالہ در مجموعہ ۱۰۹

رسالہ سوال و جواب مخدوم سید جلال جانان جاگشت

۷۷

رسالہ (سید شرف الدین مشہدی) ۷۷، ۳۸

رسالہ کنز الاربعین ۴۶

رسالہ کنز العارفین ۷۷

رسالہ گلشن ۷۷

رسالہ مکیہ (ترجمہ فارسی) ۴۶

رقعات (ملا طغرای مشہدی) ۱۰۹

تعرف (فی التصوف) ۱۱۸

تفسیر (امام حسن بن علی العسکری) ۷۶

تفسیر بخاری ۷۶

توزک جانگیری ۱۰۹

ج

جامع العلوم ۷۶، ۴۵

جامع ترمذی ۷۷

جواہر الاولیا ۳-۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۳۳-۳۵، ۳۳

۳۵-۴۵، ۵۴، ۵۶-۵۷، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۷۱

۷۶، ۷۹-۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۱، ۹۳-۹۵

۱۰۰، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰-۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۶

۱۱۷، ۱۱۹-۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۸

۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴-۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳

۱۵۵-۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵

جواہر البخاری ۷۷

جواہر جلالی ۴۶

جواہر جہنم ۷۷

جوہرۃ التیرہ (شرح مختصر القدوری) ۷۷

ج

چار عنصر ۱۰۹

ح

حدائق الاخبار ۷۷

حسن التوسل فی زیارۃ اکرم الرسل ۷۷

شرف الاولیا ۷۸	رقعات (مرزا نور الدین محمد ملقب بہ نعمت خان و متخلص بہ عالی) ۱۰۹
شمائل نامہ ۱۲۶	رقعات میرزا عبد القادر بیدل عظیم آبادی (۱۰۹)
شواہد النبوة ۷۸	س
ط	سبک شناسی ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۵۹
طبقات سلاطین اسلام ۸۱	سراج الہدیہ ۴۶
ع	سیر اکبر ۱۱۰
عجوبہ ۷۸	سفر نامہ مخدوم جانیان جاگشت ۳۰
علی الیوم واللیلہ ۷۸	سفینۃ الاولیا ۳۵، ۷۷، ۸۰، ۸۱
عین المعانی ۷۸	سلسلۃ الذهب (شجرہ منظوم بخاریان) ۷۷
ف	سیر العارفين ۷۸
فتوح الاوراد ۷۸	سہ نثر (ظہوری ترشیزی) ۱۰۹
فتوحات فیروز شاہی ۴۲	سیرنامہ (مخدوم سید جلال جانیان جاگشت) ۳۹
فتوحات مکہ ۷۸	۳۰
فضایل الاعمال ۷۸	ش
فوائد البخاری ۷۸	شجرہ اہلان ۷۸
فوائد (خواجہ نصیر الدین طوسی) ۷۸	شجرہ بخاریان ۲۶
ق	شجرہ سادات بخاری (۲۱، ۲۶)
قرآن حکیم درک: القرآن الحکیم ۹	شجرہ منظوم بخاریان ۱۷، ۱۳، ۱۹
ک	شجرہ العالم ۷۸
کتاب علم الاجتماع ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۵۵، ۱۵۶	شرح صغیر نیتہ المصلیٰ ۷۸
کشف الکرامات ۷۸	شرح مشکوٰۃ ۷۸
کنز الانوار ۷۸، ۴۳	شرعۃ الاسلام ۷۸
کنز المعرفۃ ۷۸	

مقصود القاصدین ۷۹	گ
مقصود المریدین ۷۹	گلستان ۸۷
مکتوبات ۷۹	ل
مناقب مخدوم جہانیاں ۴۶	لطائف اشرفی ۷۸
مونس البخاری (خرد) ۷۹، ۵۰	م
مونس البخاری (کلان) ۷۹، ۵۰	مجموع البخاری ۳۹، ۵۰، ۷۹
منہاج العابدین ۲۱، ۷۹	مختصر دائرۃ المعارف ۷۳، ۷۵، ۹۵، ۱۵۵-۱۵۷
مینا بازار ۱۰۹	مخدوم جہانیاں جہانگشت ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۷
ن	۳۰، ۳۲، ۳۴، ۴۱، ۴۲
نجوم الفرقان ۱۰۳	مدارک التذہیب ۷۹
نزل السائین ۷۹	مشکوٰۃ المصابیح ۷۹
نسخہ صغیر جواہر الاولیا ۱۹، ۲۰، ۲۵	مصابیح (اصل مشکوٰۃ) ۷۹
نسخہ کبیر جواہر الاولیا ۱۸، ۲۰، ۲۵	منظر جلالی ۳۶
نسخہ وسیط جواہر الاولیا ۱۸، ۲۰، ۲۵	معدن المعانی ۷۹
لکات ۱۰۹	مفاتیح الجنان (شرح شرطہ الاسلام) ۷۹
و	مفتاح الجنان ۷۹
وقایح حیدرآباد ۱۰۹	مقرر نامہ ۳۶



۳۔ فہرست نامہای جاہا

ب	ا
بخارا ۳۱-۳۵	ابودھن ۱۴۶
بلخ ۳۳	اُچ (رک: اُچ بخاری) ۲۶، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۶
بجارت ۶	۵۷، ۵۳، ۴۹
ہبادل پور ۳	اُچ بخاری ۱۸، ۸، ۳-۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۷، ۳۲، ۳۶
بجگر ۳۳، ۳۴	۴۵، ۴۴، ۴۲، ۴۱، ۳۷-۵۲، ۵۰
بھکری ۱۴	۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۷، ۷۵
بیت اللہ ۳۸	۷۶، ۹۶، ۱۶۱-۱۶۶
بیت المقدس ۳۹، ۴۰، ۱۱۷	اُچ بخاریان ۴۵، ۵۲، ۸۱
پ	اُچ گیلانی ۱۶۳، ۶۷
پادشاہان ۱۶	اُچ ملتان (رک: اُچ بخاری) ۴۵
پادشاہانی ۱۵، ۱۶	احمد آباد ۸۰
پاک تین شریف ۱۶۶	اسلام آباد ۱۴۳، ۱۴۴
پاکستان ۳، ۵، ۳۳، ۶۰، ۶۲، ۷۵، ۸۶	اعظم گڑھ ۳۳
۱۰۶، ۱۳۷، ۱۶۲	ایران ۵، ۱۰، ۱۰۳-۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۳۶
پنجاب ۳، ۵، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۸، ۸۶، ۸۹	۱۳۷، ۱۵۹

شہ قارہ پاکستان و ہند ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۳۶، ۳۷،

۱۲۸، ۱۰۷-۱۰۵، ۹۳، ۸۳، ۴۳، ۴۲

۱۲۹، ۱۳۸-۱۳۰، ۱۳۴

ب

طران (درک: تران) ۳، ۸۱، ۱۰۶

ع

عرب ۱۰۱-۱۰۳

عربستان ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۳۱، ۳۲

غ

غزنین ۱۰۶

ف

فیروزپور ۱۰۳

ک

کاس ۱۱۶، ۱۱۷

کراچی ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۲، ۳۷، ۳۰، ۳۶، ۳۵

۱۰۴، ۱۰۳، ۸۰، ۶۶، ۶۲، ۶۱، ۵۹، ۳۶

۱۰۸، ۱۲۹، ۱۴۰

کشیر ۶

کعبۃ اللہ ۳۳، ۳۴، ۱۱۳، ۱۱۷

کوٹھ تکان ۵

گ

گجرات ۵

گجراتوالہ ۵، ۱۵، ۱۷

۱۲۹، ۱۳۰

ت

تتہ ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۵۷

تہران (درک: طران) ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۲۸

ج

جٹوں ۸، ۶

جلم ۱۴، ۱۷، ۸۹

چ

چاہ تھیری والا ۱۴۳، ۱۴۵

چکوال ۱۴، ۱۶

د

دشت کربلا ۳۰

دہلی ۱۵، ۳۳

ر

راولپنڈی ۵، ۶، ۱۴، ۸۶، ۱۹۳

س

ساہیوال ۱۳۶

سند ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۵۷، ۹۰، ۹۹

ش

شاہ جان آباد ۱۱، ۱۲

شہ قارہ (درک: شہ قارہ پاکستان و ہند) ۸۳،

۹۷-۹۹، ۱۰۱-۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۰-۱۳۶

۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۷

مکر معظّمہ ۳۲، ۳۱، ۳۹، ۳۸، ۳۴
ملتان ۳۳-۳۷، ۳۴، ۳۲-۱۴۲-۱۴۴

د

ہند ۱۰۷، ۱۰۶

ہندوستان ۳۱، ۳۲

ل

لاہور ۱۱، ۱۲، ۱۷، ۱۴، ۳۲، ۳۷، ۵۹، ۶۱، ۶۲

۱۱۰

م

ماوراءالنہر ۱۱۷

مدینہ معظّمہ ۳۲، ۳۱، ۳۹، ۳۸، ۳۴، ۳۳



All this work was completed satisfactorily, and I set out for **Multān** along with **Mawlawī Muḥammad Fayd Aḥmad Uwaysī** to meet the present Head of the Family.

We reached **Multān** and came to know that the present Head of the Family has left for his village, namely **Chāh Thriwālā** far away from **Multān**.

We set out for that village along with **Dīwān Sayyid 'Ijāz Aḥmad Bukhārī** son of the present Head of the Family.

We reached **Chāh Therīwālā** and I met the **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī** the present Head of the Family. He is a man of fine habits and polished manners, and possesses all the noble qualities required for a Spiritual Head of the Family.

I related the whole story of my travels to **Uch Bukhārī** in 1972 and 1973, and told him how much I desired to know the correct account of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendant, and how was I misled by others.

He listened to me very patiently, and gave me some information about his family. He told me that unfortunately most of the books of his ancestral library at **Uch Bukhārī** have been destroyed.

At the time of my departure from there he prayed for my success in my work.

In the end it is my most pleasant duty to offer my sincere thanks to **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī**, the present Head of the Family of **Uch Bukhārī**, his son **Dīwān Sayyid 'Ijāz Aḥmad Bukhārī**, **Dīwān Sayyid Muḥammad Ḥasan Bukhārī** and **Mawlawī Muḥammad Fayd Aḥmad Uwaysī** for their kind help in getting correct information about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants at **Uch Bukhārī**.

Kālis,
District Jhelum (Panjāb)
May 5, 1976.

Ghulam Sarwar
Professor and former Head,
Department of Persian
University of Karachi,
Karāchī.

the village where the present Head of Family is residing, and seek first hand information about them.

I wrote letters to the present Head of the Family requesting him to permit me to meet him at **Uch Bukhārī** or at his village.

I then received a letter from **Mawlawī Muḥammad Fayḍ Aḥmad Uwaysī**, the Imām of the mosque of **Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht** at **Uch Bukhārī** informing me that **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī**, the present Head of the Family shall come to **Uch Bukhārī** to celebrate the 'Urs (death anniversary) of his ancestor **Sayyid Faḍluḍ-Dīn Lādīlā** on April 27, 1976, and that I should reach **Uch Bukhārī** on that day and meet him there.

Thereupon, I set out for **Uch Bukhārī** and reached there on April 28, 1976. I met **Dīwān Sayyid Muḥammad Hasan Bukhārī** (a descendant of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and **Mawlawī Muḥammad Fayḍ Aḥmad Uwaysī** and came to know that after the completion of the ceremony of 'Urs on April 27 1976, **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī** has left for **Multān**.

The information about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants which I gathered from the above two persons at **Uch Bukhārī** was more or less the same which I have already given in my Persian Introduction.

I, however, visited the old house of the family from out side as all the doors were closed, and came to know that the ancestral library was located in one of the rooms. I also visited the mosques and graves of **Sayyid Faḍluḍ-Dīn, Lādīlā, Sayyid 'Uthmān Bukhārī, Sayyid Baqir Bukhārī** and those of their descendants.

The photographer of the **Īrān Pākistan Istitute of Persian Studies** (now at **Islāmabād**), who had come with me, took the photographs of the old house of the family, the mosques and the graves, which are given with the text of **Jawāhirul-Awaliyā** and the **Persian Introduction**

Addendum

While giving the biographical sketch of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and the account of the families of the Bukhārī Sayyids at **Uch Bukhārī** in my Persian Introduction to **Jawāhirul-Awliyā** I have already mentioned that I went to **Uch Bukhārī**, once in 1972 and twice in 1973, to seek information about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants, but I did not succeed in my object. I was told that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** did not belong to **Uch Bukhārī** and that he might have lived elsewhere.

The external evidence, however, clearly showed that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** was born at **Uch Bukhārī**, and was brought up and educated under the care and guidance of his father. He was initiated into the Spiritual Order by his father, and received the **Khirqā-i-Khilāfat** (Robe of spiritual succession) from him.

On the death of his father, he became the Head of Order, and carried on the duties of guiding the people to the right path of Islām.

I, therefore, did not believe in the words of those who had told me that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** did not belong to **Uch Bukhārī** and that he might have lived elsewhere.

During the following years I tried my best to find out the real facts about **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and his descendants.

At last I received an information that **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** lived at **Uch Bukhārī**, and his descendants still live there. They are now better known by the title of "Dīwān". The present Head of the family is **Dīwān Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī**. He actually belongs to **Uch Bukhārī**, but now a days he lives in a village in the district of **Multān**.

Since then I desired to go to **Uch Bukhārī** once again, meet the descendants of **Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī** and also go

It was a century and a half after the death of Abūl-Faḍl that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī used Pure Persian while giving the meanings of the names of Almighty God in Jawāhir-II of Jawāhirūl-Awliyā.

It may, however, be pointed out that Abūl-Faḍl was the inventor of a new style, and used Pure Persian in his prose with a definite purpose. Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī appears to have found the meanings of the names of Almighty God in Pure Persian in some old book and copied them in his own book without mentioning the original source.

Part Five

This part contains a brief note on the importance of Jawāhirūl-Awliyā in the present time,

So far as the **external aspect** of this book (i.e. the prayers) is concerned, the book is as important for the spiritual guides of the present time as it was to those of the past. The prayers contained in this book are still valuable for those who believe in their efficacy.

So far as the **internal aspect** of this book is concerned, it is, as has been stated before, a kind of a "**short Encyclopaedia**", and no one can question the importance and value of an "**Encyclopaedia**" in the present time.

It may be noted at the end that the English version of the introduction to Jawāhirūl-Awliyā contains a summary of the facts elaborately discussed in its Persian version.

968, P.I.B. Colony,
Karachi-5
December 30, 1975.

Ghulam Sarwar
M.A., Ph.D. (Allg),
Professor & Former Head,
Department of Persian
University of Karachi,
Karachi.

PART FOUR

Characteristics of the language of Jawāhirūl-Awliyā.

This part contains the following main points:

- (i) the language of Jawāhirūl-Awliyā, and
- (ii) the use of Pure Persian in Jawāhirūl-Awliyā.

A brief discussion on the above points is given below :

(i) The Language of Jawāhirūl-Awliyā.

As has been stated before, the book Jawāhirūl-Awliyā was composed during the second half of the 11th century of Hījrī era/ second half of the 17th century of the Christian era, i.e., during the period of the Timurid Mughal emperors in the Pāk-Hind Sub-Continent.

Persian Prose during this period had the following different styles :

- (I) Ornate Prose,
- (II) Simple Prose, and
- (iii) Mixed (Persian and Arabic) Prose.

Jawāhirūl-Awliyā was composed in mixed (Persian and Arabic) Prose.

It is hardly possible in this brief introduction to give all the characteristics of the language of Jawāhirūl-Awliyā. Only one characteristic i.e., the use of Pure Persian by the author is given below.

(ii) The use of Pure Persian in Jawāhirūl-Awliyā

In this connection it may be mentioned that Abūl-Faḍl 'Allāmī (died in 1011 A.H./1602 A.D.) was the first great writer of the period of the Timurid Mughal Emperors, who used in his books (like Āin-i-Akbarī) Pure Persian which was not common during that period. He invented a new style of Persian Prose, but no writer could follow him after his death.

4. The Umayyids,
5. the Abbasids,
6. the Bukhārī Sayyids,
7. the Heads of spiritual orders,
8. the rulers of Irān,
9. the rulers of other Islāmic lands,
10. the rulers of the Pāk-Hind Sub-Continent,
11. the darwīshes, and
12. the pious women.

The different categories of writers are given below:

1. Writers of books on Islām,
2. Writers of books on Islāmic mysticism,
3. Writers of books on various sciences,
4. Historians,
5. Taḥkīra-writers,
6. Poets,
7. Physicians,
8. Mathematicians,
9. Astronomers,
10. Geographers,
11. Inventors of characters (for writing)
12. Scribes,
13. Linguists,
14. Philosophers,
15. Logicians,
16. Writers of books on travel,
17. Story-writers, and
18. Writers on other topics,

The above groups of writers belonged to the Arablands, Persia and Pāk-Hind Sub-Continent.

- (i) the upper class,
- (ii) the middle class, and
- (iii) the lower class

The first two classes of people possessed all means of solving their problems. They seldom stood in need of prayers and hardly believed in their efficacy.

It was only the lower class of people which did not possess means for overcoming their difficulties. The members of this class generally lived in far off places and were deprived of all facilities. No attention was paid to them by public officers for removing their troubles. Only they had faith in the efficacy of prayers.

The author gave long lists of ailments and worldly troubles of the people in his book; and along with them he quoted the prayers which were meant to remove the ailments and troubles of the people. Therefore most of the members of the lower class used to go to the spiritual guides to get from them prayers for their specific purposes.

It was for this purpose that this book was composed. As the external aspect of the book deals with the problems of the society, the book may, therefore, be regarded as a "**book of socialogy**".

2. The Internal aspect of **Jawāhirul-Awliyā**.

Only a careful study of the book reveals the importance of the internal aspect of the book. The author, besides quoting the prayers, has given the names of hundreds of persons of different professions and views. He has also given the names of a large number of writers along with their books on different subjects.

A complete list of persons and books is given in the index. The list of various groups of persons is given below:

1. the Holy Prophets,
2. the pious caliphs.
3. the immaculate Imāms,

Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī had inherited a library from his ancestors, and his descendants must have inherited it from him. It is presumed that this library is still in the possession of the present Head of the family. I was, however, not informed of it when I visited Uch Bukhārī in 1972 and again in 1973.

2. Historical back ground of the period during which the book was composed.

The author copied a few facts about Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht, Sayyid Burhānu'd-Dīn Gujrātī and his son Sayyid Muḥammad Shāh 'Ālam Gujrātī from Safīnatūl-Awliyā by Muḥammad Dārā Shukūh.

As safīnatūl-Awliyā was completed in 1049 A.H./1639 A.D., it is, therefore, clear that the author started composing this book after 1049 A.H./1639 A.D.

The last date mentioned in the book is 1098 A.H./1687 A.D., (text p. 333), which shows that the book was being composed during that year and that it was completed after that date.

This also shows that the book was composed during the second half of the 11th century of the Hijrī era/second half of the 17th century of the christian era. During this period the following two Timurid Mughal emperors ruled over the Pak-Hind Sub-Continent:

1. Shāh Jahān (1037 — 1068 A.H./1628 — 1658 A.D.), and
2. Aurangzīb (1069 — 1119 A.H./1659 — 1707 A.D.).

(iii) The External and Internal Aspects of Jawāhirūl-Awliyā

A brief discussion on the above aspects is given below :

1. The External Aspect of Jawāhirūl-Awliyā.

So far as the external aspect of the book is concerned, it seems to be a book of prayers in the efficacy of which people in general had a firm belief.

The people of the Pak-Hind Sub-continent, during the period in which the book was composed, were divided into the following three classes:

Jawahir II. on the spiritual blessings of 99 names of Almighty God.

Jawahir III. on the spiritual blessings of 40 other names (of Almighty God) and 99 names of the Holy Prophet and other facts about him.

Jawahir IV. on the spiritual blessings of prayers for the Holy Prophet and other facts about him, and the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Bukhārī saints

Jawahir V. on the spiritual blessings of a number of prayers.

3. Addition to the text by the original scribe,
4. Supplement to the text, and
5. Another addition to the text.

(ii) **The Contents of Jawāhirūl-Awliyā.**

The contents of Jawāhirūl-Awliyā have two distinct aspects, i.e.,

- (a) the external aspect, and
- (b) the internal aspect.

Before explaining the above aspects of Jawāhirūl-Awliyā it seems advisable to deal with the following two points, as they are directly related to the above aspects :

1. Sources of Jawāhirūl-Awliyā the names of which are clearly mentioned in the book and
2. Historical back ground of the period during which the book was composed.

A brief discussion on the above two points is given below :

I. Sources of Jawāhirūl-Awliyā.

The sources of Jawāhirūl-Awliyā the names of which are clearly mentioned in the book show that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī had a big private library at his house.

The author has given in the text names of many books he has used as his sources. He has also made a mention of this fact in his brief introduction to the book.

Sayyid Bāqir Bukhārī's family at Uch Bukhārī.

As a result of the quarrels which broke out in the Bukhārī families for holding the office of the custodian of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, the ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī kept themselves aloof from the parties in quarrels founded a separate spiritual order, and guided the people to the right path of Islām.

Persons from amongst the family of the new spiritual order, who had received good education, and were interested in composing books, have left some works on Islām and Islāmic mysticism.

The descendants of Sayyid Bāqir Bukhārī still live at Uch Bukhārī, and are better known by the title of "Dīwan". The present Head of this family is Dīwan Sayyid Muḥammad Bāqir Bukhārī, and is now residing in a village in the district of Multān.

I am extremely sorry to state that I could not meet the descendants of Sayyid Bāqir Bukhārī when I went to Uch Bukhārī in 1972 and again in 1973, as I was told that he did not belong to Uch Bukhārī, and that he might have lived elsewhere.

Part Three

Notice on the book Jawāhirūl Awliyā.

This part contains the following main points:

- (i) the book Jawāhirūl-Awliyā,
- (ii) the contents of Jawāhirūl-Awliyā, and
- (iii) the external and internal aspects of Jawāhirūl-Awliyā.

A brief discussion on the above points is given below:

(i) The book Jawāhirūl-Awliyā.

The book Jawāhirūl-Awliyā consists of the following parts:

1. A brief introduction to the book about the subject matter and the motives of composing the book,
2. The text of the book which contains the following chapters called "Jawāhir" (gems):

Jawāhir I: on the spiritual blessings of the Chapters and Verses of the Holy Qurān.

(iii) Sayyid Muḥammad Ghawth..

The following persons succeeded Sayyid Jalāl Bukhārī as Heads of the family and the custodians of his shrine :

- (1) Sayyid Aḥmad Kabīr (date of death not known).
- (2) Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht bin Sayyid Aḥmad Kabīr (died in 785 A.H./1383 A.D.)
- (3) Sayyid Rājū Qattāl bin Sayyid Aḥmad Kabīr (died in 827 A.H./1424 A.D.), and
- (4) Sayyid Faḍluḍ-Dīn bin Sayyid Maḥmūd Nāsiruḍ-Dīn bin Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht (date of death not known).

Reference has already been made before about the family quarrels for holding the office of the custodian of the Shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī.

On the death of Sayyid Faḍluḍ-Dīn Bukhārī quarrels broke out in the Bukhārī family for holding the office of the custodian of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, as a result of which the above office was held by the following Heads of the family :

1. Descendants of Sayyid Bahauḍ-Dīn bin Sayyid Jalāl Bukhārī till the end of the 9th century of Hijri era/end of the 15th century of the christian era. The last holder of this office was Sayyid Raḥmatullāh Shāh Chāndna Chirāgh.
2. Makhdūm Ḥasān-i-Jahāniyān, a descendant of Sayyid Aḥmad Kabīr, collected a strong group of disciples, attacked Sayyid Raḥmatullāh Shāh Chāndna Chirāgh, seized the office of the custodian by force, and compelled Sayyid Chāndna Chirāgh to leave Uch Bukhārī. Since then the office of the custodian is held by the descendants of Makhdūm Ḥasān-i-Jahāniyān.

The present holder of this office is Sayyid Ghulām Asghar Bukhārī bin Sayyid Nawbahār Shāh VI. I thrice met him at Uch Bukhārī.

and astatic practices. He received the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) from his father.

On the death of Sayyid 'Uthmān Bukhārī, Sayyid Bāqir Bukhārī became the Head of the spiritual Order, and began to perform the duties of his office :

His prayers.

He also used to observe the prayers which have already been mentioned with respect to his father (text pp. 297 and 239). He also used to see the Holy Prophet in sleep and receive instructions from him during the observance of prayers (Text p. 333).

His Travels.

Sayyid Bāqir Bukhārī set out from Uch Bukhārī and travelled to other places, but the names of places to which he travelled are not mentioned in Jawāhirūl-Awliyā.

Only one clear reference to his return journey from Thattā in the province of Sind to Uch Bukhārī is given in his verses (text p. 552).

Jawāhirūl-Awliyā was completed during his life time. The last date mentioned in the book is 1098 A.H./1687 A.D., which shows that he died after this date.

Sayyid Bāqir was a good scholar, and has left the following works :

- (i) Khamsūl-Anwār,
- (ii) Akbar-i-Jalālī,
- (iii) Bāqirūl-Murādāt, and
- (iv) Jawāhirūl-Awliyā,

The Bukhārī Families of Uch Bukhārī.

A brief survey of the historical events with respect to the Bukhārī families of Uch Bukhārī are given below :

Sayyid Jalāl Bukhārī left three sons, namely:

- (i) Sayyid Ahmad Kabīr,
- (ii) Sayyid Bahāūd-Dīn, and

It may be noted that such meetings of Sayyid 'Uthmān Bukhārī with the Holy Prophet took place when he was asleep during his retirement for prayers.

The Year of 1051 A.H./1641 A.D. mentioned above in connection with the prayers of Sayyid 'Uthmān Bukhārī shows that he was alive in that year and that he died later. The exact date of his death is not mentioned in *Jawāhirul-Awliyā*.

Sayyid 'Uthmān Bukhārī was a man of learning and has left the following works :

- (i) *Mūnisul Bukhārī* (large edition),
- (ii) *Mūnisul Bukhārī* (short edition),
- (iii) *Majmū'ul-Bukhārī*, and
- (iv) *Baḥrūl-Ājāib*.

Biographical note on Sayyid Bāqir Bukhārī (author of *Jawāhirul-Awliyā*).

Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī was not only the spiritual Head of the family, he was also a man of learning and was interested in composing books on Islām and Islāmic mysticism. No details of his life are given in *Jawāhirul-Awliyā*.

As has been stated before, I thrice went to Uch Bukhārī (one in 1972 and twice in 1973) to seek information about Sayyid Bāqir Bukhārī and his descendants, but I did not succeed in my object. I was told that he did not belong to Uch Bukhārī and that he might have lived elsewhere.

Although the internal evidence clearly showed that he was born and brought up at Uch Bukhārī and had spent his whole life in the same town.

A few references mentioned in *Jawāhirul-Awliyā*, which throw some light on his life, are given below :

Sayyid Bāqir Bukhārī, who was born at Uch Bukhārī, was brought up and educated under the care of his pious father. After the completion of his formal studies, he was initiated by his father into the spiritual Order, whereupon he devoted himself to prayers

3. Sayyid 'Uthmān Bukhārī (father of Sayyid Bāqir Bukhārī)

Sayyid 'Uthmān bin Sayyid Dāūd Bukhārī was also a famous saint, but no details of his life are given in *Jawāhirul-Awliyā*. Even the dates of his birth and death are not known.

It is, however, evident that he was born in the house of the spiritual Head, Sayyid Dāūd Bukhārī, and was brought up in a religious and spiritual environment. He received education under the guidance of his father.

On the completion of his formal studies he was initiated into the spiritual order by his father, whereupon he devoted himself to prayers and ascetic practices. He received the robe of spiritual succession (*Khirqā-i-Khilāfat*) from his father.

On the death of his father Sayyid 'Uthmān Bukhārī succeeded him as the Head of the Spiritual Order, and began to perform the duties of guiding the people to the right path of Islam.

Sayyid Bāqir Bukhārī mentions two special prayers which his father used to observe during his life, i.e.,

- (i) 'Itikāf i.e., retirement to a corner of a mosque for constant prayers every year during the last ten days of Ramaḍān (the month of fasting),

In this connection Sayyid Bāqir Bukhārī mentions the year 1051 A.H./1641 A.D. (text pp. 218 and 219) during which his father retired for constant prayers.

- (ii) Chilla i.e., retirement to a secluded place for continuous prayers consecutively for forty days.

One strange fact mentioned by Sayyid Bāqir Bukhārī in connection with the observance of the above prayers by his father is that during the observance of those prayers he used to see the Holy Prophet (ﷺ) and receive instructions from him.

(iii) His Return to Uch Bukhārī to serve Islām.

On his return from abroad Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht first went to Dihlī. He had already heard the fame of piety and Spiritual greatness of Shaykh Naṣīruḏ-Dīn Mahmūd Chirāgh-i-Dihlī, the Head of the **Chishtī Order**.

The Makhdūm met the Shaykh and accepted him as his spiritual guide. The Shaykh bestowed upon him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the **Chishtī Order**.

Thereafter the Makhdūm returned to Uch Bukhārī, and spent the rest of his life in offering prayers and guiding the people to the right path of Islam. He was greatly respected in the Pak-Hind Sub-Continent. Sulṭān Fīrūz Shāh Tughlaq (752-790 A.H./1351-1388 A.D.) had accepted him as his spiritual guide and held him in great honour.

He died in 785 A.H./1383 A.D., and was buried at Uch Bukhārī.

He was a man of great learning and has left a large number of sermons which have been collected in the form of books by his disciples. The books containing his sermons are:

1. Jāmi'ul-'Ulūm,
2. Khazīnatul Jalālī,
3. Rāḥatul-Jalālī,
4. Sirajul Hadāyah.
5. Jawāhir-i-Jalālī
6. Mazhar-i-Jalālī
7. Manāqib-i-Makhdūm-i-Jahāniyān
8. Muqarrir Nāma (his letters and instructions),

His other works are:

1. Risāla-i-Kanzul-'Ārifīn,
2. Persian Translation of Risāla-i-Makkiyya by Shaykh Qutbuḏ-Dīn Damīshqī,

He was then sent by his father to Multān to receive higher education under the guidance of Shaykh Ruknu'd-Dīn Abul Fath bin Shaykh Şadru'd-Dīn 'Arif bin Shaykh Bahāu'd-Dīn-i-Zakariyā-i-Multānī.

On the completion of his formal studies he returned to Uch Bukhārī, and was initiated by his father into the Spiritual Order. Thereafter he devoted himself to prayers and ascetic practices.

After sometime he again went to Multān and accepted Shaykh Ruknu'd-Dīn Abul-Fath Multānī as his spiritual guide. The Shaykh bestowed upon him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Suhrawardī Order.

His father Sayyid Aḥmad Kabīr had already accepted Shaykh Sadru'd-Dīn Arif Multānī as his spiritual guide, and had received from him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Suhrawardī Order.

(ii) His Travels in Islamic Lands.

Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān remained at Uch Bukhārī till the death of Shaykh Ruknu'd-Dīn Abul Fath Multānī, which occurred in 735 A.H./1335 A.D. Sometime after the death of the Shaykh, he set out from Uch Bukhārī and travelled to Arabia to perform a pilgrimage to Mecca and to pay a visit to the tomb of the Holy Prophet at Madīna.

He stayed in the Holy cities for seven years, and studied Ḥadīth (Traditions of the Holy Prophet) with Shaykh Imām 'Abdullāh Yāfi'e (died 768 A.H./1366 A.D.) at Mecca and with Shaykh 'Abdullāh at Maṭrī (died 765 A.H./1364 A.D.) at Madīna.

On completing his studies of the Ḥadīth (Traditions of the Holy Prophet) he returned to the Pak-Hind Sub-Continent. No details of his travels to other Islamic lands are given in Jawāhirul-Awliyā; but because of his long travels in Islamic lands he acquired the title of "Jahāngasht" (the world traveller).

At Bhakkar he married the daughter of Sayyid Badru'd-Dīn Bhakkārī, a man of a noble descent. The period of his stay at Bhakkar is not known.

From Bhakkar he came back to Multān; and on bearing the piety and spiritual greatness of Shaykh Bahāu'd Dīn-i-Zakariyā-i-Multānī the Haed of the Suhrawardī Order, he met the Shaykh and accepted him as his spiritual guide.

Sayyid Jalāl Bukhārī had already completed the series of prayers and undergone the ascetic practices, the Shaykh, therefore, bestowed upon him the robe of spiritual succession (Khirqa-i-Khilāfat) of the Suhrawardī Orders.

Sayyid Jalāl Bukhārī spent thirty years in the service of the Shaykh at Multān; and sometime after the death of the Shaykh, which occurred in 661 A.H./1263 A.D., he went to the town of Uch (now in the district of Bahāwalpūr in the province of the Panjab).

He spent the rest of his life at Uch in guiding the people to the right path of Islām, and a large number of persons embraced Islām at his hands. He died in 690 A.H./1291 A.D., and was buried at Uch.

The town of Uch acquired the fame of his name, and, hence forward it was known as "Uch Bukhārī".

2. Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht.

Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht was the most famous of the Bukhārī saints. He was born in 707 A.H./1307 A.D. at Uch Bukhārī. His life is divided into three periods i.e.,

- (i) his education and initiation into the spiritual order,
- (ii) his travels in Islamic lands, and
- (iii) his return to Uch Bukhārī to serve Islām.

A brief account of the above periods of his life is given below:

(i) His Education and initiation into the spiritual order.

Makhdūm Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān was brought in a religious and spiritual environment. He received his early education under the guidance of his father Sayyid Aḥmad Kabīr.

He settled down at Uch (now in the district of Bahāwalpūr in the province of the Panjāb), and founded the Spiritual Order of the Bukhārī Sayyids.

From amongst the ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī, who lived at Uch Bukhārī, guided the people to the right path of Islām, and became famous for their piety and spiritual greatness, were:

1. Sayyid Jalāl Bukhārī,
2. Makhdum Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht, and
3. Sayyid 'Uthmān Bukhārī (father of Sayyid Bāqir Bukhārī).

Biographical notes on the above Bukhārī saints are given below:—

I. Sayyid Jalāl Bukhārī

Sayyid Jalāl Bukhārī bin Sayyid 'Alī Abūl-Mu'ayyad was born at Bukhārā in 595 A.H./1199 A.D. He was brought up in a religious and spiritual environment, and received his education under the guidance of his father.

His ancestors were all devoted to Islām and had passed their lives in its service.

On the completion of his formal studies he was initiated by his father into the spiritual order, whereupon he devoted himself to prayers and ascetic practices.

Sayyid Jalāl Bukhārī spent several years at Bukhārā; and, according to the statement of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī given in Jawāhirul-Awliyā, (Text P.P. 8 and 9) he set out from Bukhārā and travelled to Arabia to perform a pilgrimage to Mecca and pay a visit to the tomb of the Holy Prophet at Madīna.

He spent seven years in the Holy cities and returned to Bukhārā (Text P. 9)

At the age of forty (i.e., in 635 A.H./1237 A.D.) he again set out from Bukhārā and came to the north-west regions of the Pak-Hind sub-continent, now called Pākistān. He passed through Multān and arrived at the town of Bhakkar in the province of Sind.

Group II. From Sayyid Jāfar Thāni bin Imām Sayyid 'Alī Naqī to Sayyid 'Alī Abūl Mu'ayyad.

1. Sayyid Jāfar Thāni bin Imām Sayyid 'Alī Naqī (the eleventh in the above table),
2. Sayyid Nizāmu'd-Dīn 'Alī Aṣghar,
3. Sayyid 'Abdullāh,
4. Sayyid Aḥmad,
5. Sayyid Maḥmūd,
6. Sayyid Muḥammad,
7. Sayyid Jāfar, and
8. Sayyid 'Alī Abūl-Mu'ayyad.

2. The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī after their arrival in Pak-Hind Sub-continent.

1. Sayyid Jalāl Bukhārī bin Sayyid 'Alī Abūl-Mu'ayyad.
2. Sayyid Aḥmad Kabīr,
3. Makhdūm Sayyid Jalāl Jahāniyān Jahāngasht,
4. Sayyid Maḥmūd Nasīrud-Dīn,
5. Sayyid Fayḍullāh,
6. Sayyid Ismā'īl,
7. Sayyid Rājū (Kashfūl-Mā'ānī),
8. Sayyid Ibrāhīm,
9. Sayyid Quṭbu'd-Dīn,
10. Sayyid Faḍlullāh,
11. Sayyid Nizāmu'd-Dīn Bukhārī,
12. Sayyid Rājū (Ghawth-i-Ṣamdānī),
13. Sayyid Ḥājī Hamīd Nizāmu'd-Dīn,
14. Sayyid Shukrullāh Bukhārī,
15. Sayyid Dāūd Bukhārī, and
16. Sayyid 'Uthmān Bukhārī (father of Sayyid Bāqir Bukhārī),

Out of the above sixteen persons, the man who first came from Bukhārā to the Pāk-Hind Sub-continent, was Sayyid Jalāl Bukhārī.

Part Two

Notice on the author of Jawāhirūl-Awliyā.

This part contains the following main points :

- (i) The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī,
- (ii) Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī, the author of Jawāhirūl-Awliyā,
- (iii) The Bukhārī families of Uch Bukhārī, and
- (iv) Sayyid Bāqir Bukhārī's family at Uch Bukhārī.

A brief discussion on the above points is given below :

(i) The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī.

1. The ancestors of Sayyid Bāqir Bukhārī before their arrival in Pak-Hind Sub-continent.

As given in Jawāhirūl-Awliyā, they are divided into the following two groups :

Group I. From the Holy Prophet to Imām Sayyid Ḥasan 'Askarī bin Imām Sayyid 'Alī Naqī as is given in the following table spiritual succession.

1. The Holy Prophet,
2. Amīr 'Alī (bin Abī Ṭālib),
3. Imām Sayyid Ḥasan,
4. Imām Sayyid Ḥusayn,
5. Imām Sayyid 'Alī Zaynūl-'Ābidīn,
6. Imām Sayyid Muḥammad Bāqir,
7. Imām Sayyid Jāfar Sādiq,
8. Imām Sayyid Mūsā Kāẓim,
9. Imām Sayyid Abūl-Ḥasan 'Alī bin Mūsā Ridā,
10. Imām Sayyid Muḥammad Taqī,
11. Imām Sayyid 'Alī Naqī, and
12. Imām Sayyid Ḥasan 'Askarī.

- (i) As a result of quarrels which broke out at Uch Bukhārī amongst the descendants of Sayyid Maḥammad Nāsir-ud-Dīn bin Makhdum Sayyid Jalāl-i-Jahāniyān Jahāngasht bin Sayyid Aḥmad Kabīr bin Sayyid Jalāl Bukhārī for holding the office of the custodian of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, the ancestors of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī kept themselves aloof from the family quarrels, and founded a separate order of spiritual guidance in the same town.
- (ii) Persons of the new Spiritual Order, who had received higher education and were interested in composing books, have left some works on Islam and Islamic mysticism.
- (iii) The private library which Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī had inherited from his ancestors appears to be in the house of the present Head of the new Spiritual Order.
- (iv) At the time when I went to Uch Bukhārī in 1972 and again in 1973, the descendants of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī were actually living in that town.

Had I not been misled about their residence at Uch Bukhārī, I would have met the present Head of the new Spiritual Order, and obtained information from him on the following points:

- (1) A brief account of the descendants of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī.
- (2) The original manuscript copies of Jawāhir-ūl-Awliyā in his private library, and
- (3) Manuscript copies of Jawāhir-ūl-Awliyā at other places.

I regret to state that none of my objects was fulfilled.

I believe that manuscript copies of Jawāhir-ūl-Awliyā are still preserved in some private libraries in the provinces of the Panjāb and Sind.

There was a manuscript copy of Jawāhir-ūl-Awliyā with Mīr 'Alī Shīr Qānī Tatawī; who, while writing short notes on the Sayyids of Uch Bukhārī, referred to it thrice in his Tufat-ūl-Kirām. (Tufat-ūl-Kirām, Urdu translation, Karāchi, 1959, pp. 366, 375 and (377).

As has been stated before it was Muḥammad 'Alī who proposed to Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī to compose Jawāhirūl-Awliyā in three editions, and he completed the transcription the first two (i.e., the large and the medium) editions.

The last date mentioned in Jawāhirūl-Awliyā is 1098 A.H./1687 A.D., which shows that Muḥammad 'Alī was busy in transcribing Jawāhirūl-Awliyā during that year.

He was much devoted to his teacher and spiritual guide, and it appears that most of his life was spent at Uch Bukhārī.

Mīr 'Alī Shīr Qānī Tatawī gives a brief note in his Tuḥfatūl-Kirām on Moḥammad 'Alī, and says :

“He was a perfect ṣūfī, and he versified the genealogical table of the Bukhārī Sayyids”. (Tuḥfatūl-Kirām, Urdu Translation, Karāchī, 1959, P. 380).

Manuscript Copies of Jawāhirūl-Awliyā at other places :

I went to several places in search for other manuscript copies of Jawāhirūl-Awliyā; and in this connection I thrice went to Uch Bukhārī (once in 1972 and twice in 1973) in the hope of finding out the original manuscript copies of Jawāhirūl-Awliyā.

I was under the impression that the original manuscript copies of Jawāhirūl-Awliyā would have been preserved in the private library of the Bukhārī Sayyids, the custodians of the shrine of Sayyid Jalāl Bukhārī, the founder of the spiritual order of the Bukhārī Sayyids at Uch Bukhārī.

Unfortunately I did not succeed in my efforts. I was told that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī did not belong to Uch Bukhārī, and that he might have lived elsewhere.

I was misled by these words and returned from there disheartened and disappointed.

Apart from the fact that internal evidence clearly showed that Sayyid Bāqir Bukhārī and his ancestors lived at Uch Bukhārī, my search for the truth revealed more facts, i.e.,

- (iii) The scribe versified the genealogical table of the Bukhārī saints, and clearly mentioned his name in one of the verses. He says:

The refuge of saints Mīrān Muḥammad Bāqir, May God give him long life in this world for several years!

The above said (person) has bestowed all the favours
On this lowest of the disciples,

Whose name is **Muḥammad 'Alī,**

Who offers innumerable thanks to God.

- (iv) At the end of the text (p.555) the scribe gives some of his own verses; in which he clearly states that he wrote down the articles (Maqālāt) which he had heard from the lips of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī.

Biographical note on Muḥammad 'Alī (the original scribe).

Muḥammad 'Alī bin Shaykh 'Abdūl-Wāsi Sūfi was born at Thatta in the province of Sind. The members of his family were all devoted to religion and received spiritual guidance from the Bukhārī saints of Uch Bukhārī. His grand father Shaykh Abū Ṭālib was the disciple of Sayyid Jalāl bin Sayyid Dāūd Bukhārī, the uncle of Sayyid Bāqir Bukhārī.

Muḥammad 'Alī received his early education at Thatta; and, for higher education, he was sent by his father to Uch Bukhārī.

At Uch Bukhārī he studied Persian and Arabic, and, thereafter, he devoted himself to the study of books on religion and Islamic mysticism.

After the completion of his formal studies he was appointed by Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī his private secretary.

Muḥammad 'Alī accepted Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī as his spiritual guide. The chief duty of Muḥammad 'Alī was to assist his teacher and spiritual guide in the composition and transcriptions of his books.

- (ii) Medium edition, and
- (iii) Short edition.

Muhammad 'Alī, the original scribe, says that he completed the transcription of two editions, i.e. of

- (i) The large edition, and
- (ii) the medium edition.

He adds that the third (i.e. the short) edition was not written.

It is clear from the above statement of Muhammad 'Alī, the original scribe, that the above two complete editions of Jawāhirūl-Awliyā were preserved in the private library of Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī at Uch Bukhārī.

Although I thrice went to Uch Bukhārī (once in 1972 and twice in 1973) in search for the original manuscript copies of Jawāhirūl-Awliyā, but I could not trace them.

It could not, therefore, be ascertained whether the text of the three manuscripts in hand was copied from the large or from the medium edition of Jawāhirūl-Awliyā.

(iii) The Original Scribe of Jawāhirūl-Awliyā at Uch Bukhārī.

As has been stated above the original scribe of Jawāhirūl-Awliyā at Uch Bukhārī was Moḥammad 'Alī (bin Shaykh 'Abdūl-Wāsi Sūfī).

To give further proof of the above statement the following references are given from Jawāhirūl-Awliyā.

(i) It is stated (in the text of Jawāhirūl-Awliyā P-92) by Shaykh Ishāq bin Shaykh Mūsā, grand father of the scribe Muhammad 'Alī bin Shaykh 'Abdūl-Wāsi Sūfī bin Shaykh Abū Ṭālib bin Shaykh Ishāq

(ii) It is stated (in the text P-39) by Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī that my pupil and disciple Miyān Muhammad 'Alī bin Shaykh 'Abdūl-Wāsi Sūfī bin Shaykh 'Abū Ṭālib bin Shaykh Ishāq Sīndī Tatawī

This copy contains 204 folios. It is written in minute hand, and is dated 1193 A.H. This is a complete copy of *Jawāhirūl-Awliyā*, and only one folio is missing.

- (2) A manuscript copy of *Jawāhirūl-Awliyā* preserved in the Panjāb University Library, Lahore, No. 6308. A photostat copy of this manuscript was obtained from the Panjāb University Library.

This copy contains 287 folios. It is written in good hand. Unfortunately several folios of this copy are missing. It is dated 1140 A.H.

- (3) A manuscript copy of *Jawāhirūl-Awliyā* now preserved in the Ganj Bakhsh Library, Rāwalpindī No. 290/274. It was procured from a village in the district of Jhelum (Panjāb).

This copy contains 297 folios. It is written in good hand. Unfortunately several folios of this copy are missing. It is undated.

For preparing a correct edition of the text of *Jawāhirūl-Awliyā* manuscript No. 1 has been used as the basic copy. The missing folio was copied from the other two manuscripts.

(ii) **Composition of *Jawāhirūl-Awliyā* at Uch Bukhārī.**

The internal evidence clearly shows that Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī was born at Uch Bukhārī, and spent his whole life in his birth place. He composed the book *Jawāhirūl-Awliyā* in the same town.

Notes on the margins of folio 104b (Manuscript No. 1) and folio 151 b (manuscript No. 2) respectively show that the original scribe of *Jawāhirūl-Awliyā* was Muḥammad 'Alī (bin Shaykh 'Abdūl Wāsi Sūfi).

When Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī started writing *Jawāhirūl-Awliyā*, it was suggested to him by the scribe Muḥammad 'Alī that the book be composed in three editions, namely :

- (i) Large edition,

INTRODUCTION

The introduction to *Jawāhir-ūl-Awliyā* by Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī of Uch Bukhārī is divided into the following five parts :

- Part One** : Description of the manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā*,
- Part Two** : Notice on the author of *Jawāhirūl-Awliyā*,
- Part Three** : Notice on the book *Jawāhirūl-Awliyā*,
- Part Four** : Characteristics of the language of *Jawāhirūl-Awliyā*, and
- Part Five** : Importance of *Jawāhirūl-Awliyā* in the present time.

Part One

Description of the manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā*.

This part contains the following main points :

- (I) Manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā*,
- (II) Composition of *Jawāhirūl-Awliyā* at Uch Bukhārī,
- (III) The original scribe of *Jawāhirūl-Awliyā*, at Uch Bukhārī.

The above points are briefly discussed below :

(i) Description of manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā*.

The following three manuscript copies of *Jawāhirūl-Awliyā* have so far been found in Pākistān :

- (I) A manuscript copy of *Jawāhirūl-Awliyā* now preserved in the Ganj Bakhsh Library, Irān Pākistān Institute of Persian studies, Rāwalpindī, No 290/523 procured from a Village in the district of Gujranwalā (Panjāb).

facility during my stay at the Institute. I have no hesitation in saying that the production of this work owes every thing to him and to his devotion to the service of Persian Language in Pakistan. It is due to his genuine efforts that this book has seen the light of the day.

- (ii) **Mrs. A.A. Jafarī**, a noble lady of a noble family, who always tried to solve my difficulties during my stay at the Institute, and provided an opportunity for me to continue my work peacefully.
- (iii) **Mr. Muḥammad Ḥusayn Tasbiḥi**, the Librarian of the Ganj Bakhsh Library. He is a prolific writer and indefatigable worker. He always helped me in procuring every kind of material relating to the sources of the present work.

And lastly to my two pupils :

- (1) **Mr. Sājidullah Tafhimi**, now Chairman, Department of Persian, University of Karachi, and
- (2) **Mr. Sayyid Maṣṣūr 'Alī Suhrawardī**, now a research scholar in Persian, University of Karāchī,

And to my friend **Mawlānā 'Abduṣ Ṣamad Siddiqi**, a learned scholar of Arabic, for their help in comparing my text with the original texts.

968 P.I.B. Colony,
Karachi-5.
December 26, 1975.

GHULAM SARWAR
M.A., Ph.D. (Alig.),
Professor and Former Head,
Department of Persian,
University of Karachi,
KARACHI.

The purpose of preparing a complete edition of the text was, however, not served even by comparing the text of the above two manuscripts, and I was compelled to search for another complete manuscript copy of the book. A year's time passed in my fruitless search.

It was in May 1973 that I received information from Mr. Aḥmad Ḥusayn Qurayshī, Professor of Persian, Zamīndār Degree College, Gujrāt, that a complete manuscript copy of **Jawāhirul-Awliyā** was available. This copy was procured through the courtesy and help of Sayyid Sharīf Aḥmad Sharāfat Nawshāhī, a learned descendant of the Nawshāhī saints of Sāhinpāl, a village near Gujrāt.

This manuscript copy comprised the whole of the book. Only one folio was missing, the contents of which, however, were available in the other two MSS already in my hand.

The actual work of preparing a correct edition of the text thus was started in June, 1973. **Jawāhirul-Awliyā** is a voluminous work, and it took me several months to compare the texts of the three manuscripts and prepare a complete and correct edition of the text.

The work of studying the whole book carefully and finding out material for a critical introduction to the book also took sufficient time.

The facts contained in the Introduction about the book, the life and times of the author and his family, and salient linguistic characteristics of the book are based entirely on internal evidences.

As a humble scholar of Persian Language and Literature it is unnecessary for me to say anything about the amount of labour and perseverance required for preparing a correct edition of such an old Persian work, and to write a critical introduction to it. Howfar I have succeeded in my efforts can best be judged by scholars who study the edition.

It now remains my pleasant duty to express my sincere thanks to :

- (i) **Dr. 'Alī Akbar Jāfarī**, Director, Irān-Pākistan Institute of Persian Studies, Rāwalpindī, who gave me every

PREFACE

It was in April, 1972, that I was called upon by Dr. Ālī Akbar Jāfarī, Director of Irān Pākistan Institute of Persian Studies, Rāwalpindī, to undertake the work of preparing a correct edition of the book, **Jawāhirūl Awliyā** by **Sayyid Bāqir bin Sayyid Uthmān Bukhārī** of **Uch Bukhārī** in the district of Bahāwalpūr (Panjāb) and to write a critical introduction to it. I accepted the offer and set myself to the work.

When I started my work only one manuscript copy of the book was available in the Ganj Bakhsh Library of the Institute. I read through it carefully, and prepared a detailed note on the value and importance of the book.

My note was approved by the Director, and I was advised to continue the work.

The manuscript in hand had a number of lacunas extending over several folios, and the text contained numerous mistakes. Even the verses of the Holy Quran had been copied incorrectly. Therefore, before I began the work of preparing a complete and correct copy of the text, it became absolutely necessary for me to search for other manuscript copies of the book.

I then undertook an extensive tour of Peshāwar, Gujrāt (Panjāb), Multān, Bahāwalpūr and lastly Uch Bukhārī, the centre of the Bukhārī saints. The last place I visited thrice but I did not succeed in my efforts to get from there a copy of **Jawāhirūl-Awliyā**.

Later, I was able to find out a manuscript copy of the book in the Panjāb University Library, Lahore. I went to Lahore twice and with the help of the Assistant Librarian, I succeeded in getting a photo-stat copy of the manuscript.

This manuscript was written in a good hand and its text contained only minor errors; but to my utter disappointment it contained more lacunas than those found in the manuscript of the Ganj Bakhsh Library. Moreover it was found that the illiterate book-binder had misplaced several folios of **Jawāhirs IV and V**.

Name : Jawāhirul Awliyā

Author : Sayyid Bāqir bin Sayyid 'Uthmān Bukhārī

Foreword : Dr. Ali A. Jafarey, Director, Iran Pakistan Institute of Persian Studies.

Editor : Dr. Ghulam Sarwar

Publishers : Iran Pakistan Institute of Persian Studies,
34th house, 4th Street, F-6/3, Islamabad, Pakistan,
Telephone : 23340

Press : S. T. Printers, Rawalpindi.

Size : 24X17 Cms.

Paper : 70/gr.

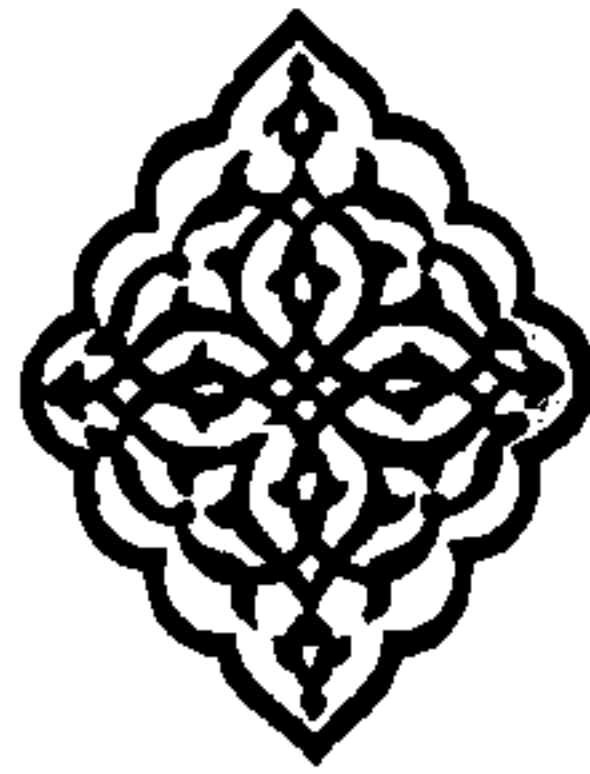
Calligrapher : Abdul Aziz

Date : 1976 A.D.

Price : 25 Pakistani Rupees.

Rights of Publication reserved by the Editor and
the Publishers

A Publication of Iran Pakistan Institute of Persian Studies



Serial No. 15

SUFISM

No. 3

PREFACE

JAWĀHIRUL-AWLIYĀ

by

DR. GHULĀM SARWAR

طبعة الأولى
نور آباد - فتح گڑھ - سیالکوٹ



Iran Pakistan Institute of Persian Studies
Islamabad, Pakistan
1976 A. D.

in these fields, have decided to conclude this Agreement on co-operation in the fields of Culture and Education."

And the Constitution defines the objectives of the Institute: "Pakistan is the proud possessor of a cultural heritage which has been enriched through centuries by the Persian Language, Literature and Art. In order to preserve and develop this heritage further 'an Iran Pakistan Institute of Persian Studies' shall be established in Pakistan jointly by the Ministry of Education and Scientific Research, Government of Pakistan and Ministry of Culture and Art, Imperial Government of Iran for an indefinite period."

One of the steps taken towards achieving the above-mentioned objectives is the publication of Persian manuscripts authored in Pakistan. Here is an interesting text well edited and commented by Dr. Ghulam Sarwar, veteran scholar and Persian professor of Pakistan.

It is hoped that this humble contribution will illuminate a rather dim corner of the wealthy wide world of the Pakistani Culture and will present the identity of the Common Cultural Heritage of Iran and Pakistan.

Islamabad, Pakistan
6th July 1976.

Ali A. Jafarey
Director,
Iran Pakistan
Institute of Persian Studies.



In the name of God, the Beneficent, the Merciful

The conception of the establishment of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies formalized with the will—will to patronize Learning and promote Culture—of His Imperial Majesty Shahanshah Aryamehr of Iran and His Excellency the President of Pakistan translated in the joint communique of 4th November, 1969.

The Ministry of Culture and Art of Iran and the Ministry of Education and Scientific Research of Pakistan were entrusted with the task of drawing and implementing the project. The good will and the zeal of co-operation displayed by the authorities responsible was to such an extent that as soon as the bare outlines of the project emerged clear, preliminary steps were taken to implement it. The nucleus of the Institute was formed in form of a central office at Rawalpindi and it began functioning with no loss of time.

On 23rd October 1971, the Government of Iran and Pakistan signed the Agreement 'regarding establishment of the Iran Pakistan Institute of Persian Studies in Pakistan, The Institute stood established.

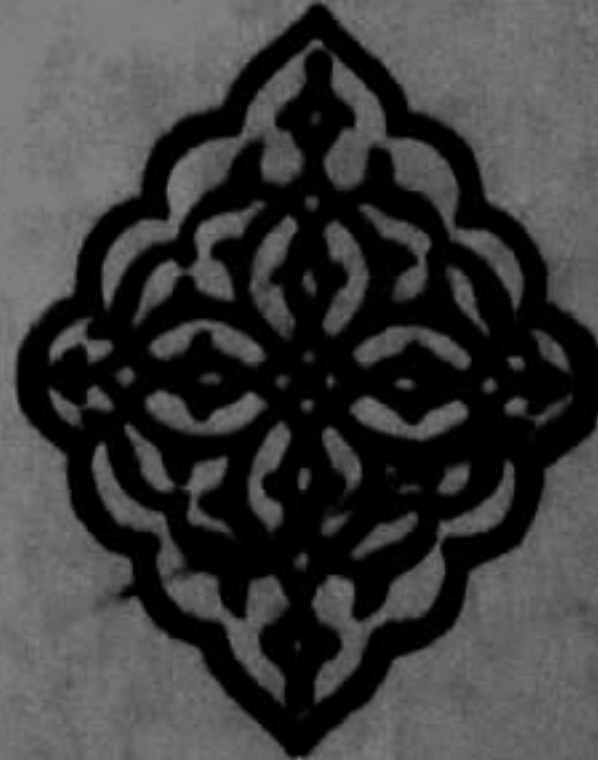
The Agreement begins: "The Imperial Government of Iran and the Government of the Islamic Republic of Pakistan being desirous of strengthening and perpetuating the bonds of cultural, educational and linguistic co-operation between the two countries and with the object of arriving at the greatest possible understanding between them through mutual friendly co-operation

PREFACE

JAWĀHIRŪL-AWLIYĀ

by

DR. GHULĀM SARWAR



Iran Pakistan Institute of Persian Studies
Islamabad, Pakistan
1976 A. D.